



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق احسن الباسم

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

رسالة
توضیح المسائل

آیت الله علی اصغر رحیمی آزاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رساله توضیح المسائل آیت الله شیخ علی اصغر رحیمی آزاد

نویسنده:

علی اصغر رحیمی آزاد

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	توضیح المسائل آیه الله شیخ علی اصغر رحیمی آزاد
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	احکام طهارت
۱۰	آب مطلق و مضاف
۱۱	۱- آب کر
۱۳	۲- آب قلیل
۱۴	۳- آب جاری
۱۵	۴- آب باران
۱۶	۵- آب چاه
۱۷	احکام آبها
۱۹	احکام تخلی (بول و غائط کردن)
۲۲	استبراء
۲۴	مستحبات و مکروهات تخلی
۲۵	نجاسات
۲۵	۱ و ۲ - بول و غائط
۲۶	۳- منی
۲۶	۴- مردار
۲۷	۵- خون
۲۹	۶ و ۷- سگ و خوک
۲۹	۸- کافر
۳۰	۹- شراب
۳۰	۱۰- قُقَاع
۳۱	۱۱- عرق حیوان نجاستخوار

۳۱	راه ثابت شدن نجاست
۳۳	راه نجس شدن چیزهای پاک
۳۵	احکام نجاسات
۳۸	مطهرات
۳۸	۱- آب
۴۷	۲- زمین
۴۹	۳- آفتاب
۵۰	۴- استحاله
۵۱	۵- کم شدن دو سوّم آب انگور
۵۲	۶- انتقال
۵۳	۷- اسلام
۵۳	۸- تبعیت
۵۴	۹- برطرف شدن عین نجاست
۵۵	۱۰- استبراء حیوان نجاستخوار
۵۶	۱۱- غایب شدن مسلمان
۵۷	احکام ظرفها
۵۹	وضو
۶۳	وضوی ارتماسی
۶۴	دعاهایی که موقع وضو گرفتن مستحبّ است
۶۵	شرایط وضو
۷۵	احکام وضو
۷۸	چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت
۸۰	چیزهایی که وضو را باطل می کند
۸۰	احکام وضوی جبیره
۸۶	غسل های واجب
۸۶	احکام جنابت

۸۸	چیزهایی که بر جنب حرام است
۸۹	چیزهایی که بر جنب مکروه است
۸۹	غسل جنابت
۹۰	غسل ترتیبی
۹۱	غسل ارتماسی
۹۲	احکام غسل کردن
۹۶	استحاضه
۹۶	احکام استحاضه
۱۰۱	حیض
۱۰۳	احکام حیض
۱۰۹	اقسام زن های حیض
۱۱۰	۱- صاحب عادت وقتیه و عددیه
۱۱۵	۲- صاحب عادت وقتیه
۱۱۷	۳- صاحب عادت عددیه
۱۲۰	۴- مضطربه
۱۲۱	۵- مبتدئه
۱۲۲	۶- ناسیه
۱۲۲	مسائل متفرقه حیض
۱۲۵	نفاس
۱۲۸	غسل مست میت
۱۳۱	احکام محتضر
۱۳۲	احکام بعد از مرگ
۱۳۲	احکام غسل و کفن و نماز و دفن میت
۱۳۳	احکام غسل میت
۱۳۷	احکام کفن میت
۱۴۰	احکام حُوط

۱۴۱	احکام نماز میت
۱۴۳	دستور نماز میت
۱۴۵	مستحبات نماز میت
۱۴۶	احکام دفن
۱۴۸	مستحبات دفن
۱۵۳	نماز وحشت
۱۵۴	نبش قبر
۱۵۵	غسل های مستحب
۱۵۸	تیمم
۱۶۱	دوم از موارد تیمم
۱۶۲	سوم از موارد تیمم
۱۶۳	چهارم از موارد تیمم
۱۶۴	پنجم از موارد تیمم
۱۶۴	ششم از موارد تیمم
۱۶۴	هفتم از موارد تیمم
۱۶۵	چیزهایی که تیمم با آنها صحیح است
۱۶۸	دستور تیمم بدل از وضو
۱۶۸	دستور تیمم بدل از غسل
۱۶۸	احکام تیمم
۱۷۵	احکام نماز
۱۷۵	اشاره
۱۷۶	نمازهای واجب
۱۷۷	نمازهای واجب یومیّه
۱۷۷	وقت نماز ظهر و عصر
۱۷۸	نماز جمعه
۱۷۹	وقت نماز مغرب و عشاء

وقت نماز صبح - ۱۸۱

احکام وقت نماز - ۱۸۱

نمازهایی که باید به ترتیب خوانده شود - ۱۸۵

نمازهای مستحب - ۱۸۷

درباره مرکز - ۱۸۹

توضیح المسائل آیه الله شیخ علی اصغر رحیمی آزاد

مشخصات کتاب

سرشناسه: رحیمی آزاد، علی اصغر، - ۱۳۲۳

عنوان و نام پدید آور: رساله توضیح المسائل / مطابق با فتاوی علی اصغر رحیمی آزاد

مشخصات نشر: قم: علی اصغر رحیمی آزاد، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری: ص ۷۱۴

شابک: - ۹۶۴

یادداشت: فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه

رده بندی کنگره: ۱۳۸۳/۹BP/۳۵۵/۱۳۸۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۳-۲۷۱۵۵

بر گرفته از:

http://www.rahimi-azad.org/persian/index.php?option=com_contenttask=sectionid=۱۴Itemid=۴۶

احکام طهارت

آب مطلق و مضاف

(مسأله ۲۰) آب مضاف آبی را گویند که نام آب را به تنهایی نتوان بر آن گذاشت بلکه آن را از چیزی بگیرند: مثل آب انگور و آب هندوانه و گلاب، یا با چیزی مخلوط باشد: مثل آبی که به قدری با گل و مانند آن مخلوط شود، که دیگر به آن آب نگویند.

و غیر از اینها آب مطلق است و آن بر پنج قسم است:

(اوّل) آب کتر .

(دوّم) آب قلیل .

(سوّم) آب جاری .

(چهارم) آب باران .

(پنجم) آب چاه .

۱- آب کتر

(مسأله ۲۱) آب کتر مقدار آبی است که اگر در ظرفی که حجم آن ۳۶ وجب باشد بریزند آن ظرف را پر کند ، پس حوضی که درازای آن چهار وجب و پهنا و گودی آن سه وجب باشد یک کتر است و وزن آن از صد و بیست و هشت من تبریز بیست مثقال کمتر است (وهر من تبریز ششصد و چهل مثقال است) که به وزن های معمولی زرگران تقریباً ۷۴۰/۳۷۷ کیلو گرم است .

(مسأله ۲۲) اگر بوی آب به واسطه غیر نجاست تغییر کند ، نجس نمی شود .

(مسأله ۲۳) اگر عین نجس مانند بول و خون یا چیزی که نجس شده است مانند لباس نجس ، به آب کتر برسد ، چنانچه آن آب ، بو ، یا رنگ ، یا مزه نجاست را بگیرد نجس می شود و اگر تغییر نکند نجس نمی شود .

(مسأله ۲۴) اگر عین نجس مانند خون به

آبی که بیشتر از کَر است برسد و بو، یا رنگ، یا مزه قسمتی از آن را تغییر دهد، چنانچه مقدار آبی که تغییر نکرده کمتر از کَر باشد تمام آب نجس می شود و اگر به اندازه کَر باشد و یا بیشتر از کَر فقط مقداری که بو، یا رنگ، یا مزه آن تغییر کرده نجس است.

(مسأله ۲۵) آب فواره اگر متصل به کَر باشد، آب نجس را پاک می کند ولی اگر قطره قطره روی آب نجس بریزد، آن را پاک نمی کند، مگر آن که چیزی روی فواره بگیرند، تا آب آن قبل از قطره قطره شدن به آب نجس متصل شود و بنا بر احتیاط واجب باید آب فواره با آب نجس مخلوط گردد.

(مسأله ۲۶) اگر چیز نجس را زیر شیری که متصل به کَر است بشویند آبی که از آن چیز می ریزد اگر متصل به کَر باشد و بو، یا رنگ، یا مزه نجاست نگرفته باشد و عین نجاست هم در آن نباشد پاک است.

(مسأله ۲۷) اگر مقداری از آب کَر یخ ببندد و باقی آن به قدر کَر نباشد چنانچه نجاست به آن برسد نجس می شود و هر قدر از یخ هم آب شود نجس است.

(مسأله ۲۸) آبی که به اندازه کَر بوده اگر انسان شک کند از کَر کمتر شده، یا نه مثل آب کَر است، یعنی نجاست را پاک می کند و اگر نجاستی هم به آن برسد نجس نمی شود

و آبی که کمتر از کَرّ بوده و انسان شکّ دارد به مقدار کَرّ شده یا نه حکم آب کَرّ را ندارد .

(مسأله ۲۹) کَرّ بودن آب به دو راه ثابت می شود :

(اول) آنکه خود انسان یقین کند .

(دوم) آنکه دو مرد عادل خبر دهند ؛ اما به گفته کسی که آب در اختیار اوست مثل اینکه حمامی بگوید این آب کَرّ است بنا بر احتیاط واجب ثابت نمی شود .

۲- آب قلیل

(مسأله ۳۰) آب قلیل آبی است که از زمین نجو شد و از کَرّ کمتر باشد .

(مسأله ۳۱) اگر آب قلیل روی چیز نجس بریزد ، یا چیز نجس به آن برسد نجس می شود ، ولی اگر از بالا روی چیز نجس بریزد ، مقداری که به آن چیز می رسد نجس و هر چه بالا تر از آن است نجس نمی شود .

(مسأله ۳۲) آب قلیلی که برای برطرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته شود و از آن جدا گردد نجس است . و بنا بر احتیاط واجب باید از آب قلیلی هم که بعد از برطرف شدن عین نجاست ، برای آب کشیدن چیز نجس روی آن می ریزند و از آن جدا می شود اجتناب کنند . ولی آبی که با آن مخرج بول و غائط را می شویند ، با پنج شرط پاک است :

(اول) آن که بو ، یا رنگ ، یا مزه نجاست نگرفته باشد .

(دوم) آن که نجاستی از خارج به آن نرسیده باشد .

(سوم) نجاست

دیگری مثل خون ، یا بول ، یا غائط بیرون نیامده باشد .

(چهارم) آن که ذره های غائط در آن آب پیدا نباشد .

(پنجم) بیش تر از مقدار معمول نجاست به اطراف مخرج نرسیده باشد .

۳- آب جاری

(مسأله ۳۳) آب جاری آبی است که دارای منبع و سر چشمه باشد خواه در روی زمین جاری شود و خواه در زیر زمین .

(مسأله ۳۴) آب جاری اگر چه کمتر از کثر باشد ، چنانچه نجاست به آن برسد ، تا وقتی بو ، یا رنگ ، یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است .

(مسأله ۳۵) اگر نجاستی به آب جاری برسد ، مقداری از آن که بو ، یا رنگ ، یا مزه اش به واسطه نجاست تغییر کرده نجس است ؛ و طرفی که متصل به چشمه است اگر چه کمتر از کثر باشد پاک است . و آب های دیگر نهر اگر به اندازه کثر باشد ، یا به واسطه آبی که تغییر نکرده به آب طرف چشمه متصل باشد ، پاک و گرنه نجس است .

(مسأله ۳۶) آب چشمه ای که جاری نیست ولی طوری است که اگر از آن بردارند باز می جوشد حکم آن مانند آب جاری است ، یعنی اگر نجاست به آن برسد ، تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است .

(مسأله ۳۷) آبی که کنار نهر ایستاده و متصل به آب جاری است حکم آب جاری را دارد .

(مسأله ۳۸) چشمه ای

که مثلاً در زمستان می جوشد و در تابستان از جوشش می افتد فقط وقتی که می جوشد حکم آب جاری را دارد .

(مسأله ۳۹) آب حوض حمام اگر چه کمتر از کَرّ باشد ، چنانچه به خزینه ای که آب آن به اندازه کَرّ است متصل باشد ، مثل آب جاری است .

(مسأله ۴۰) آب لوله های حمام و ساختمان ها که از شیرها و دوشها می ریزد اگر متصل به کَرّ باشد مثل آب جاری است .

(مسأله ۴۱) آبی که روی زمین جریان دارد ولی از زمین نمی جوشد چنانچه کمتر از کَرّ باشد و نجاست به آن برسد نجس می شود . اما اگر از بالا به پایین بریزد ، چنانچه نجاست به پایین آن برسد بالای آن نجس نمی شود .

۴- آب باران

(مسأله ۴۲) اگر به چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست یک مرتبه باران بیارد ، جایی که باران به آن برسد پاک می شود . و در فرش و لباس و مانند اینها فشار لازم نیست . ولی باریدن دو سه قطره فایده ندارد ، بلکه باید طوری باشد که بگویند باران می آید و بنا بر احتیاط واجب باید روی زمین سخت جریان پیدا کند .

(مسأله ۴۳) اگر باران ، به عین نجس بیارد و به جای دیگر ترشح کند چنانچه عین نجاست همراه آن نباشد ، و بویا رنگ ، یا مزه نجاست نگرفته باشد پاک بودن آن محل اشکال است ؛ و اگر باران بر خون بیارد و ترشح کند چنانچه ذره های خون در آن

باشد ، یا آنکه بو ، یا رنگ ، یا مزه خون گرفته باشد نجس می باشد .

(مسأله ۴۴) اگر بر سقفِ ساختمان یا روی بامِ آن عین نجاست باشد تا وقتی باران به بام می بارد ، آبی که به چیز نجس رسیده و از سقف یا ناودان می ریزد پاک است و بعد از قطع شدن باران اگر معلوم باشد آبی که می ریزد ، به چیز نجس رسیده است ، نجس می باشد .

(مسأله ۴۵) زمین نجسی که باران بر آن بیارد پاک می شود . و اگر باران بر زمین جاری شود و به جای نجسی که زیر سقف است برسد آن را نیز پاک می کند .

(مسأله ۴۶) خاک نجسی که به واسطه باران گِل شود پاک است .

(مسأله ۴۷) هر گاه آب باران در جایی جمع شود ، اگر چه کمتر از کَرّ باشد چنانچه موقعی که باران می آید ، چیز نجسی را در آن بشویند و آب ، بو ، یا رنگ ، یا مزه نجاست نگیرد آن چیز نجس پاک می شود .

(مسأله ۴۸) اگر برفش پاکی که روی زمین نجس است باران بیارد ، و بر زمین نجس جاری شود ، فرش نجس نمی شود و زمین هم پاک می گردد .

۵- آب چاه

(مسأله ۴۹) آب چاهی که در زمین می جوشد ، اگر چه کمتر از کَرّ باشد چنانچه نجاست به آن برسد تا وقتی بو ، یا رنگ ، یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است .

ولی مستحبّ است پس

از رسیدن بعضی از نجاست ها مقداری که در کتاب های مفصل گفته شده از آب آن بکشند .

(مسأله ۵۰) اگر نجاستی در چاه بریزد و بو ، یا رنگ ، یا مزه آب آن را تغییر دهد ، چنانچه تغییر آب چاه از بین برود بنا بر احتیاط واجب موقعی پاک می شود که با آبی که از چاه می جوشد مخلوط گردد .

(مسأله ۵۱) اگر آب باران یا آب دیگر در گودالی جمع شود و کمتر از کز باشد به رسیدن نجاست به آن نجس می شود .

احکام آبها

(مسأله ۵۲) آب مضاف که معنی آن در « مسأله ۲۰ » گفته شد ، چیز نجس را پاک نمی کند ، وضو و غسل هم با آن باطل است .

(مسأله ۵۳) آب مضاف هر قدر زیاد باشد ، اگر ذره ای نجاست به آن برسد نجس می شود ، ولی چنانچه از بالا با فشار روی چیز نجس بریزد ، یا از پایین با فشار به طرف بالا برود مانند فواره ، مقداری که به چیز نجس رسیده نجس و مقداری که بالاتر از آن است پاک می باشد . مثلاً اگر گلاب را از گلابدان روی دست نجس بریزند ، آنچه به دست رسیده نجس و آنچه به دست نرسیده پاک است .

(مسأله ۵۴) اگر آب مضاف نجس ، طوری با آب کز یا جاری مخلوط شود ، که دیگر آب مضاف به آن نگویند پاک می شود .

(مسأله ۵۵) آبی که مطلق بوده و معلوم نیست مضاف شده یا نه مثل

آب مطلق است ، به این معنی که چیز نجس را پاک می کند ، وضو و غسل هم با آن صحیح است .

و آبی که مضاف بوده و معلوم نیست مطلق شده یا نه مثل آب مضاف است ، یعنی چیز نجس را پاک نمی کند ، وضو و غسل هم با آن باطل است .

(مسأله ۵۶) آبی که معلوم نیست مطلق است یا مضاف و معلوم نیست که قبلاً مطلق یا مضاف بوده نجاست را پاک نمی کند ، وضو و غسل هم با آن باطل است . و چنانچه کمتر از کثر باشد به ملاقات نجاست نجس می شود ، ولی اگر به اندازه کثر یا بیشتر از کثر باشد و نجاست به آن برسد حکم به نجس بودن آن نمی شود ، ولی نجاست را پاک نمی کند .

(مسأله ۵۷) آبی که عین نجاست مثل خون و بول به آن برسد و بو ، یا رنگ ، یا مزه آن را تغییر دهد ، اگر چه کثر یا جاری باشد نجس می شود .

ولی اگر بو ، یا رنگ ، یا مزه آب به واسطه نجاستی که بیرون آن است عوض شود ، مثلاً مرداری که پهلوی آب است بوی آن را تغییر دهد نجس نمی شود .

(مسأله ۵۸) آبی که عین نجاست مثل خون و بول در آن ریخته و بو ، یا رنگ ، یا مزه آن را تغییر داده ، چنانچه به کثر یا جاری متصل شود ، یا باران بر آن بیارد ، یا باد ، باران را در آن بریزد ، یا آب

باران از ناودان در آن جاری شود، و تغییر آن از بین برود پاک می شود ولی بنا بر احتیاط واجب باید آب باران یا کَرّ، یا جاری با آن مخلوط گردد.

(مسأله ۵۹) اگر چیز نجسی را در کَرّ یا جاری آب بکشند آبی که بعد از بیرون آوردن از آن می ریزد پاک است.

(مسأله ۶۰) آبی که پاک بوده و معلوم نیست نجس شده یا نه پاک است. و آبی که نجس بوده و معلوم نیست پاک شده یا نه نجس است.

(مسأله ۶۱) نیم خورده سگ و خوک و کافر، نجس و خوردن آن حرام است. و نیم خورده حیوانات حرام گوشت، پاک و خوردن آن مکروه می باشد.

احکام تخلی (بول و غائط کردن)

(مسأله ۶۲) واجب است انسان وقت تخلی و مواقع دیگر، عورت خود را از کسانی که مکلفند، اگر چه مثل خواهر و مادر با او محرم باشند، و همچنین از دیوانه و بچه های ممیز که خوب و بد را می فهمند بپوشاند. ولی زن و شوهر لازم نیست عورت خود را از یکدیگر بپوشانند.

(مسأله ۶۳) لازم نیست با چیز مخصوصی عورت خود را بپوشاند. و اگر مثلاً با دست هم آن را بپوشاند کافی است.

(مسأله ۶۴) موقع تخلی باید طرف جلوی بدن یعنی شکم و سینه و زانوها رو به قبله و پشت به قبله نباشد.

(مسأله ۶۵) اگر موقع تخلی طرف جلوی بدن کسی رو به قبله یا پشت به قبله باشد و عورت خود را

از قبله بگرداند کفایت نمی کند ، و اگر جلوی بدن او رو به قبله یا پشت به قبله نباشد ، احتیاط واجب آن است ، که عورت را رو به قبله یا پشت به قبله ننماید .

(مسأله ۶۶) در موقع تطهیر مخرج بول و غائط ، رو به قبله و پشت به قبله بودن حرام نیست ، ولی احتیاط واجب آن است که جلوی بدن در موقع استبراء که احکام آن بعداً گفته می شود رو به قبله و پشت به قبله نباشد .

(مسأله ۶۷) اگر برای آن که نامحرم او را نیند مجبور شود رو به قبله یا پشت به قبله بنشیند ، باید رو به قبله یا پشت به قبله بنشیند و نیز اگر از راه دیگری ناچار باشد رو به قبله و یا پشت به قبله نشستن اشکالی ندارد .

(مسأله ۶۸) احتیاط واجب آن است که بچه را در وقت تخلی رو به قبله یا پشت به قبله نشانند ، ولی چنانچه خود بچه بنشیند ، جلوگیری از او واجب نیست همچنان که از مجنون هم واجب نیست جلوگیری شود .

(مسأله ۶۹) اگر کسی بداند در موقع استبراء بول از مخرج بیرون می آید در این حال رو به قبله و یا پشت به قبله بودن حرام است .

(مسأله ۷۰) در چهار مکان تخلی نمودن حرام است :

(اول) در کوچه های بن بست ، در صورتی که صاحبانش اجازه نداده باشند .

(دوّم) در ملک کسی که اجازه تخلی نداده است .

(سوّم) در جایی که برای

عدّه مخصوص وقف شده باشد ، مثل بعضی از مدارس .

(چهارم) روی قبور مؤمنین ، در صورتی که بی احترامی به آنان باشد .

(مسأله ۷۱) در سه صورت مخرج غائط فقط با آب پاک می شود :

(اوّل) آن که با غائط ، نجاست دیگری مثل خون بیرون آمده باشد .

(دوّم) آن که نجاستی از خارج به مخرج غائط رسیده باشد .

(سوّم) آن که اطراف مخرج بیشتر از مقدار معمول آلوده شده باشد ؛ و در غیر این سه صورت می شود مخرج را با آب شست و یا به دستوری که بعداً گفته خواهد شد با پارچه و سنگ و مانند اینها پاک کرد ، اگر چه شستن با آب بهتر است .

(مسأله ۷۲) مخرج بول با غیر آب پاک نمی شود ؛ و در آب کزّ و آب جاری یک مرتبه بشویند کافی است ؛ ولی با آب قلیل باید دو مرتبه شست و بهتر است سه مرتبه شسته شوند ؛ و در این مسأله بین زن و مرد و خنثی تفاوتی ندارد .

(مسأله ۷۳) اگر مخرج غائط را با آب بشویند ، باید چیزی از غائط در آن نماند . ولی باقی ماندن رنگ و بوی آن مانعی ندارد و اگر در دفعه اوّل طوری شسته شود که ذره ای از غائط در آن نمانده باشد دوباره شستن لازم نیست .

(مسأله ۷۴) با سنگ و کلوخ و مانند اینها اگر خشک و پاک باشند می شود مخرج غائط را تطهیر کرد و چنانچه رطوبت کمی داشته باشند

که به مخرج نرسد اشکالی ندارد، ولی باید از سه دفعه کمتر نباشد؛ اگر چه به یک مرتبه یا دو مرتبه مخرج پاکیزه شود.

(مسئله ۷۵) احتیاط واجب آن است که سنگ یا پارچه ای که غائط را با آن بر طرف می کنند، سه قطعه باشد و اگر با سه قطعه بر طرف نشود، باید به قدری اضافه نمایند تا مخرج کاملاً پاکیزه شود، ولی باقی ماندن ذره های کوچکی که دیده نمی شود اشکال ندارد.

(مسئله ۷۶) پاک کردن مخرج غائط با چیزهایی که احترام آنها لازم است مانند کاغذی که اسم خدا و پیغمبران بر آن نوشته شده حرام است؛ بعید نیست که موجب کفر هم بشود. و با استخوان و سرگین هم نباید مخرج غائط را پاک کرد.

(مسئله ۷۷) اگر شک کند که مخرج را تطهیر کرده یا نه، اگر چه همیشه بعد از بول یا غائط فوراً تطهیر می کرده، احتیاط واجب آن است که تطهیر نماید.

(مسئله ۷۸) اگر بعد از نماز شک کند که قبل از نماز، مخرج را تطهیر کرده یا نه، نمازی که خوانده صحیح است؛ ولی برای نمازهای بعد باید تطهیر کند.

استبراء

(مسئله ۷۹) استبراء یک عمل مستحبی است که مردها بعد از بیرون آمدن بول انجام می دهند، برای آنکه یقین کنند بول در مجرا نمانده است و آن دارای اقسامی است و بهترین آنها این است که بعد از قطع شدن بول، اگر مخرج غائط نجس شده

، اول آن را تطهیر کنند ، بعد سه دفعه با انگشت میانه دست چپ از مخرج غائط تا بیخ آلت بکشند و بعد انگشت شست را روی آلت و انگشت پهلوی شست را زیر آن بگذارند و سه مرتبه تا ختنه گاه بکشند و پس از آن سه مرتبه سر آلت را فشار دهند .

(مسأله ۸۰) آبی که گاهی بعد از ملاحظه و بازی کردن از انسان خارج می شود و به آن مذی می گویند پاک است و نیز آبی که گاهی بعد از منی بیرون می آید و به آن وذی گفته می شود و آبی که گاهی بعد از بول بیرون می آید و به آن وذی می گویند اگر بول به آن نرسیده باشد پاک است . و چنانچه انسان بعد از بول استبراء کند و بعد آبی از او خارج شود و شک کند که بول است یا یکی از اینها پاک می باشد .

(مسأله ۸۱) اگر انسان شک کند استبراء کرده یا نه و رطوبتی از او بیرون آید و نداند پاک است یا نه ، نجس می باشد و چنانچه وضو گرفته باشد باطل می شود . ولی اگر شک کند استبرائی که کرده درست بوده یا نه و رطوبتی از او بیرون آید که نداند پاک است یا نه ، پاک می باشد ، وضو را هم باطل نمی کند .

(مسأله ۸۲) کسی که استبراء نکرده ، اگر به واسطه آن که مدتی از بول کردن او گذشته ، یقین کند بول در مجرا نمانده است و رطوبتی ببیند و شک کند پاک است

یا نه ، آن رطوبت پاک می باشد ، وضو را هم باطل نمی کند .

(مسأله ۸۳) اگر انسان بعد از بول استبراء کند و وضو بگیرد ، چنانچه بعد از وضو رطوبتی ببیند که بداند یا بول است یا منی ، واجب است احتیاطاً غسل کند ، وضو هم بگیرد . ولی اگر وضو نگرفته باشد فقط گرفتن وضو کافی است .

(مسأله ۸۴) برای زن استبراء از بول نیست و اگر رطوبتی ببیند و شک کند پاک است یا نه پاک می باشد ، وضو و غسل او را هم باطل نمی کند .

مستحبات و مکروهات تخلی

(مسأله ۸۵) مستحب است در موقع تخلی جایی بنشیند که کسی او را نبیند و موقع وارد شدن به مکان تخلی ، اول پای چپ و موقع بیرون آمدن ، اول پای راست را بگذارد . و همچنین مستحب است در حال تخلی سر را بپوشاند و سنگینی بدن را بر پای چپ بیندازد .

(مسأله ۸۶) نشستن روبروی خورشید و ماه در موقع تخلی مکروه است . ولی اگر عورت خود را به وسیله ای بپوشاند مکروه نیست و نیز موقع تخلی نشستن روبروی باد و در جااده و خیابان و کوچه و درب خانه و زیر درختی که میوه می دهد و چیز خوردن و توقف زیاد و تطهیر کردن با دست راست مکروه می باشد و همچنین است حرف زدن در حال تخلی ؛ ولی اگر ناچار باشد یا ذکر خدا بگوید اشکال ندارد .

(مسأله ۸۷) ایستاده بول کردن و بول کردن در زمین سخت و سوراخ جانوران و

در آب ، خصوصاً در آب ایستاده مکروه است .

(مسأله ۸۸) خودداری کردن از بول و غائط مکروه است و اگر برای بدن ضرر داشته باشد حرام است .

(مسأله ۸۹) مستحب است انسان پیش از نماز و پیش از خواب و پیش از جماع و بعد از بیرون آمدن منی بول کند .

نجاسات

(مسأله ۹۰) نجاسات یازده چیز است :

(اول و دوّم) بول و غائط .

(سوّم) منی .

(چهارم) مردار .

(پنجم) خون .

(ششم و هفتم) سگ و خوک .

(هشتم) کافر .

(نهم) شراب .

(دهم) فقّاع .

(یازدهم) عرق حیوان نجاستخوار که بنا بر احتیاط واجب باید از آن اجتناب کرد .

۱ و ۲ - بول و غائط

(مسأله ۹۱) بول و غائط انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد که اگر رگ آن را ببرند ، خون از آن جستن می کند نجس است و بنا بر احتیاط واجب باید از بول و غائط حیوان حرام گوشتی که خون آن جستن نمی کند ، مثل ماهی حرام گوشت اجتناب کرد . ولی فضلّه حیوانات کوچک مثل پشه و مگس که گوشت ندارند پاک است .

(مسأله ۹۲) بنا بر احتیاط واجب باید از فضلّه پرندگان حرام گوشت اجتناب کرد .

(مسأله ۹۳) بول و غائط حیوان نجاستخوار نجس است .

(مسأله ۹۴) بول و غائط حیوانی که انسان آن را وطنی کرده ؛ یعنی با آن نزدیکی نموده نجس است و بول و غائط گوسفندی

که استخوان آن از خوردن شیر خوک محکم شده نجس است .

۳- منی

(مسأله ۹۵) منی انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد نجس است چه حرام گوشت باشد و چه حلال گوشت

۴- مردار

(مسأله ۹۶) مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد نجس است ، چه خودش مرده باشد ؛ یا به غیر دستوری که در شرع مقدّس معین شده آن را کشته باشند ، و ماهی چون خون جهنده ندارد اگر چه در آب بمیرد پاک است ، چه حلال گوشت باشد و چه حرام گوشت .

(مسأله ۹۷) اگر از بدن انسان و یا هر حیوانی که خون جهنده دارد در حالی که زنده است گوشت ، یا چیز دیگری را که روح دارد جدا کنند نجس است .

(مسأله ۹۸) چیزهایی از مردار که مثل مو ، و پشم و کُرک و استخوان و دندان ، روح نداشته باشند پاک است .

(مسأله ۹۹) پوست های مختصر لب و جاهای دیگر بدن که موقع افتادنشان رسیده ، اگر چه آنها را بکنند ، پاک است ، ولی بنا بر احتیاط واجب باید از پوست هایی که موقع افتادنشان نرسیده و آن را کنده اند اجتناب نمایند .

(مسأله ۱۰۰) تخم مرغی که از شکم مرده بیرون می آید اگر پوست روی آن سفت شده باشد پاک است . ولی ظاهر آن را باید آب کشید .

(مسأله ۱۰۱) اگر بَرّه و بزغاله ، پیش از آن که علفخوار شوند بمیرند پنیر مایه ای که در شیردان آنها می باشد پاک است ، ولی ظاهر شیردان را باید آب کشید .

(مسأله ۱۰۲) دواجات

روان و عطر و روغن و واکس و صابون که از خارجه می آورند ، در صورتی پاک است که انسان نداند با چربی بدن حیوانی که باید ذبح شرعی شود مخلوط است .

(مسأله ۱۰۳) گوشت و پیه و چرمی که در بازار مسلمانان فروخته شود پاک است ، و همچنین است اگر یکی از اینها در دست مسلمان باشد . ولی اگر بدانند آن مسلمان از کافر گرفته و رسیدگی نکرده که از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده یا نه نجس می باشد ، بلکه اگر از کسی که بی مبالا است بگیرند و احتمال دهند که او از کافر گرفته است باید اجتناب نمایند .

۵- خون

(مسأله ۱۰۴) خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد ؛ یعنی حیوانی که اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می کند نجس است ؛ پس حیوانی که مانند ماهی و پشه خون جهنده ندارد پاک می باشد .

(مسأله ۱۰۵) اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که در شرع معین شده بکشند و خون آن به مقدار معمول بیرون آید ، خونی که در بدنش می ماند پاک است ؛ ولی اگر به علت نفس کشیدن ، یا به واسطه اینکه سر حیوان در جای بلندی بوده ، خون به بدن حیوان برگردد ، آن خون نجس است .

(مسأله ۱۰۶) بنا بر احتیاط واجب از تخم مرغی که ذره ای خون در آن است باید اجتناب کرد . ولی اگر خون در زرده باشد تا پوست نازک روی آن پاره نشده ، سفیده پاک

می باشد .

(مسأله ۱۰۷) خونی که گاهی موقع دوشیدن شیر دیده می شود نجس است و شیر را نجس می کند .

(مسأله ۱۰۸) خونی که از لای دندان ها می آید ، اگر به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین برود پاک است ؛ ولی بهتر آن است که آن را فرو نبرند .

(مسأله ۱۰۹) خونی که به واسطه کوبیده شدن ، زیر ناخن یا زیر پوست می میرد ، اگر طوری شود که دیگر به آن خون نگویند پاک است و اگر به آن خون بگویند نجس است و در این صورت چنانچه ناخن یا پوست سوراخ شود ، اگر مشقت ندارد باید برای وضو و غسل خون را بیرون آورند و اگر مشقت دارد باید اطراف آن را به طوری که نجاست زیاد نشود بشویند و پارچه یا چیزی مثل پارچه بر آن بگذارند و روی پارچه دست تر بکشند و احتیاط واجب این است که تیمم هم بکنند .

(مسأله ۱۱۰) اگر انسان نداند که خون ، زیر پوست مرده یا گوشت به واسطه کوبیده شدن به آن حالت در آمده پاک است .

(مسأله ۱۱۱) اگر موقع جوشیدن غذا ذره ای خون در آن بیفتد ، تمام غذا و ظرف آن نجس می شود . و جوشیدن و حرارت و آتش پاک کننده نیست .

(مسأله ۱۱۲) زردابه ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می شود ، اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط شده پاک می باشد .

(مسأله ۱۱۳) اگر انسان در خونی شكّ

داشته باشد که آیا از حیوانی است که خون جهنده دارد یا نه پاک است و همچنین اگر چیزی مثل خون را ببیند و شک کند که آیا خون است یا نه پاک است .

(مسأله ۱۱۴) اگر انسان در لباس خود خونی را ببیند و نداند که آیا این خون از حیوانی است که خون جهنده دارد یا خون مثلاً پشه و یا مگس است پاک است .

۶ و ۷- سگ و خوک

(مسأله ۱۱۵) سگ و خوک که در خشکی زندگی می کنند ، حتی مو و استخوان و پنجه و ناخن و رطوبت های آنها نجس است ولی سگ و خوک دریایی پاک است .

۸- کافر

(مسأله ۱۱۶) کافر ؛ یعنی کسی که منکر خدا است ، یا برای خدا شریک قرار می دهد و یا پیغمبری حضرت خاتم الانبیاء محمّد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) را قبول ندارد نجس است و نیز کسی که ضروری دین یعنی چیزی را که مثل نماز و روزه مسلمانان جزء دین اسلام می دانند منکر شود ، چنانچه بداند آن چیز ضروری دین است نجس می باشد و اگر نداند احتیاطاً باید از او اجتناب کرد .

(مسأله ۱۱۷) غلات ؛ یعنی آنهایی که یکی از ائمه (علیهم السلام) را خدا بدانند یا بگویند خدا در او حلول کرده ، نجسند و خوارج و نواصب ؛ یعنی کسانی که به ائمه اطهار (علیهم السلام) دشمنی می نمایند ، نجسند و همچنین اهل کتاب ؛ یعنی یهود و نصاری که پیغمبری حضرت خاتم الانبیاء محمّد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) را قبول ندارند ، نجس می باشند ؛ پس باید از آنها اجتناب کرد .

(مسأله ۱۱۸) تمام بدن کافر حتی مو و ناخن و رطوبتهای او نجس است .

(مسأله ۱۱۹) اگر پدر و مادر و جدّ و جدّه بچه نابالغ ، کافر باشند آن بچه هم نجس است و اگر یکی از اینها مسلمان باشد بچه پاک است .

(مسأله ۱۲۰) اگر مسلمانی به یکی

از دوازده امام دشنام دهد ، یا با آن دشمنی داشته باشد نجس است .

(مسأله ۱۲۱) کسی که معلوم نیست مسلمان است یا نه ، پاک می باشد . ولی احکام دیگر مسلمانان را ندارد ، مثلاً نمی تواند زن مسلمان بگیرد و نباید در قبرستان مسلمانان دفن شود .

۹- شراب

(مسأله ۱۲۲) شراب و هر چیزی که انسان را مست می کند ، چنانچه به خودی خود روان باشد نجس است و اگر مثل بنگ و حشیش روان نباشد ، اگر چه چیزی در آن بریزند که روان شود ، پاک است .

(مسأله ۱۲۳) الکل صنعتی که برای رنگ کردن درب و میز و صندلی و مانند اینها به کار می برند ، اگر انسان نداند از چیزی که مست کننده است و روان است درست کرده اند پاک می باشد .

(مسأله ۱۲۴) اگر انگور و آب انگور به خودی خود جوش بیاید تا مست کننده نباشد پاک ، ولی خوردن آن حرام ، ولی برای حلال شدن باید ثلثان شود ، و اگر مست کننده شد ، در صورتی پاک می شود که سرکه شود . و اگر به وسیله پختن به جوش بیاید پاک است و خوردن آن حرام و برای حلال شدن باید ثلثان شود .

(مسأله ۱۲۵) خرما و مویز و کشمش و آب آنها اگر جوش بیاید پاک و خوردن آنها حلال است ، ولی احتیاط مستحب آن است که از آنها اجتناب کنند .

۱۰- فُقَاع

(مسأله ۱۲۶) فُقَاع که از جو گرفته می شود و به آن آب جو می گویند نجس است و خوردن آن حرام می باشد ، ولی آبی که به دستور طبیب از جو می گیرند و به آن ماء الشّعیر می گویند پاک می باشد .

(مسأله ۱۲۷) اگر از غیر جو آبی از چیز دیگری بگیرند تا مست کننده نباشد پاک و خوردن آن

حلال می باشد .

۱۱- عرق حیوان نجاستخوار

(مسأله ۱۲۸) عرق شتر نجاستخوار نجس است و همچنین عرق هر حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده ، نجس می باشد .

(مسأله ۱۲۹) عرق جنب از حرام پاک است ، اما با آن عرق نمی توان نماز خواند ، خواه آن عرق در جماع بیرون آید و یا بعد از جماع بیرون بیاید ، و خواه از مرد باشد یا از زن و یا از لواط باشد و یا از زنا ، و یا نزدیکی کردن در حال حیض ، و یا نزدیکی کردن با حیوانات و یا با استمناء کردن بیرون بیاید (و استمناء آن است که انسان با خود کاری کند که منی از او بیرون آید) ، اگر جنب از حرام عوض غسل ، تیمم نماید و بعد از تیمم عرق کند ، احتیاط مستحب آن است که از عرق خود اجتناب کند .

(مسأله ۱۳۰) اگر انسان در موقعی که نزدیکی کردن با زن حرام است ، مثلاً در روز ماه رمضان با زن خود نزدیکی کند احتیاط مستحب آن است که از عرق خود اجتناب کند .

(مسأله ۱۳۱) اگر کسی از حرام جنب شود و بعد با حلال خود نزدیکی کند باید از عرق خود در نماز اجتناب کند ، و همچنین اگر اول با حلال خود نزدیکی کند و بعد از حرام جنب شود ، احتیاط واجب آن است که از عرق خود در نماز اجتناب نماید .

راه ثابت شدن نجاست

(مسأله ۱۳۲) نجاست هر چیز از سه راه ثابت می شود :

(اول) آن که خود انسان یقین کند

چیزی نجس است ، و اگر گمان داشته باشد چیزی نجس است ، لازم نیست از آن چیز اجتناب نماید . بنابراین ، غذا خوردن در مهمانخانه ها و قهوه خانه هایی که مردمان لایبالی و کسانی که پاکی و نجسی را مراعات نمی کنند در آنها غذا می خورند ، اگر انسان یقین نداشته باشد غذایی را که برای او آورده اند نجس است اشکال ندارد .

(دوّم) آن که کسی که چیزی در اختیار اوست بگوید آن چیز نجس است مثلاً همسر انسان یا نوکر یا کلفت بگوید ، ظرف یا چیز دیگری که در اختیار اوست نجس می باشد .

(سوّم) آن که دو مرد عادل بگویند چیزی نجس است . و نیز اگر یک نفر عادل هم بگوید چیزی نجس است بنا بر احتیاط واجب باید از آن چیز اجتناب کرد.

(مسأله ۱۳۳) اگر به واسطه ندانستن مسأله نجس بودن و پاک بودن چیزی را نداند، مثلاً نداند عرق جنب از حرام پاک است یا نه ، باید مسأله را بپرسد ولی اگر با این که مسأله را میدانند ، چیزی را شکّ کند پاک است یا نه ، مثلاً شکّ کند آن چیز خون است یا نه ، یا نداند که خون پشه است یا خون انسان ، پاک می باشد.

(مسأله ۱۳۴) چیزی نجسی که انسان شکّ دارد پاک شده یا نه ، نجس است . و چیز پاک را اگر شکّ کند نجس شده یا نه ، پاک است . و اگر هم بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را بفهمد لازم نیست واریسی کند

(مسأله ۱۳۵) اگر بداند یکی از دو ظرف یا دو لباس که از هر دوی آنها استفاده می کند نجس شده و نداند کدام است ، باید از هر دو اجتناب کند ، ولی اگر مثلاً نمی داند لباس خودش نجس شده یا لباسی که هیچ از آن استفاده نمی کند و مال دیگری است ، از لباس خودش لازم نیست اجتناب نماید .

راه نجس شدن چیزهای پاک

(مسأله ۱۳۶) اگر چیز پاک به چیز نجسی برسد و هر دو و یا یکی از آنها به طوری تر باشد که تری یکی به دیگری برسد ، چیز پاک نجس می شود . و اگر تری به قدری کم باشد که به دیگری نرسد ، چیزی که پاک بوده نجس نمی شود .

(مسأله ۱۳۷) اگر چیز پاکی به چیز نجس برسد و انسان شك کند که هر دو یا یکی از آنها تر بوده یا نه ، آن چیز پاک نجس نمی شود .

(مسأله ۱۳۸) دو چیزی که انسان نمی داند کدام پاک و کدام نجس است اگر چیز پاکی با رطوبت به یکی از آنها برسد نجس نمی شود . مگر در صورتی که یقین به نجاست هر دو بوده و بعداً یکی از آنها پاک شده باشد و نمی داند کدام یکی از آنها است در این صورت اگر چیز پاکی به آن برسد نجس می شود .

(مسأله ۱۳۹) زمین و پارچه و مانند اینها اگر رطوبت داشته باشد هر قسمتی که نجاست به آن برسد نجس می شود و جاهای دیگر آن پاک است ؛ و همچنین است

خیار و خریزه و مانند اینها .

(مسأله ۱۴۰) هرگاه شیر و روغن و مانند اینها طوری باشد که اگر مقداری از آن را بردارند جای آن خالی نمی ماند ، همین که یک نقطه از آن نجس شد ، تمام آن نجس می شود ، ولی اگر طوری باشد که جای آن در موقع برداشتن خالی بماند اگر چه بعد بر شود ، فقط جایی که نجاست به آن رسیده نجس می باشد . پس اگر فضله موش در آن بیفتد جایی که فضله افتاده نجس و بقیه پاک است .

(مسأله ۱۴۱) اگر مگس یا حیوانی مانند آن روی چیز نجسی که تر است بنشیند و بعد روی چیز پاکی که آن هم تر است بنشیند ، چنانچه انسان بداند نجاست همراه آن حیوان بوده ، چیز پاک نجس می شود و اگر نداند پاک است .

(مسأله ۱۴۲) اگر جایی از بدن که عرق دارد نجس شود و عرق از آنجا به جای دیگر برود ، هر جا که عرق به آن برسد نجس می شود ، و اگر عرق به جای دیگر نرود جاهای دیگر بدن پاک است .

(مسأله ۱۴۳) اخلاطی که از بینی یا گلو می آید ، اگر خون داشته باشد ، جایی که دارد نجس و بقیه آن پاک است ، پس اگر به بیرون دهان یا بینی برسد ، مقداری را که انسان یقین دارد جای نجس اخلاط به آن رسیده نجس است و محلی را که شک دارد جای نجس به آن رسیده یا نه ، پاک می باشد .

(مسأله ۱۴۴)

(اگر آفتابه ای را که ته آن سوراخ است روی زمین نجس بگذارند چنانچه آب طوری زیر آن جمع گردد که با آب آفتابه یکی حساب شود ، آب آفتابه نجس می شود ؛ بلکه اگر آب بر زمین جاری شود یا فرو رود ، در صورتی که سوراخ آفتابه به زمین نجس متصل باشد ، باز هم بنا بر احتیاط واجب باید از آب آفتابه اجتناب کرد ؛ ولی اگر سوراخ آن به زمین نجس متصل نباشد و آب زیر آفتابه هم با آب داخل آن یکی حساب نشود آب آفتابه نجس نمی شود .

(مسأله ۱۴۵) اگر چیزی داخل بدن شود و به نجاست برسد ، در صورتی که بعد از بیرون آمدن ، آلوده به نجاست نباشد پاک است . پس اگر اسباب اماله یا آب آن در مخرج غائط وارد شود ، یا سوزن و چاقو و مانند اینها در بدن فرو رود و بعد از بیرون آمدن ، به نجاست آلوده نباشد نجس نیست . و همچنین است آب دهان و بینی اگر در داخل به خون برسد و بعد از بیرون آمدن به خون آلوده نباشد . ولی احتیاط مستحبّ این است که در هر دو صورت اجتناب کند .

احکام نجاسات

(مسأله ۱۴۶) نجس کردن خطّ و ورق قرآن حرام است و اگر نجس شود باید فوراً آن را آب بکشند .

(مسأله ۱۴۷) اگر جلد قرآن نجس شود در صورتی که بی احترامی به قرآن باشد ، باید آن را آب بکشند .

(مسأله ۱۴۸) گذاشتن قرآن روی عین نجس مانند خون و

مردار ، اگر چه آن عین نجس خشک باشد ، حرام است و برداشتن قرآن از روی آن واجب می باشد .

(مسأله ۱۴۹) نوشتن قرآن با مرکب نجس اگر چه یک حرف آن باشد حرام است و اگر نوشته شود باید آن را آب بکشند ، یا به واسطه تراشیدن و مانند آن کاری کنند که از بین برود . (مسأله ۱۵۰) دادن قرآن به کافر حرام و گرفتن قرآن از او واجب است .

(مسأله ۱۵۱) اگر ورق قرآن یا چیزی که احترام آن لازم است ، مثل کاغذی که اسم خدا ، یا پیغمبر ، یا امام بر آن نوشته شده ، در مستراح بیفتد بیرون آوردن و آب کشیدن آن اگر چه خرج داشته باشد واجب است . و اگر چنانچه بیرون آوردن آن ممکن نباشد ، باید به آن مستراح نروند تا یقین کنند که آن ورق پوسیده است و نیز اگر تربت در مستراح بیفتد و بیرون آوردن آن ممکن نباشد ، باید تا وقتی که یقین نکرده اند به کلی از بین رفته ، به آن مستراح نروند .

(مسأله ۱۵۲) خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است و همچنین خوراندن آن به دیگری حتی به اطفال ، ولی اگر خود طفل غذای نجس را بخورد یا با دست نجس غذا را نجس کند و بخورد لازم نیست از او جلوگیری کنند .

(مسأله ۱۵۳) فروختن و عاریه دادن چیز نجسی که می شود آن را آب کشید ، اگر نجس بودن آن را به طرف بگویند اشکال ندارد .

(مسأله ۱۵۴)

اگر انسان ببیند کسی چیز نجسی را می خورد یا با لباس نجس نماز می خواند لازم نیست به او بگوید .

(مسأله ۱۵۵) اگر جایی از خانه یا فرش کسی نجس باشد و ببیند بدن یا لباس یا چیز دیگر کسانی که وارد خانه او می شوند با رطوبت به جای نجس رسیده است ، باید به آنان بگوید .

(مسأله ۱۵۶) اگر صاحب خانه در بین غذا خوردن بفهمد غذا نجس است ، باید به مهمان ها بگوید . اما اگر یکی از مهمان ها بفهمد ، لازم نیست به دیگران خبر دهد . ولی چنانچه طوری با آنان معاشرت دارد که ممکن است به واسطه نجس بودن آنان خود او هم نجس شود ، باید بعد از غذا به آنان بگوید .

(مسأله ۱۵۷) اگر چیزی را که عاریه کرده نجس شود ، چنانچه صاحبش آن چیز را در کاری که شرط آن پاکی است استعمال می کند مانند لباس که با آن نماز می خواند ، واجب است نجس شدن آن را به او بگوید . بلکه اگر در کاری هم که شرط آن پاکی است استعمال نمی کند ، بنا بر احتیاط واجب باید نجس شدن آن را به او خبر دهد .

(مسأله ۱۵۸) اگر بچه بگوید چیزی نجس است یا چیزی را آب کشیده نباید حرف او را قبول کرد . ولی بچه ای که تکلیفش نزدیک شده است ، اگر بگوید چیزی را آب کشیدم حرف او قبول می شود ، و اگر بگوید چیزی نجس است احتیاط مستحب آن است که از

آن اجتناب کنند .

مطهرات

(مسأله ۱۵۹) یازده چیز نجاست را پاک می کند و آنها را مطهرات گویند :

(اوّل) آب .

(دوّم) زمین .

(سوّم) آفتاب .

(چهارم) استحاله .

(پنجم) کم شدن دو سوّم آب انگور .

(ششم) انتقال .

(هفتم) اسلام .

(هشتم) تبعیت .

(نهم) بر طرف شدن عین نجاست .

(دهم) استبراء حیوان نجاستخوار .

(یازدهم) غائب شدن مسلمان . و احکام اینها به طور تفصیل در ذیل گفته می شود.

۱- آب

(مسأله ۱۶۰) آب با چهار شرط چیز نجس را پاک می کند :

(اوّل) آن که مطلق باشد ، پس آب مضاف مانند گلاب و عرق بید چیز نجس را پاک نمی کند .

(دوّم) آن که پاک باشد .

(سوّم) آن که وقتی چیز نجس را می شویند ، آب مضاف نشود . و بو ، یا رنگ ، یا مزه نجاست هم نگیرد .

(چهارم) آن که بعد از آب کشیدن چیز نجس عین نجاست در آن نباشد . و پاک شدن چیز نجس با آب قلیل یعنی آب

کمتر از کز شرط های دیگری هم دارد که بعداً گفته می شود .

(مسأله ۱۶۱) ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست . و در کز و جاری یک مرتبه کافی است ، ولی ظرفی را که سگ لیسیده یا از آن ظرف ، آب یا چیز روان دیگر خورده ، باید اول با خاک پاک و مقدار کمی آب پاک خاک مالی کرد و بعد یک مرتبه در کز

یا جاری یا دو مرتبه با آب قلیل شست . و همچنین ظرفی را که آب دهان سگ در آن ریخته بنا بر احتیاط واجب باید پیش از شستن خاک مالی کرد .

(مسأله ۱۶۲) اگر دهانه ظرفی که دهن زده ، تنگ باشد و نشود آن را خاک مالی کرد ، اگر ممکن باشد باید مقداری کهنه به چوبی بیچند و به توسط آن ، خاک را به آن ظرف بمالند ، و اگر ممکن نیست باید خاک را در آن بریزند و آن را به شدت حرکت دهند تا به همه آن ظرف برسد .

(مسأله ۱۶۳) ظرفی را که خوک بلیسد یا از آن چیز روانی بخورد ، آن را با آب قلیل باید هفت مرتبه شست و در کز و جاری یک مرتبه کافی است ، و لازم نیست آن را خاک مالی کنند ، اگر چه احتیاط مستحب آن است که قبل از شستن خاک مالی شود .

(مسأله ۱۶۴) ظرفی را که به شراب نجس شده اگر بخواهند آن را با آب قلیل آب بکشند ، باید سه مرتبه بشویند ولی مستحب است هفت مرتبه بشویند ، و اگر بخواهند با آب کز و جاری بشویند باید سه مرتبه بشویند .

(مسأله ۱۶۵) کوزه ای که از گِل نجس ساخته شده و یا آب نجس در آن فرو رفته ، اگر در آب کز یا جاری بگذارند ، به هر جای آن که آب برسد پاک می شود . و اگر بخواهند باطن آن هم پاک شود ، باید به قدری در آب کز یا جاری

بماند که آب به تمام آن فرو رود .

(مسأله ۱۶۶) ظرف نجس را با آب قلیل دو جور می شود آب کشید : (یکی) آن که سه مرتبه با آب پر کنند و خالی کنند ، (دیگر) آن که سه دفعه قدری آب در آن بریزند و در هر دفعه آن را طوری در آن بگردانند که آب به جاهای نجس آن برسد و بیرون بریزند .

(مسأله ۱۶۷) اگر ظرف بزرگی مثل پاتیل و حُمره نجس شود ، چنانچه سه مرتبه آن را از آب پر کنند و خالی کنند پاک می شود . و همچنین است اگر سه مرتبه از بالا در آن آب بریزند ، به طوری که تمام اطراف آن را بگیرد و در هر دفعه آبی که ته آن جمع می شود بیرون آورند . و احتیاط واجب آن است که در هر دفعه ظرفی را که با آن آبها را بیرون می آورند آب بکشند .

(مسأله ۱۶۸) اگر مس نجس و مانند آن را آب کنند و آب بکشند ، ظاهرش پاک می شود .

(مسأله ۱۶۹) تنوری که به بول نجس شده است ، اگر دو مرتبه از بالا- آب در آن بریزند ، به طوری که تمام اطراف آن را بگیرد پاک می شود . و در غیر بول اگر بعد از برطرف شدن نجاست یک مرتبه به دستوری که گفته شد آب در آن بریزند کافی است و بهتر است که گودالی ته آن بکنند تا آبها در آن جمع شود و بیرون بیاورند ، بعد آن گودال

را با خاک پاک پر کنند .

(مسأله ۱۷۰) اگر چیز نجس را بعد از برطرف کردن عین نجاست یک مرتبه در آب کزّ یا جاری فرو برند که آب به تمام جاهای نجس آن برسد ، پاک می شود . و در فرش و لباس و مانند اینها فشار لازم نیست .

(مسأله ۱۷۱) اگر بخواهند چیزی را که به بول نجس شده با آب قلیل آب بکشند ، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود ، در صورتی که بول در آن چیز نمانده باشد ، یک مرتبه دیگر که آب روی آن بریزند پاک می شود ، ولی در لباس و فرش و مانند اینها باید بعد از هر دفعه فشار دهند تا غساله آن بیرون آید . (و غساله آبی است که معمولاً در وقت شستن و بعد از آن از چیزی که شسته می شود ، خود به خود یا به وسیله فشار می ریزد)

(مسأله ۱۷۲) اگر چیزی به بول پسر شیر خواری که غذا خور نشده و شیر خوک و شیر زن کافره نخورده نجس شود ، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند که به تمام جاهای نجس آن برسد پاک می شود ، ولی احتیاط مستحبّ آن است که یک مرتبه دیگر هم آب روی آن بریزند . و در لباس و فرش و مانند اینها فشار لازم نیست .

(مسأله ۱۷۳) اگر چیزی به غیر بول نجس شود چنانچه بعد از برطرف کردن نجاست یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا

شود پاک می گردد . و نیز اگر در دفعه اولی که آب روی آن می ریزند نجاست آن برطرف شود و بعد از برطرف شدن نجاست هم آب روی آن بیاید پاک می شود . ولی در هر صورت لباس و مانند آن را باید فشار دهند تا غسله آن بیرون آید .

(مسأله ۱۷۴) اگر حصیر نجسی را که با نخ بافته شده در آب کزّ یا جاری فرو برند ، بعد از برطرف شدن عین نجاست پاک می شود . ولی اگر بخواهند آن را با آب قلیل آب بکشند ، بنا بر احتیاط واجب باید به هر قسم که ممکن است اگر چه به لگد کردن باشد دو دفعه فشار دهند ، که در هر دفعه غسله آن جدا شود .

(مسأله ۱۷۵) اگر ظاهر گندم و برنج و صابون و مانند اینها نجس شود ، به فرو بردن در کزّ و جاری پاک می شود . و اگر باطن آنها نجس شود پاک شدن باطن آنها محلّ اشکال است .

(مسأله ۱۷۶) اگر انسان شکّ کند که آب نجس به باطن صابون رسیده یا نه ، باطن آن پاک است .

(مسأله ۱۷۷) اگر ظاهر برنج و گوشت یا چیزی مانند اینها نجس شده باشد ، چنانچه آن را در ظرفی بگذارند و سه مرتبه آب روی آن بریزند و خالی کنند پاک می شود و ظرف آن هم پاک می گردد . ولی اگر بخواهند لباس یا چیزی را که فشار لازم دارد در ظرفی بگذارند و آب بکشند ، باید در هر مرتبه

که آب روی آن می ریزند آن را فشار دهند و ظرف را کج کنند ، تا غساله ای که در آن جمع شده بیرون بریزد .

(مسأله ۱۷۸) لباس نجسی را که به نیل و مانند آن رنگ شده اگر در آب کزّ و یا جاری فرو برند و آب پیش از آن که به واسطه رنگ پارچه مضاف شود به تمام آن برسد آن لباس پاک می شود اگر چه موقع فشار دادن ، آب مضاف یا رنگین از آن بیرون آید .

(مسأله ۱۷۹) اگر لباسی را در کزّ یا جاری آب بکشند ، و بعد مثلاً لجن آب در آن بینند ، چنانچه احتمال ندهند که جلوگیری از رسیدن آب کرده آن لباس پاک است .

(مسأله ۱۸۰) اگر بعد از آب کشیدن لباس و مانند آن خورده گل یا اشنان در آن دیده شود پاک است . ولی اگر آب نجس به باطن گل یا اشنان رسیده باشد ظاهر گل و اشنان پاک و باطن آنها نجس است .

(مسأله ۱۸۱) هر چیز نجس ، تا عین نجاست را از آن برطرف نکنند پاک نمی شود . ولی اگر بو ، یا رنگ نجاست در آن مانده باشد اشکال ندارد . پس اگر خون را از لباس برطرف کنند و لباس را آب بکشند و رنگ خون در آن بماند پاک می باشد ، اما چنانچه به واسطه بو ، یا رنگ یقین کنند یا احتمال دهند که ذره های نجاست در آن چیز مانده نجس است .

(مسأله ۱۸۲) اگر نجاست بدن را در آب

کز یا جاری برطرف کنند بدن پاک می شود . و بیرون آمدن و دوباره در آب فرو رفتن لازم نیست .

(مسأله ۱۸۳) غذای نجسی که لای دندان ها مانده اگر آب در دهان بگردانند و به تمام غذاهای نجس برسد پاک می شود .

(مسأله ۱۸۴) اگر موی سر و صورت را با آب قلیل آب بکشند ، باید فشار دهند که غسل آن جدا شود .

(مسأله ۱۸۵) اگر جایی از بدن یا لباس را با آب قلیل آب بکشند ، اطراف آن جا که متصل به آن است و معمولاً موقع آب کشیدن آن جا نجس می شود ، با پاک شدن جای نجس پاک می شود . و همچنین است اگر چیز پاکی را پهلوی چیز نجس بگذارند و روی هر دو آب بریزند . پس اگر بر آب کشیدن یک انگشت نجس روی همه انگشت ها آب بریزند و آب نجس به همه آنها برسد ، بعد از پاک شدن انگشت نجس تمام انگشت ها پاک می شود .

(مسأله ۱۸۶) گوشت و دنبه ای که نجس شده ، مثل چیزهای دیگر آب کشیده می شود . و همچنین است اگر بدن یا لباس ، چربی کمی داشته باشد که از رسیدن آب به آنها جلوگیری نکند .

(مسأله ۱۸۷) اگر ظرف یا بدن نجس باشد ، و بعد به طوری چرب شود که جلوگیری از رسیدن آب به آنها کند ، چنانچه بخواهند ظرف و بدن را آب بکشند ، باید چربی را برطرف کنند تا آب به آنها برسد .

(مسأله ۱۸۸) چیز

نجسی که عین نجاست در آن نیست ، اگر زیر شیری که متصل به کتر است یک دفعه بشویند پاک می شود . و نیز اگر عین نجاست در آن باشد ، چنانچه عین نجاست آن زیر شیر یا به وسیله دیگر برطرف شود و آبی که از آن چیز می ریزد بو ، یا رنگ ، یا مزه نجاست نگرفته باشد ، با آب شیر پاک می گردد . اما اگر آبی که از آن می ریزد ، بو یا رنگ ، یا مزه نجاست گرفته باشد باید به قدری آب شیر روی آن بریزند تا در آبی که از آن جدا می شود بو ، یا رنگ یا مزه نجاست نباشد .

(مسأله ۱۸۹) اگر چیزی را آب بکشند و یقین کنند پاک شده و بعد شک کنند که عین نجاست را از آن برطرف کرده اند یا نه ، چنانچه موقع آب کشیدن متوجه برطرف کردن عین نجاست بوده باشند ، آن چیز پاک است و اگر متوجه برطرف کردن عین نجاست نبودند باید دوباره آن را آب بکشند .

(مسأله ۱۹۰) آب شیری که متصل به کتر است حکم کتر را دارد .

(مسأله ۱۹۱) زمینی که آب روی آن جاری نمی شود ، اگر نجس شود با آب قلیل پاک نمی گردد ، ولی زمینی که روی آن شن یا ریگ باشد چون آبی که روی آن می ریزند از آن جدا شده و در شن و ریگ فرو می رود ، با آب قلیل پاک می شود ، اما زیر ریگ ها نجس می ماند .

)

مسأله ۱۹۲) زمین سنگ فرش و آجر فرش و زمین سختی که آب در آن فرو نمی رود ، اگر نجس شود با آب قلیل پاک می گردد ، ولی باید به قدری آب روی آن بریزند که جاری شود . و چنانچه آبی که روی آن ریخته اند از سوراخی بیرون رود همه زمین ، پاک می شود و اگر بیرون نرود جایی که آبها جمع می شود نجس می ماند . و برای پاک شدن آن جا باید گودالی بکنند ، که آب در آن جمع شود ، بعد آب را بیرون بیاورند و گودال را با خاک پاک پر کنند .

(مسأله ۱۹۳) اگر ظاهر نمک سنگ و مانند آن نجس شود ، با آب کمتر از کوزه هم پاک می شود (به شرطی که به محض برخورد با آن مضاف نشود)

(مسأله ۱۹۴) اگر شکر آب شده نجس را قند بسازند و در آب کوزه یا جاری بگذارند پاک نمی شود .

۲- زمین

(مسأله ۱۹۵) زمین با سه شرط کف پا و ته کفش نجس را پاک می کند:

(اول) آن که زمین پاک باشد .

(دوم) آن که خشک باشد .

(سوم) آن که اگر عین نجس مثل خون و بول ، یا متنجس مثل گلی که نجس شده در کف پا و ته کفش باشد ، به واسطه راه رفتن یا مالیدن پا به زمین بر طرف شود . و نیز زمین باید خاک یا سنگ یا آجر فرش و مانند اینها باشد و با راه رفتن روی فرش و حصیر و سبزه

، کف پا و ته کفش نجس پاک نمی شود .

(مسأله ۱۹۶) پاک شدن کف پا و ته کفش نجس به واسطه راه رفتن روی آسفالت و روی زمینی که با چوب فرش شده محلّ اشکال است .

(مسأله ۱۹۷) برای پاک شدن کف پا و ته کفش بهتر است پانزده قدم یا بیش تر راه بروند ، اگر چه به کمتر از پانزده قدم یا مالیدن پا به زمین ، نجاست برطرف شود .

(مسأله ۱۹۸) لازم نیست کف پا و ته کفش نجس ، تر باشد بلکه اگر خشک هم باشد به راه رفتن پاک می شود .

(مسأله ۱۹۹) بعد از آن که کف پا یا ته کفش نجس به راه رفتن پاک شد مقداری از اطراف آن هم که معمولاً به گل آلوده می شود پاک می گردد .

(مسأله ۲۰۰) کسی که با دست و زانو راه می رود ، اگر کف دست یا زانوی او نجس شود ، پاک شدن آن با راه رفتن محلّ اشکال است ، و همچنین است ته عصا و ته پای مصنوعی و نعل چهار پایان و چرخ اتومبیل و درشکه و مانند اینها .

(مسأله ۲۰۱) اگر بعد از راه رفتن بو یا رنگ ، یا ذره های کوچکی از نجاست که دیده نمی شود و معمولاً بدون آب زایل نمی شود ، در کف پا یا ته کفش بماند اشکال ندارد ، اگر چه احتیاط آن است که به قدری راه روند که آنها هم برطرف شوند .

(مسأله ۲۰۲) توی کفش به واسطه

راه رفتن پاک نمی شود و پاک شدن کف جوراب به واسطه راه رفتن محلّ اشکال است .

۳- آفتاب

(مسأله ۲۰۳) آفتاب زمین و ساختمان و چیزهایی که مانند درب و پنجره در ساختمان به کار برده شده ، و همچنین میخی را که به دیوار کوبیده اند با پنج شرط پاک می کند :

(اوّل) آن که چیز نجس به طوری تر باشد ، که اگر چیز دیگری به آن برسد تر شود ، پس اگر خشک باشد باید به وسیله ای آن را تر کنند تا آفتاب خشک کند .

(دوّم) آن که اگر عین نجاست در آن چیز باشد پیش از تابیدن آفتاب آن را برطرف کنند .

(سوّم) آن که چیزی از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند ، پس اگر آفتاب از پشت پرده یا ابر و مانند اینها بتابد و چیز نجس را خشک کند ، آن چیز پاک نمی شود ولی اگر ابری به قدری نازک باشد که از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند ، اشکال ندارد .

(چهارم) آن که آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشک کند ، پس اگر مثلاً چیز نجس به واسطه باد و آفتاب خشک شود ، پاک نمی گردد ، ولی اگر باد به قدری کم باشد که نگویند به خشک شدن چیز نجس کمک کرده اشکال ندارد .

(پنجم) آن که آفتاب مقداری از بنا و ساختمان را که نجاست به آن فرو رفته ، یک مرتبه خشک کند ، پس اگر یک مرتبه به زمین و ساختمان نجس بتابد و روی آن را خشک کند و

دفعه دیگر زیر آن را خشک نماید ، فقط روی آن پاک می شود و زیر آن نجس می ماند .

(مسأله ۲۰۴) آفتاب حصیر نجس را بنا بر احتیاط واجب پاک نمی کند ، اما درخت و میوه و گیاه مادامی که درخت و گیاه متصل به زمین است و میوه از درخت قطع نشده ، به واسطه آفتاب پاک می شود .

(مسأله ۲۰۵) اگر آفتاب به زمین نجس بتابد ، بعد انسان شک کند که زمین موقع تابیدن آفتاب تر بوده یا نه ، یا تری آن به واسطه آفتاب خشک شده یا نه آن زمین نجس است و همچنین است اگر شک کند که پیش از تابش آفتاب عین نجاست از آن برطرف شده یا نه یا شک کند که چیزی مانع تابش آفتاب بوده یا نه .

(مسأله ۲۰۶) اگر آفتاب به یک طرف دیوار نجس بتابد ، طرفی که آفتاب به آن نتابیده پاک نمی شود .

۴- استحاله

(مسأله ۲۰۷) اگر جنس چیز نجس به طوری عوض شود که به صورت چیز پاکی در آید پاک می شود ، و می گویند استحاله شده است . مثل آن که چوب نجس بسوزد و خاکستر گردد ، یا سنگ در نمکزار فرو رود و نمک شود و یا بول و آب متنجس تبدیل به بخار گردد و یا نطفه تبدیل به حیوان گردد و یا غذای نجس جزئی از حیوان گردد ، ولی اگر جنس آن عوض نشود مثل آن که گندم نجس را آرد کنند یا نان بپزند پاک نمی شود .

(مسأله ۲۰۸)

کوزه گلی و مانند آن که از گِل نجس ساخته شده نجس است . و بنا بر احتیاط واجب باید از ذغالی که از چوب نجس درست شده اجتناب نمایند .

(مسأله ۲۰۹) چیز نجسی که معلوم نیست استحاله شده یا نه نجس است .

(مسأله ۲۱۰) اگر شراب به خودی خود یا به واسطه آن که چیزی مثل سرکه و نمک در آن ریخته اند سرکه شود ، پاک می گردد .

(مسأله ۲۱۱) شرابی که از انگور نجس و مانند آن درست کنند ، یا نجاست دیگری به آن برسد ، به سرکه شدن پاک نمی شود .

(مسأله ۲۱۲) سرکه ای که از انگور و کشمش و خرما ی نجس درست کنند نجس است .

(مسأله ۲۱۳) اگر پوشال ریز انگور یا خرما داخل آنها باشد و سرکه بریزند ضرر ندارد . ولی احتیاط مستحب آن است که تا خرما و کشمش و انگور سرکه نشده ، خیار و بادنجان و مانند اینها در آن نریزند .

۵- کم شدن دو سوم آب انگور

(مسأله ۲۱۴) آب انگوری که به آتش یا خود به خود جوش آمده تا مست کننده نباشد پاک است ولی خوردن آن حرام است و باید آن قدر بجوشد که ثلثان شود یعنی دو قسمت آن کم شود و یک قسمت آن بماند در این صورت خوردن آن حلال است .

(مسأله ۲۱۵) اگر دو قسمت آب انگور بدون جوش آمدن کم شود ، چنانچه باقی مانده آن جوش بیاید پاک و خوردن آن حلال است .

(مسأله ۲۱۶) آب انگوری که معلوم نیست جوش آمده یا

نه حلال است ولی اگر جوش بیاید تا انسان یقین نکند که دو قسمت آن کم شده حلال نمی شود.

(مسأله ۲۱۷) اگر مثلاً در یک خوشه غوره یک دانه یا دو دانه انگور باشد چنانچه به آبی که از آن خوشه گرفته می شود ، آب غوره بگویند و اثری از شیرینی انگور در آن نباشد و بجوشد پاک و خوردن آن حلال است .

(مسأله ۲۱۸) اگر یک دانه انگور در چیزی که به آتش می جوشد بیفتد و بجوشد ، احتیاط واجب آن است که از آن اجتناب کنند و خوردن آن هم حرام است .

(مسأله ۲۱۹) اگر بخواهند در چند دیگ شیر بپزند ، باید کف گیری را که در دیگ جوش آمده زده اند در دیگی که جوش نیامده نزنند و اگر همه جوش آمده باشد ، باید کف گیر دیگی را که تُلثان نشده ، در دیگی که تُلثان شده نزنند .

(مسأله ۲۲۰) چیزی که معلوم نیست غوره است یا انگور ، اگر جوش بیاید نجس نمی شود . و خوردن آن حلال است

۶- انتقال

(مسأله ۲۲۱) اگر خون بدن انسان یا خون حیوانی که خون جهنده دارد ، یعنی حیوانی که وقتی رگ آن را ببرند خون از آن جستن می کند ، به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد برود و خون آن حیوان حساب شود پاک می گردد و این را انتقال گویند . پس خونی که زالو از انسان می مکد چون خون زالو به آن گفته نمی شود و می گویند خون انسان است نجس می باشد

(مسأله ۲۲۲) اگر کسی پشه ای را که به بدنش نشسته بکشد و نداند خونی که از پشه بیرون آمده از او مکیده یا از خود پشه می باشد ، پاک است و همچنین است اگر بداند از او خون مکیده ولی جزء بدن پشه حساب شود ، اما اگر فاصله بین مکیدن خون و کشتن پشه به قدری کم باشد که بگویند خون انسان است یا معلوم نباشد که می گویند خون پشه است یا خون انسان ، نجس می باشد .

۷- اسلام

(مسأله ۲۲۳) اگر کافر شهادتین بگوید یعنی بگوید : (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ) مسلمان می شود . و بعد از مسلمان شدن ، بدن و آب دهان و بینی و عرق او پاک است . ولی اگر موقع مسلمان شدن عین نجاست به بدن او بوده ، باید بر طرف کند و جای آن را آب بکشد . بلکه اگر پیش از مسلمان شدن عین نجاست بر طرف شده باشد ، احتیاط واجب آن است که جای آن را آب بکشد .

(مسأله ۲۲۴) اگر موقعی که کافر بوده لباس او با رطوبت به بدنش رسیده باشد و آن لباس در موقع مسلمان شدن در بدن او نباشد نجس است ، بلکه اگر در بدن او هم باشد بنا بر احتیاط واجب باید از آن اجتناب کند .

(مسأله ۲۲۵) اگر کافر شهادتین بگوید ، و انسان نداند قلباً مسلمان شده یا نه پاک است ولی اگر بداند قلباً مسلمان نشده نجس است .

۸- تبعیت

(مسأله ۲۲۶) تبعیت آن است که چیز نجسی به واسطه پاک شدن چیز نجس دیگر پاک شود .

(مسأله ۲۲۷) اگر شراب سرکه شود ، ظرف آن هم تا جایی که شراب موقع جوش آمدن به آن جا رسیده پاک می شود . و کهنه و چیزی هم که معمولاً روی آن می گذارند اگر به آن رطوبت نجس شود پاک می گردد . ولی اگر پشت ظرف به آن شراب آلوده شود ، احتیاط واجب آن است که بعد از سرکه شدن شراب از آن

اجتناب کنند .

(مسأله ۲۲۸) آب انگور اگر به آتش جوش بیاید و پیش از آن که دو قسمت از سه قسمت آن کم شود به جایی بریزد بنا بر احتیاط مستحبّ باید آن جا را آب بکشند .

(مسأله ۲۲۹) تخته و سنگی که روی آن ، میت را غسل می دهند و پارچه ای که با آن عورت میت را می پوشانند و دست کسی که او را غسل می دهد ، بعد از تمام شدن غسل ، پاک می شود .

(مسأله ۲۳۰) در دو مورد بچه کافر به تبعیت پاک می شود :

۱- کافری که مسلمان شود بچه او در پاکی تابع اوست ، و همچنین اگر جدّ طفل یا مادر یا جدّه او مسلمان شوند .

۲- بچه کافری که به دست مسلمانی اسیر گردد ، و پدر یا یکی از اجداد او همراه نباشد . در این دو مورد پاکی طفل به تابعیت مشروط به این است که در صورت ممیز بودن ، اظهار کفر ننماید .

(مسأله ۲۳۱) کسی که چیزی را آب می کشد ، بعد از پاک شدن آن چیز دست او هم با آن چیز شسته شده پاک می شود .

(مسأله ۲۳۲) اگر لباس و مانند آن را با آب قلیل آب بکشند و به اندازه معمول فشار دهند تا آبی که روی آن ریخته اند جدا شود ، آبی که در آن می ماند پاک است .

۹- برطرف شدن عین نجاست

(مسأله ۲۳۳) اگر بدن حیوان به عین نجس مثل خون ، یا متنجس مثل آب نجس آلوده شود ، چنانچه

آنها بر طرف شود بدن آن حیوان پاک می شود . و همچنین است باطن بدن انسان مثل توی دهان و بینی . مثلاً اگر خونی از لای دندان بیرون آید و در آب دهان از بین برود . آب کشیدن توی دهان لازم نیست . ولی اگر دندان عاریه در دهان نجس شود ، باید آن را آب بکشند .

(مسأله ۲۳۴) اگر غذا لای دندان مانده باشد و داخل دهان خون بیاید ، چنانچه انسان نداند که خون به غذا رسیده آن غذا پاک است . و اگر خون به آن برسد نجس می شود .

(مسأله ۲۳۵) مقداری از لبها و پلک چشم که موقع بستن ، روی هم می آید و نیز جایی را که انسان نمی داند از ظاهر بدن است یا باطن آن ، اگر نجس شود بنا بر احتیاط واجب باید آب بکشد .

(مسأله ۲۳۶) اگر گرد و خاک نجس به لباس و فرش و مانند اینها بنشیند چنانچه هر دو خشک باشد و طوری آنها را تکان دهند که گرد و خاک نجس از آنها بریزد پاک می شود .

۱۰- استبراء حیوان نجاستخوار

(مسأله ۲۳۷) بول و غائط حیوانی که به خوردن نجاست عادت کرده نجس است و اگر بخواهند پاک شود ، باید آن را استبراء کنند ؛ یعنی تا مدتی که بعد از آن مدّت دیگر نجاستخوار به او نگویند ، نگذارند نجاست بخورد و غذای پاک به آن بدهند و بنا بر احتیاط واجب باید شتر نجاستخوار را چهل روز و گاو را سی روز و گوسفند را ده روز و

مرغابی را هفت یا پنج روز و مرغ خانگی را سه روز، از خوردن نجاست جلوگیری کنند و غذای پاک به آنها بدهند و اگر بعد از این مدت باز هم نجاستخوار به آنها گفته شود باید تا مدتی که بعد از آن مدت دیگر نجاستخوار به آنها نگویند آنها را از خوردن نجاست جلوگیری نمایند .

۱۱- غایب شدن مسلمان

(مسأله ۲۳۸) اگر بدن یا لباس مسلمان یا چیز دیگری که مانند ظرف و فرش در اختیار اوست نجس شود و آن مسلمان غایب گردد ، با شش شرط پاک است :

(اول) آن که مسلمان چیزی که بدن یا لباسش را نجس کرده نجس بداند پس اگر مثلاً لباسش به عرق جنب از حرام آلوده شود و آن را نجس نداند ، بعد از غایب شدن او نمی شود آن لباس را پاک دانست .

(دوم) آن که بداند بدن یا لباسش به چیز نجس رسیده است .

(سوم) آن که انسان ببیند آن چیز را در کاری که شرط آن پاکی است استعمال می کند ، مثلاً ببیند با آن لباس نماز می خواند .

(چهارم) آن که مسلمان بداند شرط کاری را که با آن چیز انجام می دهد پاکی است ؛ پس اگر مثلاً نداند که باید لباس نمازگزار پاک باشد ، و با لباسی که نجس شده نماز بخواند نمی شود آن لباس را پاک دانست .

(پنجم) آن که انسان احتمال دهد آن مسلمان چیزی را که نجس شده آب کشیده است ، پس اگر یقین داشته باشد که آب نکشیده ، نباید آن چیز

را پاک بداند؛ و نیز اگر نجس و پاک در نظر آن مسلمان فرق نداشته باشد، پاک دانستن آن چیز محلّ اشکال است.

(ششم) آن که بنا بر احتیاط واجب آن مسلمان بالغ باشد.

(مسأله ۲۳۹) اگر خود انسان یقین کند که چیزی که نجس بوده پاک شده است، یا دو عادل به پاک شدن آن خبر دهند، آن چیز پاک است و همچنین است اگر کسی که چیز نجس در اختیار اوست بگوید آن چیز پاک شده، یا مسلمانی چیز نجس را آب کشیده باشد، اگر چه معلوم نباشد درست آب کشیده یا نه.

(مسأله ۲۴۰) کسی که وکیل شده است لباس انسان را آب بکشد اگر بگوید آب کشیدم آن لباس پاک است.

(مسأله ۲۴۱) اگر انسان حالی دارد که در آب کشیدن چیز نجس یقین پیدا نمی کند باید به همان ترتیبی که افراد عادی عمل می کنند رفتار نماید.

احکام ظرفها

(مسأله ۲۴۲) ظرفهایی که از پوست سگ یا خوک یا مردار ساخته شده خوردن و آشامیدن از آن ظرفها حرام است. و نباید آن ظرفها را در وضو و غسل و کارهایی که باید با چیز پاک انجام داد، استعمال کنند. بلکه احتیاط واجب آن است که چرم سگ و خوک و مردار را، اگر چه ظرف هم نباشد، استعمال نکنند.

(مسأله ۲۴۳) خوردن و آشامیدن از ظرف طلا- و نقره و استعمال آنها حرام است؛ ولی زینت نمودن اطاق و یا نگاه داشتن آنها حرام نمی

باشد، اگر چه احتیاط در ترک آن است .

(مسأله ۲۴۴) ساختن ظرف طلا و نقره و مزدی که برای آن می گیرند حرام است .

(مسأله ۲۴۵) خرید و فروش ظرف طلا و نقره و پول و عوضی هم که فروشنده می گیرد حرام است .

(مسأله ۲۴۶) گیره استکان که از طلا یا نقره می سازند اگر بعد از برداشتن استکان ، ظرف به آن گفته شود حکم استکان طلا- و نقره را دارد . استعمال آن چه به تنهایی و چه با استکان حرام است و اگر ظرف به آن گفته نشود ، استعمال آن مانعی ندارد .

(مسأله ۲۴۷) استعمال ظرفی که روی آن آب طلا یا آب نقره داده اند اشکال ندارد .

(مسأله ۲۴۸) اگر فلزی را با طلا یا نقره مخلوط کنند و ظرف بسازند ، چنانچه مقدار آن فلز به قدری زیاد باشد که ظرف طلا یا نقره به آن نگویند استعمال آن مانعی ندارد .

(مسأله ۲۴۹) اگر انسان غذایی را که در ظرف طلا یا نقره است به قصد این که چون غذا خوردن در ظرف طلا و نقره حرام می باشد در ظرف دیگر بریزد اشکال ندارد ، و اگر به این قصد نباشد ریختن غذا از ظرف طلا یا نقره در ظرف دیگر حرام است . ولی در هر دو صورت خوردن غذا از ظرف دوّم مانعی ندارد .

(مسأله ۲۵۰) استعمال بادگیر قلیان و غلاف شمشیر و کارد و قاب قرآن ، اگر از طلا یا نقره باشد اشکال ندارد . ولی احتیاط واجب

آن است که عطردان و سرمه دان و تریاک دان طلا و نقره را استعمال نکنند .

(مسأله ۲۵۱) استعمال ظرف طلا و نقره در حال ناچاری اشکال ندارد ؛ ولی برای وضو و غسل در حال ناچاری هم نمی شود ظرف طلا و نقره را استعمال کرد .

(مسأله ۲۵۲) استعمال ظرفی که معلوم نیست از طلا یا نقره است یا از چیز دیگر اشکال ندارد .

وضو

رای کاربران: / ۰

ضعیف‌عالی (مسأله ۲۵۳) در وضو واجب است صورت و دست ها را بشویند و جلوی سر و روی پاها را مسح کنند .

(مسأله ۲۵۴) درازای صورت را باید از بالای پیشانی ، جایی که موی سر بیرون می آید تا آخر چانه شست ، و پهنای آن به مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می گیرد باید شسته شود ، و اگر مختصری از این مقدار را نشوید وضو باطل است . و برای آن که یقین کند این مقدار کاملاً شسته شده باید کمی اطراف آن را هم بشوید .

(مسأله ۲۵۵) اگر صورت یا دست کسی کوچکتر یا بزرگتر از معمول مردم باشد باید ملاحظه کند که مردمان معمولی تا کجای صورت خود را می شویند ، او هم تا همان جا را بشوید . و نیز اگر در پیشانی او مو روئیده یا جلوی سرش مو ندارد باید به اندازه معمول پیشانی را بشوید .

(مسأله ۲۵۶) اگر احتمال دهد چرک یا چیز دیگری در ابروها و گوشه های چشم و لب او هست که نمی گذارد آب به آنها برسد ،

چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد ، باید پیش از وضو و ارسای کند که اگر هست برطرف نماید .

(مسأله ۲۵۷) اگر پوست صورت از بالای مو پیدا باشد باید آب را به پوست برساند و اگر پیدا نباشد شستن مو کافی است و رساندن آب به زیر آن لازم نیست .

(مسأله ۲۵۸) اگر شكّ کند که پوست صورت از لای مو پیدا است یا نه بنا بر احتیاط واجب باید مو را بشوید و آب را به پوست هم برساند .

(مسأله ۲۵۹) شستن توی بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده نمی شود واجب نیست ، ولی برای آن که یقین کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده ، واجب است مقداری از آنها را هم بشوید . و کسی که نمی دانسته باید این مقدار را بشوید ، اگر نداند در وضوهایی که گرفته این مقدار را شسته یا نه نمازهایی که خوانده صحیح است .

(مسأله ۲۶۰) باید صورت و دست ها را از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است .

(مسأله ۲۶۱) اگر دست را تر کند و به صورت و دست ها بکشد ، چنانچه تری دست به قدری باشد که به واسطه کشیدن دست آب کمی بر آنها جاری شود کافی است .

(مسأله ۲۶۲) بعد از شستن صورت باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشت ها بشوید .

(مسأله ۲۶۳) برای آن

که یقین کند آرنج را کاملاً شسته باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید .

(مسأله ۲۶۴) کسی که پیش از شستن صورت و دست های خود را تا میچ شسته ، در موقع وضو باید تا سر انگشتان را بشوید ، و اگر فقط تا میچ را بشوید وضوی او باطل است .

(مسأله ۲۶۵) در وضو شستن صورت و دست ها مرتبه اول واجب و مرتبه دوم مستحب و مرتبه سوم و بیش تر از آن حرام می باشد . و این که کدام شستن ، اول یا دوم یا سوم است مربوط به قصد کسی است که وضو می گیرد ، پس اگر به قصد شستن مرتبه اول مثلاً ده مرتبه آب به صورت بریزد اشکال ندارد و همه آنها شستن اول حساب می شود ، و اگر به قصد این که سه مرتبه بشوید سه مرتبه آب بریزد مرتبه سوم آن حرام است .

(مسأله ۲۶۶) بعد از شستن هر دو دست باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند . و احتیاط واجب آن است که با دست راست از بالا به پایین مسح نماید .

(مسأله ۲۶۷) یک قسمت از چهار قسمت سر ، که مقابل پیشانی است جای مسح می باشد . و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند کافی است ، اگر چه احتیاط مستحب آن است که از درازا به اندازه درازای یک انگشت و از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت بسته مسح نماید .

(مسأله ۲۶۸) لازم نیست مسح

سر بر پوست آن باشد بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است . ولی کسی که موی جلوی سر او به اندازه ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می ریزد ، یا به جاهای دیگر سر می رسد ، باید بیخ موها را مسح کند ، یا فرق سر را باز کرده پوست سر را مسح نماید . و اگر موهایی را که به صورت می ریزد یا به جاهای دیگر سر جلوی سر جمع کند و بر آنها مسح نماید ، یا بر موهای جاهای دیگر سر ، که جلوی آن آمده مسح کند باطل است .

(مسأله ۲۶۹) بعد از مسح سر باید با تری آب وضو که در دست مانده روی پاها را از سر یکی از انگشت ها تا بر آمدگی روی پا مسح کند و احتیاط واجب آن است که تا مفصل را هم مسح نماید .

(مسأله ۲۷۰) احتیاط واجب آن است که پای راست را با دست راست اول مسح نماید بعداً پای چپ را با دست چپ مسح نماید .

(مسأله ۲۷۱) پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است ؛ ولی بهتر آن است به اندازه پهنای سه انگشت بسته مسح نماید ، و بهتر از آن تمام روی پاست .

(مسأله ۲۷۲) احتیاط واجب آن است که در مسح پا دست را بر سر انگشت ها بگذارد و بعد به پشت پا بکشد ، نه آن که تمام دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد .

(مسأله ۲۷۳) در مسح سر و روی پا باید

دست را روی آنها بکشد و اگر دست را نگهدارد و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است . ولی اگر موقعی که دست را می کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد .

(مسأله ۲۷۴) جای مسح باید خشک باشد و اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند مسح باطل است ولی اگر تری آن به قدری کم باشد که رطوبتی که بعد از مسح در آن دیده می شود بگویند فقط از تری کف دست است اشکال ندارد .

(مسأله ۲۷۵) اگر برای مسح رطوبتی در کف دست نمانده باشد نمی تواند دست را با آب خارج تر کند ، بلکه باید از اعضاء دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید .

(مسأله ۲۷۶) اگر رطوبت کف دست فقط به اندازه مسح سر باشد سر را با همان رطوبت مسح کند ، و برای مسح پاها از اعضاء دیگر وضو رطوبت بگیرد .

(مسأله ۲۷۷) مسح کردن از روی جوراب و کفش باطل است ولی اگر به واسطه سرمای شدید یا ترس از دزد و درنده و مانند اینها نتواند کفش یا جوراب را بیرون آورد ، مسح کردن بر آنها اشکال ندارد . و اگر روی کفش نجس باشد باید چیز پاکی بر آن بیندازد و بر آن چیز مسح کند . و احتیاط واجب آن است که تیمم هم بنماید .

(مسأله ۲۷۸) و اگر روی پا نجس باشد و نتواند برای مسح آن را آب بکشد باید تیمم نماید .

وضوی ارتماسی

(مسأله ۲۷۹)

وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دست ها را به قصد وضو در آب فرو برد یا آنها را در آب فرو برد و به قصد وضو بیرون آورد . و اگر موقعی که دست ها را در آب فرو می برد نیت وضو کند و تا وقتی که آنها را از آب بیرون می آورد و ریزش آب تمام می شود به قصد وضو باشد ، وضوی او صحیح است و نیز اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند و تا وقتی که ریزش آب تمام می شود به قصد وضو باشد وضوی او صحیح می باشد .

(مسأله ۲۸۰) در وضوی ارتماسی هم باید صورت و دست ها از بالا به پایین شسته شود ، پس اگر وقتی که صورت و دست ها را در آب فرو می برد قصد وضو کند باید صورت را از طرف پیشانی و دست ها را از طرف آرنج در آب فرو برد . و اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند ، باید صورت را از طرف پیشانی و دست ها را از طرف آرنج بیرون آورد .

(مسأله ۲۸۱) اگر وضوی بعضی از اعضاء را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد اشکال ندارد .

دعاهایی که موقع وضو گرفتن مستحب است

(مسأله ۲۸۲) کسی که وضو می گیرد مستحب است موقعی که نگاهش به آب می افتد بگوید :

(بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجْسًا) .

و موقعی که پیش از وضو دست خود را می شوید بگوید :

(اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِيْنَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ

الْمُتَطَهِّرِينَ)

و در وقت مضمضه کردن ، یعنی آب در دهان گرداندن بگوید :

(اَللّٰهُمَّ لَقِّنِيْ حُجَّتِيْ يَوْمَ اَلْقَاكَ وَ اَطْلِقْ لِسَانِيْ بِذِكْرِكَ)

و در وقت استنشاق یعنی آب در بینی کردن بگوید :

(اَللّٰهُمَّ لَا تُحْرِمْ عَلَيَّ رِيْحَ الْجَنَّةِ وَاجْعَلْنِيْ مِمَّنْ يُّشْمُ رِيْحَهَا وَ رُوْحَهَا وَ طَيِّبَهَا)

و موقع شستن رو بگوید :

(اَللّٰهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِيْ يَوْمَ تَسْوَدُ فِيْهِ الْوُجُوْهُ وَلَا تُسْوِدْ وَجْهِيْ يَوْمَ تَبْيَضُ فِيْهِ الْوُجُوْهُ)

و در وقت شستن دست راست بخواند :

(اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِيْ كِتَابِيْ يَمِيْنِيْ وَ الْخُلْدَ فِي الْجَنَانِ بِيْسَارِيْ وَ حَاسِبِنِيْ حِسَابًا يَسِيْرًا)

و موقع شستن دست چپ بگوید :

(اَللّٰهُمَّ لَا تُعْطِنِيْ كِتَابِيْ بِشِمَالِيْ وَ لَا مِنْ وَّرَاءِ ظَهْرِيْ وَ لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُوْلَةً اِلَى عُنُقِيْ وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ مُّقَطَّعَاتِ النَّيْرَانِ)

و موقعی که سر را مسح می کند بگوید :

(اَللّٰهُمَّ عَشِّنِيْ بِرَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ عَفْوِكَ)

و در وقت مسح پا بخواند :

(اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْنِيْ عَلَي الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيْهِ الْاَقْدَامُ وَ اجْعَلْ سَعْيِيْ فِيمَا يُرْضِيْكَ عَنِّيْ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ)

شرایط وضو

شرایط صحیح بودن وضو سیزده چیز است :

(شرط اوّل) آن که آب وضو پاک باشد .

(شرط دوّم) آن که مطلق باشد .

(مسأله ۲۸۳) وضو با آب نجس و با آب مضاف باطل است ، اگر چه انسان نجس بودن یا مضاف بودن آن را نداند یا

فراموش کرده باشد و اگر با آن وضو نمازی هم خوانده باشد ، باید آن نماز را دوباره با وضوی صحیح بخواند .

(مسأله ۲۸۴) اگر غیر از آب گِل آلود مضاف آب دیگری برای وضو ندارد ، چنانچه وقت نماز تنگ است

باید تیمم کند و اگر وقت دارد، احتیاط واجب آن است که صبر کند تا آب صاف شود و وضو بگیرد.

(شرط سوّم) آن که آب وضو و فضایی که در آن وضو می گیرد مباح باشد .

(مسأله ۲۸۵) وضو با آب غصبی و آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه حرام و باطل است . و نیز اگر آب وضو از صورت و دست ها در جای غصبی بریزد ، اگر وضو گرفتن سبب قطعی ریختن آب وضو در محل غصبی باشد وضو باطل ، و در غیر این صورت صحیح است .

(مسأله ۲۸۶) وضو گرفتن از حوض مدرسه ای که انسان نمی داند آن حوض را برای همه مردم وقف کرده اند یا برای محصلین همان مدرسه ، در صورتی که معمولاً مردم از آب آن وضو بگیرند اشکال ندارد .

(مسأله ۲۸۷) کسی که نمی خواهد در مسجدی نماز بخواند اگر نداند حوض آن را برای همه مردم وقف کرده اند یا برای کسانی که در آن جا نماز می خوانند ، نمی تواند از حوض آن وضو بگیرد ولی اگر معمولاً کسانی هم که نمی خواهند در آن جا نماز بخوانند از حوض آن وضو می گیرند . می تواند از حوض آن وضو بگیرد .

(مسأله ۲۸۸) وضو گرفتن از حوض تیمچه ها و مسافر خانه ها و مانند اینها برای کسانی که ساکن آنجاها نیستند ، در صورتی صحیح است که معمولاً کسانی هم که ساکن آنجاها نیستند ، با آب آنها وضو بگیرند .

(مسأله ۲۸۹)

(وضو گرفتن در نهر های بزرگ اگر چه انسان نداند که صاحب آنها راضی است اشکال ندارد ، ولی اگر صاحب آنها از وضو گرفتن نهی کنند احتیاط واجب آن است که با آب آنها وضو نگیرند .

(مسأله ۲۹۰) اگر فراموش کند آب غصبی است و با آن وضو بگیرد صحیح است ولی کسی که خودش آب را غصب کرده اگر غصبی بودن آن را فراموش کند و وضو بگیرد وضوی او باطل است .

(شرط چهارم) آن که ظرف آب وضو مباح باشد .

(شرط پنجم) آن که ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد .

(مسأله ۲۹۱) اگر آب وضو در ظرف غصبی یا طلا و نقره باشد و غیر از آن آب دیگری ندارد باید تیمم کند ، و نمی تواند با آب آنها وضو بگیرد . و اگر آب دیگری دارد چنانچه در ظرف غصبی یا طلا و نقره وضوی ارتماسی بگیرد یا با آنها آب را به صورت و دست ها بریزد وضوی او باطل است و در صورتی که با مشت یا با چیز دیگر آب را از آنها بردارد و به صورت و دست ها بریزد وضوی او صحیح است .

(مسأله ۲۹۲) اگر کسی به اعتقاد خودش که ظرف آب وضو غصبی و یا از طلا و نقره است وضو بگیرد بعد معلوم شود ظرف آب وضو غصبی و از طلا و نقره نبوده وضوی او باطل است .

(مسأله ۲۹۳) بنا بر احتیاط واجب در حوضی که مثلاً یک آجر یا یک سنگ آن غصبی است وضو نگیرد .

(مسأله ۲۹۴)

اگر در صحن یکی از امامان یا امام زادگان که سابقاً قبرستان بوده حوض یا نهری بسازند ، چنانچه انسان نداند که زمین صحن را برای قبرستان وقف کرده اند . وضو گرفتن در آن حوض و نهر اشکال ندارد .

(شرط ششم) آن که اعضاء وضو موقع شستن و مسح کردن پاک باشد .

(مسأله ۲۹۵) اگر پیش از تمام شدن وضو ، جایی را که شسته یا مسح کرده نجس شود ، وضو صحیح است .

(مسأله ۲۹۶) اگر غیر از اعضاء وضو جایی از بدن نجس باشد وضو صحیح است . ولی اگر مخرج را از بول یا غائط تطهیر نکرده باشد احتیاط مستحب آن است که اول آن را تطهیر کند بعد وضو بگیرد .

(مسأله ۲۹۷) اگر یکی از اعضاء وضو نجس باشد و بعد از وضو شک کند که پیش از وضو آنجا را آب کشیده یا نه ، چنانچه در موقع وضو ملتفت پاک بودن و نجس بودن آنجا نبوده وضو باطل است ، و اگر می داند ملتفت بوده یا شک دارد که ملتفت بوده یا نه وضو صحیح است ، و در هر صورت جایی را که نجس بوده باید آب بکشد .

(مسأله ۲۹۸) اگر در صورت یا در دست ها بریدگی یا زخمی است که خون آن بند نمی آید و آب برای آن ضرر ندارد ، باید در آب کز یا جاری فرو برد و قدری فشار دهد که خون بند بیاید بعد به دستوری که گفته شد وضوی ارتماسی بگیرد .

(شرط هفتم) آن که وقت

برای وضو کافی باشد .

(مسأله ۲۹۹) هرگاه وقت به قدری تنگ است که اگر وضو بگیرد تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود ، باید تیمم کند ولی اگر برای وضو و تیمم یک اندازه وقت لازم است باید وضو بگیرد .

(مسأله ۳۰۰) کسی که در تنگی وقت نماز باید تیمم کند ، اگر به قصد قربت یا برای کار مستحبی مثل خواندن قرآن وضو بگیرد وضوی او صحیح است و اما اگر برای خواندن آن نماز وضو بگیرد باطل است .

(شرط هشتم) آن که به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد و اگر برای خنک شدن یا به قصد دیگری وضو بگیرد باطل است .

(مسأله ۳۰۱) لازم نیست نیت وضو را به زبان بگوید یا از قلب خود بگذراند ولی باید در تمام وضو متوجه باشد که وضو می گیرد به طوری که اگر از او پرسند چه می کنی بگوید وضو می گیرم .

(شرط نهم) آن که وضو را به ترتیبی که گفته شد به جا آورد یعنی اول صورت و بعد دست راست و بعد دست چپ را بشوید و بعد از آن سر و بعد پاها را مسح نماید و باید پای چپ را پیش از پای راست مسح نکند و اگر به این ترتیب وضو نگیرد باطل است .

(مسأله ۳۰۲) همان طوری که ترتیب در وضوی ترتیبی لازم است در وضوی ارتماسی هم ترتیب لازم است چنانچه اگر کسی ترتیب را در وضو مراعات نکند وضو باطل است .

(شرط

دهم) آن که کارهای وضو را پشت سرهم انجام دهد .

(مسئله ۳۰۳) اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت تمام جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شده باشد ، وضو باطل است و اگر فقط رطوبت جایی که جلوتر از محلّی است که می خواهد بشوید یا مسح کند ، خشک شده باشد مثلاً موقعی که می خواهد دست چپ را بشوید رطوبت دست راست خشک شده باشد و صورت تر باشد ، احتیاط واجب آن است که وضو را باطل کند و از سر بگیرد .

(مسئله ۳۰۴) اگر کارهای وضو را پشت سرهم به جا آورد ولی به واسطه گرمای هوا یا حرارت زیاد بدن و مانند اینها رطوبت خشک شود وضوی او صحیح است .

(مسئله ۳۰۵) اگر کسی بعد از وضو مشغول نماز شود در نماز یادش بیاید که بعضی از مسح ها و یا همه مسح ها را ترک کرده اگر رطوبتی در اعضاء وضو باقی نمانده باشد هم وضو و هم نماز هر دو باطل می شود ، ولی چنانچه رطوبتی در اعضاء وضو باقی مانده باشد اگر بتواند با آن رطوبت مسح ها را به جا بیاورد وضویش صحیح است اما نماز را باید از اول شروع نماید .

(مسئله ۳۰۶) راه رفتن در بین وضو اشکال ندارد ، پس اگر بعد از شستن صورت و دست ها چند قدم راه برود و بعد سر و پاها را مسح کند وضوی او صحیح است .

(شرط

یازدهم) آن که شستن صورت و دست ها و مسح سر و پاها را خود انسان انجام دهد و اگر دیگری او را وضو دهد، و یا در رساندن آب به صورت و دست ها و مسح سر و پاها به او کمک نماید، وضو باطل است.

(مسأله ۳۰۷) کسی که نمی تواند وضو بگیرد باید نائب بگیرد که او را وضو دهد. و چنانچه مزد هم بخواهد، در صورتی که بتواند باید بدهد. ولی باید خود او نیت وضو کند و با دست مسح نماید، و اگر نمی تواند باید نائیش دست او را بگیرد و به جای مسح او بکشد، و اگر این هم ممکن نیست باید از دست او رطوبت بگیرند و با آن رطوبت سر و پای او را مسح کنند.

(مسأله ۳۰۸) هر کدام از کارهای وضو را که می تواند به تنهایی انجام دهد، نباید در آن کمک بگیرد.

(شرط دوازدهم) آن که استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.

کسی که می ترسد که اگر وضو بگیرد، مریض شود یا اگر آب را به مصرف وضو برساند تشنه بماند، نباید وضو بگیرد. ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد، اگر چه بعد بفهمد ضرر داشته وضوی او صحیح است.

(مسأله ۳۰۹) اگر رساندن آب به صورت و دست ها به مقدار کمی که وضو با آن صحیح است ضرر ندارد و بیشتر از آن ضرر دارد، باید با همان مقدار وضو بگیرد

(شرط سیزدهم) آن که در اعضاء وضو مانعی از رسیدن آب نباشد .

(مسأله ۳۱۰) اگر می داند چیزی به اعضاء وضو چسبیده ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می کند یا نه ، باید آن را برطرف کند یا آب را به زیر آن برساند .

(مسأله ۳۱۱) اگر زیر ناخن چرک باشد ، وضو اشکال ندارد ولی اگر ناخن را بگیرند باید برای وضو آن چرک را برطرف کنند . و نیز اگر ناخن بیشتر از معمول بلند باشد ، باید چرک زیر مقداری را که از معمول بلندتر است برطرف نمایند .

(مسأله ۳۱۲) اگر در صورت و دست ها و جلوی سر و روی پاها به واسطه سوختن یا چیز دیگر بر آمدگی پیدا شود شستن و مسح روی آن کافی است و چنانچه سوراخ شود ، رساندن آب به زیر پوست لازم نیست ، بلکه اگر پوست یک قسمت آن کنده شود ، لازم نیست آب را به زیر قسمتی که کنده نشده برساند ولی چنانچه پوستی که کنده شده گاهی به بدن می چسبد و گاهی بلند می شود باید آن را قطع کند یا آب را به زیر آن برساند .

(مسأله ۳۱۳) اگر انسان شک کند که به اعضاء وضوی او چیزی چسبیده یا نه چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد مثل آن که بعد از گِل کاری شک کند گِل به دست او چسبیده یا نه ، باید واریسی کند ، یا به قدری دست بمالد که اطمینان پیدا کند که اگر بوده برطرف شده

یا آب به زیر آن رسیده است.

(مسأله ۳۱۴) جایی را که باید شست و مسح کرد هر قدر چرک باشد ، اگر چرک آن مانع از رسیدن آب به بدن نباشد اشکال ندارد ، و همچنین است اگر بعد از گچ کاری و مانند آن چیز سفیدی که جلوگیری از رسیدن آب به پوست نمی نماید بر دست بماند ، ولی اگر شکّ کند که با بودن آنها آب به بدن می رسد یا نه ، باید آنها را برطرف کند .

(مسأله ۳۱۵) اگر پیش از وضو بداند که در بعضی از اعضاء وضو مانعی از رسیدن آب هست و بعد از وضو شکّ کند که در موقع وضو آب را به آنجا رسانده یا نه ، وضوی او صحیح است .

(مسأله ۳۱۶) اگر در بعضی از اعضاء وضو مانعی باشد که گاهی آب به خودی خود زیر آن می رسد و گاهی نمی رسد و انسان بعد از وضو شکّ کند که آب زیر آن رسیده یا نه ، چنانچه بداند موقع وضو ملتفت رسیدن آب به زیر آن نبوده ، احتیاط واجب آن است که دوباره وضو بگیرد .

(مسأله ۳۱۷) اگر بعد از وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است در اعضاء وضو ببیند و نداند موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده ، وضوی او صحیح است ولی اگر بداند که در وقت وضو ملتفت آن مانع نبوده ، احتیاط واجب آن است دوباره وضو بگیرد .

(مسأله ۳۱۸) اگر بعد از وضو شکّ کند چیزی که مانع رسیدن آب است در

اعضاء وضو بوده یا نه ، وضو صحیح است .

احکام وضو

(مسأله ۳۱۹) کسی که در کارهای وضو و شرایط آن مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن خیلی شک می کند باید به شک خود اعتنا نکند .

(مسأله ۳۲۰) اگر شک کند که وضوی او باطل شده یا نه ، بنا می گذارد که وضوی او باقی است ولی اگر بعد از بول استبراء نکرده و وضو گرفته باشد و بعد از وضو رطوبتی از او بیرون آید که نداند بول است یا چیز دیگر وضوی او باطل است .

(مسأله ۳۲۱) کسی که شک دارد وضو گرفته یا نه ، باید وضو بگیرد .

(مسأله ۳۲۲) کسی که می داند وضو گرفته و حدثی هم از او سر زده ، مثلاً بول کرده ، اگر نداند کدام جلوتر بوده ، چنانچه پیش از نماز است ، باید وضو بگیرد ، و اگر در بین نماز است باید نماز را بشکند و وضو بگیرد و اگر بعد از نماز است نمازی که خوانده صحیح است و برای نمازهای بعد باید وضو بگیرد .

(مسأله ۳۲۳) اگر بعد از وضو یا در بین آن یقین کند که بعضی جاها را نشسته یا مسح نکرده است ، چنانچه رطوبتی جاهایی که پیش از آن است خشک شده ، باید دوباره وضو بگیرد و اگر خشک نشده باید جایی را که فراموش کرده و آنچه بعد از آن است بشوید یا مسح کند ، و اگر در بین وضو در شستن یا مسح کردن جایی شک کند باید به همین

دستور عمل نماید .

(مسأله ۳۲۴) اگر بعد از نماز شكّ کند که وضو گرفته یا نه نماز او صحیح است ، ولی باید برای نمازهای بعد وضو بگیرد .

(مسأله ۳۲۵) اگر در بین نماز شكّ کند که وضو گرفته یا نه نماز او باطل است و باید وضو بگیرد و نماز را بخواند .

(مسأله ۳۲۶) اگر بعد از نماز شكّ کند که قبل از نماز وضوی او باطل شده یا بعد از نماز ، نمازی که خوانده صحیح است .

(مسأله ۳۲۷) اگر انسان مرضی دارد که بول او قطره قطره می ریزد یا نمی تواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند ، چنانچه یقین دارد که از اول نماز تا آخر آن به مقدار وضو گرفتن و نماز خواندن مهلت پیدا می کند ، باید نماز را در وقتی که مهلت پیدا می کند بخواند و اگر مهلت او به مقدار کارهای واجب نماز است ، باید در وقتی که مهلت دارد ، فقط کارهای واجب نماز را به جا آورد و کارهای مستحبّ آن مانند اذان و اقامه و قنوت را ترک نماید .

(مسأله ۳۲۸) اگر به مقدار وضو و نماز مهلت پیدا نمی کند و در بین نماز چند دفعه بول یا غائط از او خارج می شود ، که اگر بخواهد بعد از هر دفعه وضو بگیرد سخت نیست ، باید ظرف آبی پهلوی خود بگذارد و هر وقت بول یا غائط از او خارج شد ، فوراً وضو بگیرد و بقیه نماز را بخواند . و احتیاط مستحبّ آن است که

همان نماز را دوباره با یک وضو بخواند و اگر در بین آن نماز وضوی او باطل شد اعتنا نکند .

(مسأله ۳۲۹) کسی که بول یا غائط طوری پی در پی از او خارج می شود که وضو گرفتن بعد از هر دفعه برای او سخت است ، اگر بتواند مقداری از نماز را با وضو بخواند ، باید برای هر نماز یک وضو بگیرد .

(مسأله ۳۳۰) کسی که بول یا غائط پی در پی از او خارج می شود اگر نتواند هیچ مقدار از نماز را با وضو بخواند ، احتیاط واجب آن است برای هر نماز یک وضو بگیرد .

(مسأله ۳۳۱) اگر مرضی دارد که نمی تواند از خارج شدن باد جلوگیری کند ، باید به وظیفه کسانی که نمی توانند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کنند عمل نماید .

(مسأله ۳۳۲) کسی که بول یا غائط پی در پی از او خارج می شود ، باید برای هر نمازی وضو بگیرد و فوراً مشغول نماز شود ، ولی برای به جا آوردن سجده و تشهد فراموش شده و نماز احتیاط که باید بعد از نماز انجام داد ، در صورتی که آنها را بعد از نماز فوراً به جا بیاورد ، وضو گرفتن لازم نیست .

(مسأله ۳۳۳) کسی که بول او قطره قطره می ریزد باید برای نماز به وسیله کیسه ای که در آن ، پنبه یا چیز دیگری است که از رسیدن بول به جاهای دیگر جلوگیری می کند ، خود را حفظ نماید ، و احتیاط واجب آن

است که پیش از هر نماز مخرج بول و کیسه را که نجس شده آب بکشد ، و نیز کسی که نمی تواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند ، چنانچه ممکن باشد باید به مقدار نماز از رسیدن غائط به جاهای دیگر جلوگیری نماید و احتیاط واجب آن است که اگر مشقّت ندارد ، برای هر نماز مخرج غائط را آب بکشد .

(مسأله ۳۳۴) کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند در صورتی که ممکن باشد ، باید به مقدار نماز از خارج شدن بول و غائط جلوگیری نماید . اگر چه خرج داشته باشد . بلکه اگر مرض او به آسانی معالجه شود ، احتیاط واجب آن است که خود را معالجه نماید .

(مسأله ۳۳۵) کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند بعد از آن که مرض او خوب شد ، لازم نیست نمازهایی را که در وقت مرض مطابق وظیفه اش خوانده قضا نماید . ولی اگر در بین وقت نماز مرض او خوب شود باید نمازی را که در آن وقت خوانده دوباره بخواند .

چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت

(مسأله ۳۳۶) برای شش چیز وضو گرفتن واجب است :

(اوّل) برای نمازهای واجب غیر از نماز میت .

(دوّم) برای سجده فراموش شده ، اگر بین آنها و نماز حدّثی از او سر زده مثلاً بول کرده باشد . و احتیاط واجب آن است که برای سجده سهو هم وضو بگیرد .

(سوّم) برای طواف واجب خانه کعبه .

(چهارم) اگر نذر یا عهد

کرده یا قسم خورده باشد که وضو بگیرد .

(پنجم) اگر نذر کرده باشد که جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند .

(ششم) برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده ، یا بیرون آوردن آن از مستراح و مانند آن ، در صورتی مجبور باشد ، دست یا جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند ولی چنانچه معطل شدن به مقدار وضو بی احترامی به قرآن است باید بدون این که وضو بگیرد ، قرآن را از مستراح و مانند آن بیرون آورد ، یا اگر نجس شده آب بکشد .

(مسأله ۳۳۷) مسّ نمودن خطّ قرآن ، یعنی رساندن جایی از بدن به خطّ قرآن برای کسی که وضو ندارد حرام است . و احتیاط واجب آن است که موی خود را هم به خطّ قرآن نرساند . ولی اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگر ترجمه کنند مسّ آن اشکال ندارد .

(مسأله ۳۳۸) جلوگیری بچه و دیوانه از مسّ خطّ قرآن واجب نیست ولی اگر مسّ نمودن آنان بی احترامی به قرآن باشد ؛ باید از آنان جلوگیری کنند .

(مسأله ۳۳۹) کسی که وضو ندارد ، حرام است اسم خداوند متعال را به هر زبانی نوشته شده باشد ، مسّ نماید . و احتیاط واجب آن است که اسم مبارک پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه (علیهم السلام) و حضرت زهرا (سلام الله علیها) را هم مسّ نمایند .

(مسأله ۳۴۰) اگر پیش از وقت نماز به قصد این که با طهارت باشد

وضو بگیرد یا غسل کند صحیح است . و نزدیک وقت نماز هم اگر به قصد مهیا بودن برای نماز وضو بگیرد اشکال ندارد .

(مسأله ۳۴۱) کسی که یقین دارد وقت داخل شده اگر نیت وضوی واجب کند و بعد از وضو بفهمد وقت داخل نشده وضوی او صحیح است .

(مسأله ۳۴۲) مستحب است انسان برای نماز میت و زیارت اهل قبور و رفتن به مسجد و حرم امامان (علیهم السلام) وضو بگیرد . و همچنین برای همراه داشتن قرآن و خواندن و نوشتن آن و نیز برای مسّ حاشیه قرآن و برای خوابیدن وضو گرفتن مستحب است و نیز مستحب است کسی که وضو دارد دوباره وضو بگیرد ، و اگر برای یکی از این کارها وضو بگیرد هر کاری را که باید با وضو انجام داد می تواند به جا آورد ؛ مثلاً می تواند با آن وضو نماز بخواند .

چیزهایی که وضو را باطل می کند

(مسأله ۳۴۳) هفت چیز وضو را باطل می کند :

(اول) بول .

(دوم) غائط .

(سوم) باد معده و روده که از محلّ غائط خارج شود .

(چهارم) خوابی که به واسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود ؛ ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود وضو باطل نمی شود .

(پنجم) چیزهایی که عقل را از بین می برد : مانند دیوانگی و مستی و بی هوشی .

(ششم) استحاضه زنان که بعداً گفته می شود .

(هفتم) کاری که برای آن باید غسل کرد ، مانند جنابت .

احکام وضوی جبیره

چیزی که با آن زخم و شکسته را می بندند و دوایی که روی زخم و مانند آن می گذارند ، جبیره نامیده می شود .

(مسأله ۳۴۴) اگر در یکی از جاهای وضو زخم یا دُمَل یا شکستگی باشد چنانچه روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد ، باید به طور معمول وضو گرفت .

(مسأله ۳۴۵) اگر زخم یا دُمَل یا شکستگی در صورت و دست ها است و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد ، چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد ، احتیاط واجب آن است که دست تر بر آن بکشد و بعد پارچه پاکی روی آن بگذارد و دست تر را روی پارچه هم بکشد . و اگر این مقدار هم ضرر دارد یا زخم نجس است و نمی شود آب کشید ، باید

اطراف زخم را به طوری که در وضو گفته شد ، از بالا به پایین

بشوید و بنا بر احتیاط واجب پارچه پاکی روی زخم بگذارد و دست تر روی آن بکشد، و اگر گذاشتن پارچه ممکن نیست باید اطراف زخم را بشوید و بنا بر احتیاط واجب تیمم هم بنماید.

(مسأله ۳۴۶) اگر زخم یا دُمَل یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاهاست و روی آن باز است، چنانچه نتواند آن را مسح کند، باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد، مسح لازم نیست ولی باید بعد از وضو تیمم نماید.

(مسأله ۳۴۷) اگر روی دُمَل یا زخم یا شکستگی بسته باشد، چنانچه باز کردن آن ممکن است و آب هم برای آن ضرر ندارد، باید باز کند و وضو بگیرد، چه زخم و مانند آن در صورت و دست ها باشد، یا جلوی سر و روی پاها.

(مسأله ۳۴۸) اگر زخم یا دُمَل یا شکستگی در صورت یا دست ها باشد و بشود روی آن را باز کرد، چنانچه ریختن آب روی آن ضرر دارد و کشیدن دست تر ضرر ندارد، احتیاط واجب آن است که دست تر روی آن بکشد و بعد پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را هم دست تر بکشد.

(مسأله ۳۴۹) اگر نمی شود روی زخم را باز کرد ولی زخم و چیزی که روی آن گذاشته پاک است و رسانیدن آب به زخم ممکن است و ضرر هم ندارد، باید آب را به

روی زخم برساند، و اگر زخم یا چیزی که روی آن گذاشته نجس است، چنانچه آب کشیدن آن و رسانیدن آب به روی زخم ممکن باشد باید آن را آب بکشد و موقع وضو آب را به زخم برساند، و در صورتی که آب برای زخم ضرر دارد، یا آن که رساندن آب به روی زخم ممکن نیست، و یا زخم نجس است و نمی شود آن را آب کشید، باید اطراف زخم را بشوید و اگر جیره پاک است، روی آن را مسح کند و اگر جیره نجس است، یا نمی شود روی آن را دست تر کشید، مثلاً دوایی است که به دست می چسبد، پارچه پاکی را به طوری که جزء جیره حساب شود، روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد، و اگر این هم ممکن نیست، احتیاط واجب آن است که وضو بگیرد و تیمم هم بنماید.

(مسأله ۳۵۰) اگر جیره تمام صورت یا تمام یکی از دست ها یا تمام هر دو دست را گرفته باشد، باید وضوی جیره ای بگیرد و بنا بر احتیاط واجب تیمم هم بنماید.

(مسأله ۳۵۱) اگر جیره تمام اعضاء وضو را گرفته باشد، بنا بر احتیاط واجب باید وضوی جیره ای بگیرد و تیمم هم بنماید.

(مسأله ۳۵۲) کسی که در کف دست و انگشت ها جیره دارد و در موقع وضو دست تر روی آن کشیده است، باید سر و پا را با همان رطوبت مسح کند.

(مسأله)

(۳۵۳) اگر جبیره تمام پهنای روی پا را گرفته ولی مقداری از طرف انگشتان و مقداری از طرف بالای پا باز است ، باید جاهایی که باز است روی پا را و جایی که جبیره است روی جبیره را مسح کند .

(مسأله ۳۵۴) اگر در صورت یا دست ها چند جبیره باشد ، باید بین آنها را بشوید و اگر جبیره ها در سر یا روی پاها باشد ، باید بین آنها را مسح کند و در جاهایی که جبیره است باید به دستور جبیره عمل نماید .

(مسأله ۳۵۵) اگر جبیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نیست ، باید به دستور جبیره عمل کند و بنا بر احتیاط واجب تیمم هم بنماید ، و اگر برداشتن جبیره ممکن است باید جبیره را بردارد ، پس اگر زخم در صورت و دست ها است اطراف آن را بشوید و اگر در سر یا روی پاها است اطراف آن را مسح کند و برای جای زخم به دستور جبیره عمل نماید .

(مسأله ۳۵۶) اگر در جای وضو زخم و جراحت و شکستگی نیست ، ولی به جهت دیگری آب برای آن ضرر دارد ، باید تیمم کند ، و احتیاط مستحب آن است وضوی جبیره ای هم بگیرد .

(مسأله ۳۵۷) اگر جایی از اعضاء وضو را رگ زده است و نمی تواند آن را آب بکشد یا آب برای آن ضرر دارد ، باید به دستور جبیره عمل کند .

(مسأله ۳۵۸) اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده است که

برداشتن آن ممکن نیست ، یا مقداری مشقت دارد که نمی شود تحمّل کرد باید به دستور جبیره عمل کند ، و بنا بر احتیاط واجب تیمّم هم بنماید .

(مسأله ۳۵۹) غسل جبیره ای مثل وضوی جبیره ای است ولی باید آن را ترتیبی به جا آورند و اگر ارتماسی انجام دهند باطل است .

(مسأله ۳۶۰) کسی که وظیفه او تیمّم است اگر در بعضی از جاهای تیمّم او زخم یا دُمَل یا شکستگی باشد ، باید به دستور وضوی جبیره ای ، تیمّم جبیره ای نماید .

(مسأله ۳۶۱) کسی که باید با وضو یا غسل جبیره ای نماز بخواند ، چنانچه بداند که تا آخر وقت عذر او بر طرف نمی شود ، می تواند در اوّل وقت نماز بخواند ، ولی اگر امید دارد که تا آخر وقت عذر او بر طرف شود ، احتیاط واجب آن است که صبر کند و اگر عذر او بر طرف نشد در آخر وقت نماز را با وضو یا غسل جبیره ای به جا آورد .

(مسأله ۳۶۲) اگر انسان برای مرضی که در چشم اوست موی چشم خود را بچسباند ، باید وضو و غسل را جبیره ای انجام دهد و احتیاط آن است که تیمّم هم بنماید .

(مسأله ۳۶۳) کسی که نمی داند وظیفه اش تیمّم است یا وضوی جبیره ای بنا بر احتیاط واجب باید هر دو را به جا آورد .

(مسأله ۳۶۴) نمازهایی را که انسان با وضوی جبیره ای خوانده صحیح است ولی بعد از آن که عذرش بر طرف

شد ، برای نمازهای بعد باید وضو بگیرد .

غسل های واجب

غسل های واجب هفت است :

(اوّل) غسل جنابت .

(دوّم) غسل حیض .

(سوّم) غسل نفاس .

(چهارم) غسل استحاضه .

(پنجم) غسل مسّ میّت .

(ششم) غسل میّت .

(هفتم) غسلی که به واسطه نذر و قسم و مانند اینها واجب می شود .

احکام جنابت

(مسأله ۳۶۵) به دو چیز انسان جنب می شود :

(اوّل) جماع

(دوّم) بیرون آمدن منی ، چه در خواب باشد یا بیداری ، کم باشد یا زیاد ، با شهوت باشد یا بی شهوت ، با اختیار باشد یا بی اختیار .

(مسأله ۳۶۶) اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا بول یا غیر اینها ، چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده باشد و بعد از بیرون آمدن آن بدن سُیست شده ، آن رطوبت حکم منی دارد و اگر هیچ یک از این سه نشانه یا بعضی از اینها را نداشته باشد ، حکم منی ندارد . ولی در مریض لازم نیست آن آب ، با جستن بیرون آمده باشد ، بلکه اگر با شهوت بیرون آید و در موقع بیرون آمدن ، بدن سُست شود ، در حکم منی است .

(مسأله ۳۶۷) اگر از مردی که مریض نیست آبی بیرون آید که یکی از سه نشانه ای را که در مسأله پیش گفته شد داشته باشد و نداند نشانه های دیگر را داشته یا نه ، چنانچه پیش از بیرون آمدن آن آب ، وضو داشته ، غسل تنها کافی است و اگر وضو نداشته ، باید غسل

کند و بنا بر احتیاط واجب وضو هم بگیرد .

(مسأله ۳۶۸) مستحبّ است انسان بعد از بیرون آمدن منی بول کند . و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او بیرون آید ، که نداند منی است یا رطوبت دیگر . حکم منی دارد .

(مسأله ۳۶۹) اگر انسان جماع کند و به اندازه ختنه گاه یا بیشتر داخل شود ، در زن باشد یا در مرد ، در قُبُل باشد یا در دُبُر بالغ باشند یا نابالغ ، اگر چه منی بیرون نیاید هر دو جنب می شوند .

(مسأله ۳۷۰) اگر شکّ کند که به مقدار ختنه گاه داخل شده یا نه ، غسل بر او واجب نیست .

(مسأله ۳۷۱) اگر نعوذ بالله حیوانی را وطی کند ، یعنی با او نزدیکی نماید و منی از او بیرون آید غسل تنها کافی است . و اگر منی بیرون نیاید ، چنانچه پیش از وطی وضو داشته باز هم غسل تنها کافی است و اگر وضو نداشته ، احتیاط واجب آن است که غسل کند ، وضو هم بگیرد و همچنین است حکم در نزدیکی نمودن با مرد یا پسر .

(مسأله ۳۷۲) اگر منی از جای خود حرکت کند و بیرون نیاید یا انسان شکّ کند که منی از او بیرون آمده یا نه ، غسل بر او واجب نیست .

(مسأله ۳۷۳) کسی که نمی تواند غسل کند ، ولی تیمّم برایش ممکن است بعد از داخل شدن وقت نماز هم می تواند با عیال خود نزدیکی کند .

(مسأله ۳۷۴)

(اگر در لباس خود منی ببیند و بداند که از خود اوست و برای آن غسل نکرده ، باید غسل کند و نمازهایی را که یقین دارد ، بعد از بیرون آمدن منی خوانده قضا کند ، ولی نمازهایی را که احتمال می دهد ، بعد از بیرون آمدن آن منی خوانده ، لازم نیست قضا نماید .

(مسأله ۳۷۵) اگر در لباس خود منی ببیند و شک کند که منی از خود او است و یا از کسی دیگر غسل بر او واجب نیست .

(مسأله ۳۷۶) اگر زن محتلم شود و منی از او بیرون بیاید واجب است غسل بنماید .

(مسأله ۳۷۷) اگر منی به صورت خون از انسان بیرون بیاید ، اگر یقین داشته باشد که منی است باید غسل بنماید .

چیزهایی که بر جنب حرام است

(مسأله ۳۷۸) پنج چیز بر جنب حرام است :

(اوّل) رساندن جایی از بدن به خطّ قرآن ، یا به اسم خدا و پیغمبران و امامان (علیهم السلام) و حضرت زهرا (سلام الله علیها) به طوری که در وضو گفته شد .

(دوّم) رفتن در مسجدالحرام و مسجد پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود .

(سوّم) توقّف در مساجد دیگر و حرم امامان ، ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود ، یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد .

(چهارم) گذاشتن چیزی در مسجد .

(پنجم) خواندن سوره ای که سجده واجب دارد و آن چهار سوره است

:

(اَوَّل) سوره سی و دوّم قرآن (الم تنزیل)

(دوّم) سوره چهل و یکم (حم سجده)

(سوّم) سوره پنجاه و سوّم (والنجم)

(چهارم) سوره نود و ششم (اقراً) و اگر یک حرف از این چهار سوره را هم بخواند حرام است .

چیزهایی که بر جنب مکروه است

(مسأله ۳۷۹) نه چیز بر جنب مکروه است :

(اَوَّل و دوّم) خوردن و آشامیدن ، ولی اگر وضو بگیرد یا دست ها را بشوید مکروه نیست .

(سوّم) خواندن بیشتر از هفت آیه از سوره هایی که سجده واجب ندارد .

(چهارم) رساندن جایی از بدن به جلد و حاشیه و بین خط های قرآن .

(پنجم) همراه داشتن قرآن .

(ششم) خوابیدن ، ولی اگر وضو بگیرد یا به واسطه نداشتن آب بدل از غسل تیمّم کند مکروه نیست .

(هفتم) خضاب کردن به حنا و مانند آن .

(هشتم) مالیدن روغن به بدن .

(نهم) جماع کردن ، بعد از آن که محتلم شده ، یعنی در خواب منی از او بیرون آمده است .

غسل جنابت

(مسأله ۳۸۰) غسل جنابت به خودی خود مستحبّ است و برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب می شود . ولی برای نماز میت و سجده شکر و سجده های واجب قرآن غسل جنابت لازم نیست .

(مسأله ۳۸۱) لازم نیست در وقت غسل ، نیت کند که غسل واجب یا مستحبّ می کنم و اگر فقط به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم غسل کند کافی است .

(مسأله ۳۸۲) اگر یقین کند وقت نماز شده و نیت غسل واجب کند بعد معلوم شود که پیش از وقت غسل کرده غسل او

صحیح است .

(مسأله ۳۸۳) غسل را چه واجب باشد و چه مستحبّ به دو قسم می شود انجام داد . ترتیبی و ارتماسی

غسل ترتیبی

(مسأله ۳۸۴) در غسل ترتیبی باید به نیت غسل ، اوّل سر و گردن بعد طرف راست ، بعد طرف چپ بدن را بشوید . و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا به واسطه ندانستن مسأله به این ترتیب عمل نکند غسل او باطل است .

(مسأله ۳۸۵) نصف ناف و نصف عورت را باید با طرف راست بدن و نصف دیگر را باید با طرف چپ بشوید ، بلکه بهتر است تمام ناف و عورت با هر دو طرف شسته شود .

(مسأله ۳۸۶) برای آن که یقین کند هر سه قسمت یعنی سر و گردن و طرف راست و طرف چپ را کاملاً غسل داده ، باید هر قسمتی را که می شوید مقداری از قسمت های دیگر را هم با آن قسمت

بشوید . بلکه احتیاط مستحب آن است که تمام طرف راست گردن را با طرف راست بدن و تمام طرف چپ گردن را با طرف چپ بدن بشوید .

(مسأله ۳۸۷) اگر بعد از غسل بفهمد جایی از بدن را نشسته و نداند کجای بدن است ، باید دوباره غسل کند .

(مسأله ۳۸۸) اگر بعد از غسل بفهمد مقداری از بدن را نشسته ، چنانچه از طرف چپ باشد شستن همان مقدار کافی است . و اگر از طرف راست باشد باید بعد از شستن آن مقدار ، دوباره طرف چپ را بشوید . و اگر از سر و گردن باشد باید بعد از شستن آن مقدار ، دوباره طرف راست و بعد طرف چپ را بشوید .

(مسأله ۳۸۹) اگر پیش از تمام شدن غسل ، در شستن مقداری از طرف چپ شک کند ، شستن همان مقدار کافی است . ولی اگر در شستن مقداری از طرف راست شک کند ، باید بعد از شستن آن مقدار ، طرف چپ را هم بشوید ، و اگر در شستن مقداری از سر و گردن شک کند ، باید بعد از شستن آن دوباره طرف راست و طرف چپ را بشوید .

غسل ارتماسی

(مسأله ۳۹۰) در غسل ارتماسی باید آب در یک آن تمام بدن را بگیرد ، پس اگر به نیت غسل ارتماسی در آب فرو رود ، چنانچه پای او روی زمین باشد باید از زمین بلند کند .

(مسأله ۳۹۱) در غسل ارتماسی بنا بر احتیاط واجب باید موقعی نیت کند که مقداری از بدن بیرون آب

باشد .

(مسأله ۳۹۲) اگر بعد از غسل ارتماسی بفهمد به مقداری از بدن آب نرسیده چه جای آن را بداند یا نداند ، باید دوباره غسل کند .

(مسأله ۳۹۳) اگر برای غسل ترتیبی وقت ندارد و برای ارتماسی وقت دارد ، باید غسل ارتماسی کند .

(مسأله ۳۹۴) کسی که روزه واجب گرفته یا برای حج یا عمره احرام بسته نمی تواند غسل ارتماسی کند . ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند صحیح است .

احکام غسل کردن

(مسأله ۳۹۵) در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد ، ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست . و اگر تمام بدن نجس باشد و هر قسمتی را پیش از غسل دادن آن قسمت آب بکشد کافی است .

(مسأله ۳۹۶) کسی که از حرام جنب شده اگر با آب گرم غسل کند ، غسل او صحیح است ، اگر چه عرق می کند عرقش نجس نیست ، ولی احتیاط مستحب آن است که با آب سرد غسل کند ، اگر آب سرد برای او ضرر نداشته باشد .

(مسأله ۳۹۷) اگر در غسل به اندازه سر مویی از بدن نشسته بماند ، غسل باطل است . ولی شستن جاهایی از بدن را که دیده نمی شود ، مثل توی گوش و بینی واجب نیست .

(مسأله ۳۹۸) جایی را که شک دارد از ظاهر بدن است یا از باطن آن بنا بر احتیاط واجب باید بشوید .

(مسأله ۳۹۹) اگر سوراخ جای گوشواره و مانند آن به قدری گشاد باشد که داخل

آن دیده شود، باید آن را شست و اگر دیده نشود، شستن داخل آن لازم نیست.

(مسأله ۴۰۰) چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است، باید برطرف کند و اگر پیش از آن که یقین کند، برطرف شده غسل نماید، غسل او باطل است.

(مسأله ۴۰۱) اگر موقع غسل شک کند، چیزی که مانع از رسیدن آب باشد، در بدن او هست یا نه، باید واریسی کند تا مطمئن شود که مانعی نیست.

(مسأله ۴۰۲) در غسل باید موهای کوتاهی را که جزء بدن حساب می شود، بشوید و شستن موهای بلند واجب نیست، بلکه اگر آب را طوری به پوست برساند که آنها تر نشود غسل صحیح است ولی اگر رساندن آب به پوست بدون شستن آنها ممکن نباشد باید آنها را بشوید که آب به بدن برسد.

(مسأله ۴۰۳) تمام شرط هایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد، مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن، در صحیح بودن غسل هم شرط است. ولی در غسل لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید و نیز در غسل ترتیبی لازم نیست بعد از شستن هر قسمت فوراً قسمت دیگر را بشوید بلکه اگر بعد از شستن سر و گردن مقداری صبر کند و بعد طرف راست را بشوید و بعد از مدتی طرف چپ را بشوید اشکال ندارد. ولی کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، اگر به اندازه ای که

غسل کند و نماز بخواند بول و غائط از او بیرون نمی آید ، باید هر قسمت را فوراً بعد از قسمت دیگر غسل دهد و بعد از غسل هم فوراً نماز بخواند و همچنین است حکم زن مستحاضه که بعداً گفته می شود .

(مسأله ۴۰۴) کسی که قصد دارد پول حمامی را ندهد یا بدون این که بداند حمامی راضی است ، بخواهد نسیه بگذارد ، اگر چه بعداً حمامی را راضی کند ، غسل او باطل است .

(مسأله ۴۰۵) اگر حمامی راضی باشد که پول حمام نسیه بماند ولی کسی که غسل می کند قصدش این باشد که طلب او را ندهد یا از مال حرام بدهد غسل او اشکال دارد .

(مسأله ۴۰۶) اگر بخواهد پول حرام یا پولی که خمس آن را نداده به حمامی بدهد ، غسل او باطل است .

(مسأله ۴۰۷) اگر مخرج غائط را در آب خزینه تطهیر کند و پیش از غسل شک کند که چون در خزینه تطهیر کرده حمامی به غسل کردن او راضی است یا نه ، غسل او باطل است ، مگر این که پیش از غسل حمامی را راضی کند .

(مسأله ۴۰۸) اگر آب حمام را با هیزم غصبی و یا با برق و یا با نفت و گاز غصبی گرم کنند اگر آب حمام غصبی نباشد غسل کردن در آن اشکال ندارد .

(مسأله ۴۰۹) اگر کسی با لنگ غصبی که به کمرش بسته غسل کند غسل او باطل است .

(مسأله ۴۱۰) غسل کردن در حوض مدرسه ها برای غیر

اهل آن صحیح نیست مگر در صورتی که یقین داشته باشیم وقف برای عموم است .

(مسأله ۴۱۱) اگر کسی شكّ کند که غسل کرده یا نه باید غسل کند ولی اگر بعد از غسل شكّ کند ، که غسل او درست بوده یا نه لازم نیست دوباره غسل نماید .

(مسأله ۴۱۲) اگر در بین غسل حدث اصغر از او سرزند مثلاً بول کند ، احتیاط واجب آن است که غسل را تمام کند و دوباره غسل کند ، وضو هم بگیرد ، یا غسل را رها کرده و غسل دیگری نماید و بعد از آن وضو هم بگیرد .

(مسأله ۴۱۳) اگر به خیال این که به اندازه غسل و نماز وقت دارد برای نماز غسل کند چنانچه بعد از غسل به اندازه خواندن یک رکعت یا بیش تر وقت داشته باشد ، غسل او صحیح است و اگر کمتر از یک رکعت وقت داشته باشد غسل او باطل است ولی اگر به قصد آن که پاک شود و نماز بخواند غسل کرده باشد . غسل او صحیح است .

(مسأله ۴۱۴) کسی که جنب شده اگر شكّ کند غسل کرده یا نه نمازهایی را که خوانده صحیح است ولی برای نمازهای بعد باید غسل کند .

(مسأله ۴۱۵) کسی که چند غسل بر او واجب است می تواند به تیت همه آنها یک غسل به جا آورد ، یا آنها را جُدا جُدا انجام دهد .

(مسأله ۴۱۶) اگر بر جایی از بدن ، آیه قرآن یا اسم خداوند متعال نوشته شده باشد ،

بنا بر احتیاط واجب اگر ممکن است باید آن را از بین ببرد، و اگر ممکن نیست باید وضو و غسل را ارتماسی انجام دهد، و چنانچه بخواهد وضو یا غسل را ترتیبی به جا آورد، باید آب را طوری به بدن برساند که دست او به نوشته نرسد.

(مسأله ۴۱۷) کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد ولی با غسل های دیگر نمی شود نماز خواند و باید وضو هم گرفت.

استحاضه

یکی از خون هایی که از زن خارج می شود خون استحاضه است و زن را در موقع دیدن خون، مستحاضه می گویند.

(مسأله ۴۱۸) خون استحاضه در بیش تر اوقات زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می آید و غلیظ هم نیست ولی ممکن است گاهی سیاه یا سرخ و گرم و غلیظ باشد و با فشار و سوزش بیرون آید.

(مسأله ۴۱۹) استحاضه سه قسم است:

۱- قلیله.

۲- متوسطه.

۳- کثیره.

استحاضه قلیله آن است که خون فقط روی پنبه را که زن داخل فرج می نماید آلوده کند و در آن فرو نرود؛ استحاضه متوسطه آن است که خون در پنبه فرو رود، اگر چه در یک گوشه آن باشد، ولی از پنبه به دستمالی که معمولاً زننها برای جلوگیری از خون می بندند نرسد؛ استحاضه کثیره آن است که خون پنبه را بگیرد و به دستمال هم برسد.

احکام استحاضه

(مسأله ۴۲۰) در استحاضه قلیله باید زن بر هر نماز یک وضو بگیرد و پنبه را عوض کند و ظاهر فرج را اگر خون به آن رسیده آب بکشد.

(مسأله ۴۲۱) در استحاضه متوسطه باید زن برای نماز صبح غسل کند و تا صبح دیگر برای نمازهای خود، کارهای استحاضه قلیله را که در مسأله پیش گفته شد انجام دهد.

اگر عمداً یا از روی فراموشی برای نماز صبح غسل نکند، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر برای نماز ظهر و عصر غسل نکند، باید پیش از

نماز مغرب و عشا غسل نماید؛ چه آن که خون بیاید یا قطع شده باشد.

(مسأله ۴۲۲) در استحاضه کثیره علاوه بر کارهای استحاضه متوسطه که در مسأله پیش گفته شد، باید برای هر نماز دستمال را عوض کند، یا آب بکشد و یک غسل برای نماز ظهر و عصر و یکی برای نماز مغرب و عشا به جا آورد و بین نماز ظهر و عصر فاصله نیندازد، و اگر فاصله بیندازد، باید برای نماز عصر دوباره غسل کند و نیز اگر بین نماز مغرب و عشا فاصله بیندازد باید برای نماز عشا دوباره غسل نماید.

(مسأله ۴۲۳) اگر خون استحاضه پیش از وقت نماز هم بیاید چنانچه زن برای آن خون، وضو و غسل به جا نیاورده باشد باید در موقع نماز وضو و غسل را به جا بیاورد.

(مسأله ۴۲۴) مستحاضه متوسطه و کثیره که باید وضو بگیرد و غسل کند هر کدام را اول به جا آورد صحیح است، ولی بهتر آن است که اول وضو بگیرد.

(مسأله ۴۲۵) اگر استحاضه قلیله زن بعد از نماز صبح متوسطه شود، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر بعد از نماز ظهر و عصر متوسطه شود باید برای نماز مغرب و عشا غسل نماید.

(مسأله ۴۲۶) اگر استحاضه قلیله یا متوسطه زن بعد از نماز صبح کثیره شود باید برای نماز ظهر و عصر یک غسل و برای نماز مغرب و عشا غسل دیگری به جا آورد و اگر بعد از نماز ظهر و

عصر کثیره شود، باید برای نماز مغرب و عشا غسل نماید.

(مسأله ۴۲۷) مستحاضه کثیره یا متوسطه اگر پیش از داخل شدن وقت نماز برای نماز غسل کند غسل او باطل است. ولی اگر نزدیک اذان صبح برای نماز شب غسل کند و نماز شب را بخواند و همین که وقت داخل شد، فوراً نماز صبح را بخواند اشکال ندارد.

(مسأله ۴۲۸) زن مستحاضه برای هر نمازی چه واجب و چه مستحب، باید وضو بگیرد و نیز اگر بخواند نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند، یا بخواند نمازی را که تنها خوانده است دوباره با جماعت بخواند، باید تمام کارهایی را که برای استحاضه گفته شد انجام دهد. ولی برای خواندن نماز احتیاط و سجده فراموش شده و تشهد فراموش شده و سجده سهو، اگر آنها را بعد از نماز فوراً به جا آورد، لازم نیست کارهای استحاضه را انجام دهد.

(مسأله ۴۲۹) زن مستحاضه بعد از آن که خونش قطع شد فقط برای نماز اولی که می خواند باید کارهای استحاضه را انجام دهد و برای نمازهای بعد لازم نیست.

(مسأله ۴۳۰) اگر زن نداند استحاضه او چه قسم است، موقعی که می خواهد نماز بخواند، باید مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد و بعد از آن که فهمید استحاضه او کدام یک از آن سه قسم است کارهایی را که برای آن قسم دستور داده شده انجام دهد. ولی اگر بداند تا وقتی که می خواهد

نماز بخواند استحاضه او تغییر نمی کند پیش از داخل شدن وقت هم می تواند خود را واریسی نماید .

(مسأله ۴۳۱) زن مستحاضه اگر پیش از آن که خود را واریسی کند ، مشغول نماز شود ، چنانچه قصد قربت داشته و به وظیفه خود عمل کرده مثلاً- استحاضه اش قلیله بوده و به وظیفه استحاضه قلیله عمل نموده ، نماز او صحیح است و اگر قصد قربت نداشته یا عمل او مطابق وظیفه اش نبوده مثل آن که استحاضه او متوسطه بوده و به وظیفه قلیله رفتار کرده ، نماز او باطل است .

(مسأله ۴۳۲) زن مستحاضه اگر نتواند خود را واریسی نماید ، باید به آنچه مسلماً وظیفه اوست عمل کند ، مثلاً اگر نمی داند استحاضه او قلیله است یا متوسطه باید کارهای استحاضه قلیله را انجام دهد و اگر نمی داند متوسطه است یا کثیره باید کارهای استحاضه متوسطه را انجام دهد ولی اگر بداند سابقاً کدام یک از آن سه قسم بوده ، باید به وظیفه همان قسم رفتار نماید .

(مسأله ۴۳۳) اگر خون استحاضه در باطن باشد و بیرون نیاید ، وضو و غسل باطل نمی شود . و اگر بیرون بیاید هر چند کم باشد وضو و غسل را باطل می کند .

(مسأله ۴۳۴) زن مستحاضه اگر بعد از نماز خود را واریسی کند و خون نبیند اگر چه بداند دوباره خون می آید ، با وضویی که دارد می تواند نماز بخواند .

(مسأله ۴۳۵) زن مستحاضه اگر بداند از وقتی که مشغول وضو یا غسل شده خونی

از او بیرون نیامده ، می تواند خواندن نماز را تا وقتی که می داند پاک می ماند تأخیر بیندازد .

(مسأله ۴۳۶) اگر مستحاضه بداند که پیش از گذشتن وقت نماز به کَلّی پاک می شود ، یا به اندازه خواندن نماز خون بند می آید ، باید صبر کند و نماز را در وقتی که پاک است بخواند .

(مسأله ۴۳۷) اگر بعد از وضو و غسل ، خون در ظاهر قطع شود و مستحاضه بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد ، به مقداری که وضو و غسل و نماز را به جا آورد به کَلّی پاک می شود ، باید نماز را تأخیر بیندازد و موقعی که به کَلّی پاک شده دوباره وضو و غسل را به جا آورد و نماز را بخواند . و اگر وقت نماز تنگ شد ، لازم نیست وضو و غسل را دوباره به جا آورد ، بلکه با وضو و غسلی که دارد می تواند نماز بخواند .

(مسأله ۴۳۸) مستحاضه کثیره و متوسطه وقتی به کَلّی از خون پاک شد باید غسل کند ، ولی اگر بداند از وقتی که برای نماز پیش مشغول شده دیگر خون نیامده لازم نیست دوباره غسل نماید .

(مسأله ۴۳۹) مستحاضه قلیله بعد از وضو و مستحاضه کثیره و متوسطه بعد از غسل و وضو ، باید فوراً مشغول نماز شود ولی گفتن اذان و اقامه و خواندن دعاهای قبل از نماز اشکال ندارد . و در نماز هم می تواند کارهای مستحبّ مثل قنوت و غیر آن را به جا آورد .

(مسأله)

۴۴۰ (زن مستحاضه اگر بین غسل و نماز فاصله بیندازد ، باید دوباره غسل کند و بلافاصله مشغول نماز شود .

حیض

حیض خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رَجَمِ زنها خارج می شود . و زن را در موقع دیدن خون حیض حائض می گویند .

(مسأله ۴۶۰) خون حیض در بیش تر اوقات ، غلیظ و گرم و رنگ آن سیاه یا سرخ است و با فشار و کمی سوزش بیرون می آید .

(مسأله ۴۶۱) زن های سیّده بعد از تمام شدن شصت سال یائسه می شوند یعنی خون حیض نمی بینند و زن هایی که سیّده نیستند ، بعد از تمام شدن پنجاه سال یائسه می شوند .

(مسأله ۴۶۲) خونی که دختر پیش از تمام شدن نُه سال و زن بعد از یائسه شدن می بیند حیض نیست .

(مسأله ۴۶۳) زن حامله و زنی که شیر می دهد ، ممکن است حیض ببیند .

(مسأله ۴۶۴) دختری که نمی داند نُه سالش تمام شده یا نه ، اگر خونی ببیند که نشانه های حیض را نداشته باشد حیض نیست و اگر نشانه های حیض را داشته باشد ، حیض است و معلوم می شود نُه سال او تمام شده است .

(مسأله ۴۶۵) زنی که شکّ دارد یائسه شده یا نه ، اگر خونی ببیند و نداند حیض است یا نه ، باید بنا بگذارد که یائسه نشده است .

(مسأله ۴۶۶) مدّت حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نمی شود ، و اگر

مختصری هم از سه روز کمتر باشد حیض نیست .

(مسأله ۴۶۷) باید سه روز اول حیض پشت سر هم باشد پس اگر مثلاً دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند حیض نیست .

(مسأله ۴۶۸) لازم نیست در تمام روز خون بیرون بیاید بلکه اگر در فرج یا رجم ، خون باشد کافی است ، و چنانچه در بین سه روز مختصری پاک شود و مدت پاک شدن ، به قدری کم باشد که بگویند در تمام سه روز در فرج یا رجم خون بوده ، باز هم حیض است .

(مسأله ۴۶۹) لازم نیست شب اول و شب چهارم را خون ببیند ، ولی باید در شب دوم و سوم خون قطع نشود ، پس اگر از اذان صبح روز اول تا غروب روز سوم پشت سر هم خون بیاید ، یا در وسط های روز اول شروع شود و در همان موقع از روز چهارم قطع شود و در شب دوم و سوم ، هم هیچ خون قطع نشود ، حیض است .

(مسأله ۴۷۰) اگر سه روز پشت سر هم خون ببیند و پاک شود ، چنانچه دوباره خون ببیند و روزهایی که خون دیده و روزهایی در وسط پاک بوده روی هم از ده روز بیش تر نشود روزهایی هم که در وسط پاک بوده حیض است .

(مسأله ۴۷۱) اگر خونی ببیند که از سه روز بیش تر و از ده روز کمتر باشد و نداند خون دمل و زخم است یا خون حیض ، باید آن

را حیض قرار دهد .

(مسأله ۴۷۲) اگر خونی ببیند که نداند خون زخم است یا حیض بنا بر احتیاط واجب ، باید عبادت های خود را به جا آورد و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند .

(مسأله ۴۷۳) اگر خونی ببیند و شک کند که خون حیض است یا نفاس ، چنانچه شرایط حیض را داشته باشد ، باید حیض قرار دهد .

(مسأله ۴۷۴) اگر خونی ببیند که نداند خون حیض است یا بکارت ، باید خود را واریسی کند ، یعنی مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند ، بعد بیرون آورد پس اگر اطراف آن آلوده باشد ، خون بکارت است و اگر به همه آن رسیده ، حیض می باشد .

(مسأله ۴۷۵) اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود و بعد سه روز خون ببیند ، خون دوم حیض است و خون اول اگر چه در روزهای عادتش باشد ، حیض نیست .

احکام حائض

(مسأله ۴۷۶) چند چیز بر حائض حرام است :

(اول) عبادت هایی که وضو و غسل و تیمم برای آنها باید به جا آورد مانند نماز ؛ ولی به جا آوردن عبادت هایی که وضو و غسل و تیمم برای آنها لازم نیست ، مانند نماز میت مانعی ندارد .

(دوم) تمام چیزهایی که بر جنب حرام است و در احکام جنابت گفته شد .

(سوم) جماع کردن در فرج ، که هم برای مرد حرام است و هم برای زن ، اگر چه به مقدار ختنه گاه داخل

شود و منی هم بیرون نیاید ، بلکه احتیاط واجب آن است که مقدار کمتر از ختنه گاه را هم داخل نکنند و در دُبُرِ زَنِ حائض هم وطی ننمایند .

(مسأله ۴۷۷) جماع کردن در روزهایی هم که حیض زن قطعی نیست ولی شرعاً باید برای خود حیض قرار دهد حرام است . پس از زنی که بیشتر از ده روز خون می بیند و باید به دستوری که بعداً گفته می شود روزهای عادت خویشان خود را حیض قرار دهد ، شوهرش نمی تواند در آن روزها با او نزدیکی نماید .

(مسأله ۴۷۸) اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسمت تقسیم شود و مرد در قسمت اوّل آن با زن خود در قُبُل جماع کند ، باید هیچده نخود طلا کفّاره به فقیر بدهد و اگر در قسمت دوّم جماع کند ، نُه نخود و اگر در قسمت سوّم جماع کند ، باید چهار نخود و نیم بدهد ، مثلاً زنی که شش روز خون حیض می بیند ، اگر شوهرش در شب یا روز اوّل و دوّم با او جماع کند ، باید هیچده نخود طلا بدهد و در شب یا روز سوّم و چهارم نُه نخود و در شب یا روز پنجم و ششم باید چهار نخود و نیم بدهد .

(مسأله ۴۷۹) بنا بر احتیاط واجب برای وطی در دُبُرِ زَنِ حائض هم باید کفّاره بدهد .

(مسأله ۴۸۰) غیر از نزدیکی کردن با زن حائض سایر استمتاعات مانند بوسیدن و ملاحظه نمودن مانعی ندارد .

(مسأله ۴۸۱) احتیاط واجب آن است که

هیجده نخود ، طلای کفّاره را سکه دار بدهد و اگر ممکن نباشد ، قیمت آن را هم می توان داد .

(مسأله ۴۸۲) اگر قیمت طلا در وقتی که جماع کرده ، یا وقتی که می خواهد به فقیر بدهد فرق کرده باشد ، باید قیمت وقتی را که می خواهد به فقیر بدهد حساب کند .

(مسأله ۴۸۳) اگر کسی هم در قسمت اوّل و هم در قسمت دوّم و هم در قسمت سوّم حیض با زن خود جماع کند ، باید هر سه کفّاره را که روی هم سی و یک نخود و نیم می شود بدهد .

(مسأله ۴۸۴) اگر انسان بعد از آن که در حال حیض جماع کرده و کفّاره آن را داده دوباره جماع کند واجب است باز هم کفّاره بدهد .

(مسأله ۴۸۵) اگر با زن حائض چند مرتبه جماع کند و در بین آنها کفّاره ندهد ، احتیاط واجب آن است که برای هر جماع یک کفّاره بدهد .

(مسأله ۴۸۶) اگر مرد در حال جماع بفهمد زن حائض شده باید فوراً از او جدا شود و اگر جدا نشود باید کفّاره بدهد .

(مسأله ۴۸۷) اگر مرد با زن حائض زنا کند یا با زن نامحرمی به گمان این که عیال خود او است جماع نماید ، احتیاط واجب آن است که کفّاره بدهد .

(مسأله ۴۸۸) کسی که نمی تواند کفّاره بدهد ، بنا بر احتیاط واجب باید استغفار کند ، و هر وقت توانست باید کفّاره را بدهد .

(مسأله ۴۸۹) طلاق دادن زن در حال

حیض ، به طوری که در احکام طلاق گفته می شود باطل است .

(مسأله ۴۹۰) اگر زن بگوید : حائظم ، یا از حیض پاک شده ام باید حرف او را قبول کرد .

(مسأله ۴۹۱) اگر زن در بین نماز حائض شود ، نماز او باطل است .

(مسأله ۴۹۲) اگر زن در بین نماز شك کند که حائض شده یا نه نماز او صحیح است . ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز حائض شده ، نمازی که خوانده باطل است .

(مسأله ۴۹۳) کسی که از روی نادانی یا فراموشی با زن در حال حائض بودن نزدیکی کند کفاره ندارد .

(مسأله ۴۹۴) اگر مرد به اعتقاد این که زن در حال حیض است با او نزدیکی کند و بعداً معلوم شود که حائض نبوده کفاره ندارد .

(مسأله ۴۹۵) بعد از آن که زن از خون حیض پاک شد واجب است برای نماز و عبادت های دیگری که باید با وضو یا غسل یا تیمم به جا آورده شود ، غسل کند . و دستور آن مثل غسل جنابت است . ولی برای نماز باید پیش از غسل یا بعد از آن وضو هم بگیرد . و اگر پیش از غسل وضو بگیرد بهتر است .

(مسأله ۴۹۶) بعد از آن که زن از خون حیض پاک شد ، اگر چه غسل نکرده باشد ، طلاق او صحیح است و شوهرش هم می تواند با او جماع کند ، ولی احتیاطاً مستحب آن است که پیش از غسل از نزدیکی کردن با

او خودداری نماید . اما کارهای دیگری که در وقت حیض بر او حرام بوده مانند توقّف در مسجد و مسّ خطّ قرآن ، تا غسل نکند بر او حلال نمی شود .

(مسأله ۴۹۷) اگر آب برای وضو و غسل کافی نباشد و به اندازه ای باشد که بتواند یا غسل کند یا وضو بگیرد ، باید غسل کند و بدل از وضو تیمّم نماید . و اگر فقط برای وضو کافی باشد و به اندازه غسل نباشد ، باید وضو بگیرد و عوض غسل تیمّم نماید و اگر برای هیچ یک از آنها آب ندارد ، باید دو تیمّم کند یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو .

(مسأله ۴۹۸) نمازهای یومیّه ای که زن در حال حیض نخوانده ، قضا ندارد ولی روزه های واجب را باید قضا نماید .

(مسأله ۴۹۹) هر گاه وقت نماز داخل شود و بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد حائض می شود ، باید فوراً نماز بخواند .

(مسأله ۵۰۰) اگر زن حائض نماز را تأخیر بیندازد و از اوّل وقت نماز به اندازه خواندن یک نماز بگذرد و حائض شود قضای آن نماز بر او واجب است ولی در تند خواندن و کند خواندن و چیزهای دیگر ، باید ملاحظه حال خود را بکند مثلاً زنی که مسافر نیست اگر در اوّل ظهر نماز نخواند قضای آن در صورتی واجب می شود که به مقدار خواندن چهار رکعت نماز به دستوری که گفته شد از اوّل ظهر بگذرد و حائض شود ، و برای کسی که مسافر است گذشتن

وقت به مقدار خواندن دو رکعت کافی است .

(مسأله ۵۰۱) اگر زن در آخر وقتِ نماز از خون پاک شود و به اندازه غسل و وضو و مقدمات دیگر نماز مانند تهیّه کردن لباس یا آب کشیدن آن و خواندن یک رکعت نماز یا بیش تر از یک رکعت وقت داشته باشد ، باید نماز را بخواند و اگر نخواند ، باید قضای آن را به جا آورد .

(مسأله ۵۰۲) اگر زن حائض به اندازه غسل و وضو وقت ندارد ، ولی می تواند با تیمّم نماز را در وقت بخواند آن نماز بر او واجب نیست ، امّا اگر گذشته از تنگی وقت تکلیفش تیمّم است ، مثل آن که آب برایش ضرر دارد ، باید تیمّم کند و آن نماز را بخواند .

(مسأله ۵۰۳) اگر زن حائض شكّ کند که برای نماز وقت دارد یا نه ، باید نمازش را بخواند .

(مسأله ۵۰۴) اگر به خیال این که به اندازه تهیّه مقدمات نماز و خواندن یک رکعت وقت ندارد ، نماز نخواند و بعد بفهمد وقت داشته ، باید قضای آن نماز را به جا آورد .

(مسأله ۵۰۵) مستحبّ است زن حائض در وقت نماز ، خود را از خون پاک نماید و پنبه و دستمال را عوض کند و وضو بگیرد و اگر نمی تواند وضو بگیرد ، تیمّم نماید و در جای نماز رو به قبله بنشیند و مشغول ذکر و دعا و صلوات شود .

(مسأله ۵۰۶) خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن به مابین

خط های قرآن و نیز خضاب کردن به حنا و مانند آن ، برای زن حائض مکروه است .

اقسام زن های حائض

(مسأله ۵۰۷) زن های حائض بر شش قسمند :

(اوّل) صاحب عادتِ وقتیه و عددیه ، و آن زنی است که دو ماه پشت سر هم در وقتِ معینِ خون حیض ببیند و شماره روزهای حیض او هم در هر دو ماه یک اندازه باشد ، مثل آن که دو ماه پشت سر هم از اوّل ماه تا هفتم خون ببیند .

(دوّم) صاحب عادتِ وقتیه و آن زنی است که دو ماه پشت سر هم در وقتِ معینِ خون حیض ببیند ولی شماره روزهای حیض او در هر دو ماه یک اندازه نباشد ، مثلاً دو ماه پشت سر هم از روز اوّل ماه خون ببیند ولی ماه اوّل روز هفتم و ماه دوّم روز هشتم از خون پاک شود .

(سوّم) صاحب عادتِ عددیه و آن زنی است که شماره روزهای حیض او دو ماه پشت سر هم به یک اندازه باشد ولی وقت دیدنِ آن دو خون یکی نباشد ، مثل آن که ماه اوّل از پنجم تا دهم و ماه دوّم از دوازدهم تا هفدهم خون ببیند .

(چهارم) مضطربه و آن زنی است که چند ماه خون دیده ولی عادتِ معینی پیدا نکرده ، یا عادتش به هم خورده و عادت تازه ای پیدا نکرده است .

(پنجم) مبتدئه و آن زنی است که دفعه اوّل خون دیدنِ اوست .

(ششم) ناسیه و آن زنی است که عادت خود را فراموش کرده است

. و هر کدام اینها احکامی دارند که در مسائل آینده گفته می شود .

۱- صاحب عادت وقتیّه و عددیّه

(مسأله ۵۰۸) زن هایی که عادت وقتیّه و عددیّه دارند سه دسته اند :

(اوّل) زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند و در وقت معین هم پاک شود ، مثلاً دو ماه پشت سر هم از روز اوّل ماه خون ببیند و روز هفتم پاک شود که عادت حیض این زن از اوّل ماه تا هفتم است .

(دوّم) زنی که از خون پاک نمی شود ولی دو ماه پشت سر هم چند روز معین مثلاً از اوّل تا هشتم خونی که می بیند نشانه های حیض را دارد ، یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش بیرون می آید ، و بقیّه خون های او نشانه های استحاضه را دارد ، که عادت او از اوّل ماه تا هشتم می شود .

(سوّم) زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند و بعد از آن که سه روز یا بیش تر خون دید یک روز یا بیش تر پاک شود و دوباره خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیش تر نشود و در هر دو ماه همه روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده روی هم یک اندازه باشد که عادت او به اندازه تمام روزهایی است که خون دیده و در وسط پاک بوده است ، و لازم نیست روزهایی که در

وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک اندازه باشد، مثلاً اگر در ماه اول از روز اول ماه تا سوم، خون ببیند و سه روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند و در ماه دوم بعد از آن که سه روز خون دید، سه روز یا کمتر یا بیش تر پاک شود و دوباره خون ببیند و روی هم از نه روز بیشتر نشود، همه حیض است و عادت این زن نه روز می شود.

(مسأله ۵۰۹) زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر در وقت عادت یا دو سه روز جلوتر یا دو سه روز عقب تر خون ببیند، به طوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته اگر چه آن خون نشانه های حیض را نداشته باشد، باید به احکامی که برای زن حائض گفته شد عمل کند. و چنانچه بعد بفهمد حیض نبوده مثل این که پیش از سه روز پاک شود باید عبادت هایی را که به جا نیاورده قضا نماید.

(مسأله ۵۱۰) زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد اگر چند روز پیش از عادت و همه روزهای عادت و چند روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیش تر نشود همه حیض است. و اگر از ده روز بیش تر شود، فقط خونی را که در روزهای عادت خود دیده، حیض است و خونی که پیش از آن و بعد از آن دیده استحاضه می باشد و باید عبادت هایی را که در

روزهای پیش از عادت و بعد از عادت به جا نیاورده قضا نماید و اگر همه روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیش تر نشود همه حیض است . و اگر از ده روز بیش تر شود ، فقط روزهای عادت او حیض است و خونی که جلوتر از آن دیده استحاضه می باشد و چنانچه در آن روزها عبادت نکرده باید قضا نماید . و اگر همه روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیش تر نشود همه حیض است و اگر بیش تر شود فقط روزهای عادت حیض و باقی استحاضه است .

(مسأله ۵۱۱) زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد اگر مقداری از روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیش تر نشود همه حیض است و اگر از ده روز بیش تر شود روزهایی که در عادت خون دیده با چند روز پیش از آن که روی هم به مقدار عادت او شود ، حیض و روزهای اوّل را استحاضه قرار می دهد . و اگر مقداری از روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیش تر نشود همه حیض است و اگر بیش تر شود ، باید روزهایی که در عادت خون دیده با چند روز بعد از آن که روی هم به مقدار عادت او شود ، حیض و بقیه را استحاضه قرار می دهد .

)

مسأله ۵۱۲) زنی که عادت دارد، اگر بعد از آن که سه روز یا بیش تر خون دید پاک شود و دوباره خون ببیند و فاصله بین دو خون کمتر از ده روز باشد و همه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیش تر باشد، مثل آن که پنج روز خون ببیند و پنج روز پاک شود و دوباره پنج روز خون ببیند، چند صورت دارد:

۱- آن که تمام خونی که دفعه اول دیده یا مقداری از آن، در روزهای عادت باشد و خون دوم که بعد از پاک می بیند در روزهای عادت نباشد که باید همه خون اول را حیض، و خون دوم را استحاضه قرار دهد.

۲- آن که خون اول در روزهای عادت نباشد، و تمام خون دوم یا مقداری از آن در روزهای عادت باشد که باید همه خون دوم را حیض، و خون اول را استحاضه قرار دهد.

۳- آن که مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادت باشد و خون اولی که در روزهای عادت بوده از سه روز کمتر نباشد و با پاکی وسط و مقداری از خون دوم که آن هم در روزهای عادت بوده از ده روز بیش تر نباشد، که در این صورت همه آنها حیض است و مقداری از خون اول که پیش از روزهای عادت بوده و مقداری از خون دوم که بعد از روزهای عادت بوده استحاضه است، مثلاً اگر عادتش از سوم ماه تا دهم بوده، در صورتی که

یک ماه از اوّل تا ششم خون ببیند و دو روز پاک شود و بعد تا پانزدهم خون ببیند ، از سوّم تا دهم حیض است و از اوّل تا سوّم و همچنین از دهم تا پانزدهم استحاضه می باشد .

۴- آن که مقداری از خون اوّل و دوّم در روزهای عادت باشد ولی خون اوّلی که در روزهای عادت بوده ، از سه روز کمتر باشد ، که باید در تمام دو خون و پاکی وسط کارهایی را که بر حائض حرام است و سابقاً گفته شد ترک کند و کارهای استحاضه را به جا آورد ، یعنی به دستوری که برای زن مستحاضه گفته شد عبادت های خود را انجام دهد .

(مسأله ۵۱۳) زنی که عادت وقتیّه و عددیّه دارد ، اگر در وقت عادت خون نبیند و در غیر آن وقت به شماره روزهای حیضش خون ببیند ، باید همان را حیض قرار دهد چه پیش از وقت عادت دیده باشد چه بعد از آن .

(مسأله ۵۱۴) زنی که عادت وقتیّه و عددیّه دارد اگر در وقت عادت خود خون ببیند ولی شماره روزهای آن کمتر یا بیشتر از روزهای عادت او باشد و بعد از پاک شدن دوباره به شماره روزهای عادتی که داشته خون ببیند باید در هر دو خون کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و کارهای استحاضه را به جا آورد .

(مسأله ۵۱۵) زنی که عادت وقتیّه و عددیّه دارد ، اگر بیش تر از ده روز خون ببیند ، خونی که در روزهای عادت دیده اگر چه نشانه های

حیض را نداشته باشد حیض است ، و خونی که بعد از روزهای عادت دیده اگر چه نشانه های حیض را داشته باشد استحاضه است مثلاً زنی که عادت حیض او از اوّل ماه تا هفتم است . اگر از اوّل تا دوازدهم خون ببیند ، هفت روز اوّل آن حیض و پنج روز بعد آن استحاضه می باشد .

۲- صاحب عادت وقتیّه

(مسأله ۵۱۶) زن هایی که عادت وقتیّه دارند سه دسته اند :

(اوّل) زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند و بعد از چند روز پاک شود ولی شماره روزهای آن در هر دو ماه یک اندازه نباشد ، مثلاً دو ماه پشت سر هم روز اوّل ماه خون ببیند ولی ماه اوّل روز هفتم و ماه دوّم روز هشتم از خون پاک شود ، که این زن باید روز اوّل ماه را عادت حیض خود قرار دهد .

(دوّم) زنی که از خون پاک نمی شود ولی دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون او نشانه های حیض را دارد یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش بیرون می آید و بقیّه خون های او نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خون او نشانه حیض دارد ، در هر دو ماه یک اندازه نیست . مثلاً در ماه اوّل از اوّل ماه تا هفتم و در ماه دوّم از اوّل ماه تا هشتم خون او نشانه های حیض و بقیّه نشانه استحاضه را داشته باشد ، که این زن هم باید روز اوّل ماه را

روز اول عادت حیض خود قرار دهد .

(سوّم) زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین سه روز یا بیش تر خون حیض ببیند و بعد پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیش تر نشود ولی ماه دوّم کمتر یا بیش تر از ماه اوّل باشد ، مثلاً در ماه اوّل هشت روز و در ماه دوّم نُه روز باشد که این زن هم باید روز اوّل ماه را روز اوّل عادت حیض خود قرار دهد .

(مسأله ۵۱۷) زنی که عادت وقتیه دارد ، اگر در وقت عادت خود یا دو سه روز پیش از عادت یا دو سه روز بعد از عادت خون ببیند به طوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته اگر چه آن خون نشانه های حیض را نداشته باشد ، باید به احکامی که برای زن های حائض گفته شد رفتار نماید . و اگر بعد بفهمد حیض نبوده ، مثل آن که پیش از سه روز پاک شود باید عبادت هایی را که به جا نیاورده قضا نماید .

(مسأله ۵۱۸) زنی که عادت وقتیه دارد ، اگر بیش تر از ده روز خون ببیند و نتواند حیض را به واسطه نشانه های آن تشخیص دهد ، باید شماره عادت خویشان خود را حیض قرار دهد چه پدری باشند چه مادری زنده باشند یا مرده ، ولی در صورتی می تواند عادت آنان را حیض خود قرار دهد که شماره روزهای حیض همه آنان

یک اندازه باشد؛ و اگر شماره روزهای حیض آنان یک اندازه نباشد، مثلاً عادت بعضی پنج روز و عادت بعضی دیگر هفت روز باشد نمی تواند عادت آنان را حیض خود قرار دهد، مگر کسانی که عادتشان با دیگران فرق دارد به قدری کم باشند که در مقابل آنان هیچ حساب شوند، که در این صورت باید عادت بیش تر آنان را حیض خود قرار دهد.

(مسأله ۵۱۹) زنی که عادت وقتیته دارد و شماره عادت خویشان خود را حیض قرار می دهد، باید روزی را که در هر ماه اول عادت او بوده، اول حیض خود قرار دهد، مثلاً زنی که هر ماه، روز اول ماه خون می دیده و گاهی روز هفتم و گاهی روز هشتم پاک می شده، چنانچه یک ماه دوازده روز خون ببیند و عادت خویشانش هفت روز باشد باید هفت روز اول ماه را حیض و باقی را استحاضه قرار دهد.

(مسأله ۵۲۰) زنی که باید شماره عادت خویشان خود را حیض قرار دهد. چنانچه خویش نداشته باشد، یا شماره عادت آنان مثل هم نباشد، باید در هر ماه از روزی که خون می بیند تا هفت روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد، ولی اگر در خون روزهای وسط یا آخر نشانه های حیض بیش تر باشد، باید هفت روز وسط یا آخر را حیض قرار دهد.

۳- صاحب عادت عددیه

(مسأله ۵۲۱) زن هایی که عادت عددیه دارند سه دسته اند:

(اول) زنی که شماره روزهای حیض

او در دو ماه پشت سر هم یک اندازه باشد ، ولی وقت خون دیدن او یکی نباشد که در این صورت هر چند روزی که خون دیده عادت او می شود مثلاً اگر ماه اول از روز اول تا پنجم و ماه دوم از یازدهم تا پانزدهم خون ببیند ، عادت او پنج روز می شود .

(دوم) زنی که از خون پاک نمی شود ولی دو ماه پشت سر هم چند روز از خونی که می بیند نشانه حیض و بقیه نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خون نشانه حیض دارد در هر دو ماه یک اندازه است ، اما وقت آن یکی نیست ، که در این صورت هر چند روزی که خون او نشانه حیض را دارد ، عادت او می شود ، مثلاً اگر یک ماه از اول ماه تا پنجم و ماه بعد از یازدهم تا پانزدهم خون او نشانه حیض و بقیه نشانه استحاضه را داشته باشد ، شماره روزهای عادت او پنج روز می شود .

(سوم) زنی که دو ماه پشت سر هم سه روز یا بیش تر خون ببیند و یک روز یا بیش تر پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و وقت دیدن خون ، در ماه اول یا ماه دوم فرق داشته باشد ، که اگر تمام روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیش تر نشود و شماره روزهای آن هم به یک اندازه باشد ، تمام روزهایی که خون دیده با روزهای وسط که پاک بوده عادت حیض او می

شود، و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک اندازه باشد. مثلاً اگر ماه اول از روز اول ماه تا سوم خون ببیند و دو روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند و ماه دوم از یازدهم تا سیزدهم خون ببیند و دو روز یا بیش تر یا کمتر پاک شود و دوباره خون ببیند و روی هم از هشت روز بیش تر نشود، عادت او هشت روز می شود.

(مسأله ۵۲۲) زنی که عادت عددیه دارد، اگر بیش تر از شماره عادت خود خون ببیند و از ده روز بیشتر شود چنانچه همه خون هایی که دیده یک جور باشد، باید از موقع دیدن خون به شماره روزهای عادتش حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر همه خون هایی که دیده یک جور نباشد، بلکه چند روز از آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد، اگر روزهایی که خون نشانه حیض را دارد با شماره روزهای عادت او یک اندازه است، باید همان روزها را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد از روزهای عادت او بیش تر است، فقط به اندازه روزهای عادت او حیض، و بقیه استحاضه است. و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد، از روزهای عادت او کمتر است، باید آن روزها را با چند روز دیگر که روی هم به اندازه روزهای عادتش شود، حیض و بقیه را

۴- مضطربه

(مسأله ۵۲۳) مضطربه یعنی زنی که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده ، یا عادتش به هم خورده و عادت دیگری پیدا نکرده است ، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خون هایی که دیده یک جور باشد ، چنانچه عادت خویشان او هفت روز است باید هفت روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد ، و اگر کمتر است مثلاً پنج روز است باید همان را حیض قرار دهد ، و بنا بر احتیاط واجب ، در تفاوت بین شماره عادت آنان و هفت روز که دو روز است کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نماید و کارهای استحاضه را به جا آورد ، یعنی به دستوری که برای زن مستحاضه گفته شد عبادت های خود را انجام دهد ، و اگر عادت خویشانش بیش تر از هفت روز مثلاً نه روز است ، باید هفت روز را حیض قرار دهد و بنا بر احتیاط واجب در تفاوت بین هفت روز و عادت آنان که دو روز است ، کارهای استحاضه را به جا آورد و کارهایی که بر حائض حرام است ترک نماید .

(مسأله ۵۲۴) مضطربه اگر بیش تر از ده روز خون ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه دارد ، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز یا بیش تر از ده روز باشد ، باید به دستوری که در مسأله قبل گفته شد رفتار نماید ، و اگر خونی که نشانه حیض دارد

کمتر از سه روز و بیش تر از ده روز نباشد همه آن حیض است ولی اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد دوباره خون ببیند که آن هم نشانه حیض را داشته باشد ، مثل آن که پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند ، باید به دستوری که در مسأله قبل گفته شد رفتار نماید .

۵- مبتدئه

(مسأله ۵۲۵) مبتدئه یعنی زنی که دفعه اول خون دیدن اوست ، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خون هایی که دیده یک جور باشد ، باید عادت خویشان خود را به طوری که در وقتیه گفته شد حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد .

(مسأله ۵۲۶) مبتدئه اگر بیش تر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد ، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیش تر از ده روز نباشد ، همه آن حیض است ولی اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد دوباره خون ببیند که آن هم نشانه خون حیض داشته باشد ، مثل آن که پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند ، باید عادت خویشان خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد .

(مسأله ۵۲۷) مبتدئه اگر بیش تر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر آن نشانه استحاضه

داشته باشد ، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد از سه روز کمتر یا از ده روز بیش تر باشد ، باید عادت خویشان خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد .

۶- ناسیه

(مسأله ۵۲۸) ناسیه یعنی زنی که عادت خود را فراموش کرده است ، اگر بیش تر از ده روز خون ببیند باید روزهایی که خون او نشانه حیض را دارد ، حیض قرار دهد و اگر نتواند حیض را به واسطه نشانه های آن تشخیص دهد باید هفت روز اول را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد .

مسائل متفرقه حیض

(مسأله ۵۲۹) مبتدئه و مضطربه و ناسیه و زنی که عادت عددیه دارد ، اگر خونی ببیند که نشانه های حیض داشته باشد ، یا یقین کنند که سه روز طول می کشد ، باید عبادت را ترک کنند و چنانچه بعد بفهمند حیض نبوده باید عبادت هایی را که به جا نیاورده اند قضا نمایند ، ولی اگر یقین نکنند که تا سه روز طول می کشد و نشانه های حیض را هم نداشته باشد ، بنا بر احتیاط واجب باید تا سه روز کارهای استحاضه را به جا آورند و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نمایند و چنانچه پیش از سه روز پاک نشدند ، باید آن را حیض قرار دهند .

(مسأله ۵۳۰) زنی که در حیض عادت دارد ، چه در وقت حیض عادت داشته باشد چه در عدد حیض یا هم در وقت و هم در عدد آن ، اگر دو ماه پشت سر هم بر خلاف عادت خود خونی ببیند که وقت آن یا شماره روزهای آن ، یا هم وقت و هم شماره روزهای آن یکی باشد عادتش بر می گردد به آنچه در این دو ماه دیده است مثلاً اگر

از روز اول ماه تا هفتم خون می دیده و پاک می شده چنانچه دو ماه از دهم تا هفدهم ماه خون ببیند و پاک شود ، از دهم تا هفدهم عادت او می شود .

(مسأله ۵۳۱) مقصود از یک ماه ، از ابتدای خون دیدن است تا سی روز نه از روز اول ماه تا آخر ماه .

(مسأله ۵۳۲) زنی که معمولاً ماهی یک مرتبه خون می بیند اگر در یک ماه دو مرتبه خون ببیند و آن خون نشانه های حیض را داشته باشد ، چنانچه روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز کمتر نباشد ، باید هر دو را حیض قرار دهد .

(مسأله ۵۳۳) اگر سه روز یا بیش تر خونی ببیند که نشانه حیض را دارد ، بعد ده روز یا بیش تر خونی ببیند که نشانه استحاضه را دارد و دوباره سه روز خونی به نشانه های حیض ببیند باید خون اول و خون آخر را که نشانه های حیض داشته حیض قرار دهد .

(مسأله ۵۳۴) اگر زن پیش از ده روز پاک شود و بداند که در باطن خون نیست باید برای عبادت های خود غسل کند اگر چه گمان داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند ، ولی اگر یقین داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند نباید غسل کند .

(مسأله ۵۳۵) اگر زن پیش از ده روز پاک شود ، و احتمال دهد که در باطن خون است ، باید قدری پنبه داخل

فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد، پس اگر پاک بود غسل کند و عبادت های خود را به جا آورد و اگر پاک نبود اگر چه به آب زرد رنگی هم آلوده باشد، چنانچه در حیض عادت ندارد، یا عادت او ده روز است، باید صبر کند که اگر پیش از ده روز پاک شد، غسل کند و اگر سر ده روز پاک شد، یا خون او از ده روز گذشت سر ده روز غسل نماید و اگر عادتش کمتر از ده روز است، در صورتی که بداند پیش از تمام شدن ده روز یا سر ده روز پاک می شود، نباید غسل کند. و اگر احتمال دهد خون او از ده روز می گذرد احتیاط واجب آن است که تا دو روز عبادت را ترک کند و بعد از دو روز تا روز دهم کارهای استحاضه را به جا آورد و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نماید، پس اگر پیش از تمام شدن ده روز یا سر ده روز از خون پاک شد، تمامش حیض است و اگر از ده روز گذشت، باید عادت خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و عبادت هایی را که بعد از روزهای عادت به جا نیاورده قضا نماید.

(مسأله ۵۳۶) اگر چند روز را حیض قرار دهد و عبادت نکند، بعد بفهمد حیض نبوده است، باید نماز و روزه ای را که در آن روزها به جا نیاورده قضا نماید. و اگر چند

روز را به گمان این که حیض نیست عبادت کند ، بعد بفهمد حیض بوده ، چنانچه آن روزها را روزه گرفته باید قضا نماید .

نفاس

(مسأله ۵۳۷) از وقتی که اولین جزء بچه از شکم مادر بیرون می آید ، هر خونی که زن می بیند ، اگر پیش از ده روز یا سر ده روز قطع شود ، خون نفاس است . و زن را در حال نفاس نُفَسَاء می گویند .

(مسأله ۵۳۸) خونی که زن پیش از بیرون آمدن اولین جزء بچه می بیند نفاس نیست .

(مسأله ۵۳۹) لازم نیست که خلقت بچه تمام باشد ، بلکه اگر خون بسته ای هم از رَجَم زن خارج شود و خود زن بداند یا چهار نفر قابله بگویند ، که اگر در رَجَم می ماند انسان می شد خونی که تا ده روز ببیند خون نفاس است .

(مسأله ۵۴۰) ممکن است خون نفاس یک آن بیش تر نباشد ولی بیش تر از ده روز نمی شود .

(مسأله ۵۴۱) هر گاه شک کند که چیزی سِتَقَط شده یا نه ، یا چیزی که سِتَقَط شده اگر می ماند انسان می شد یا نه ، لازم نیست واریسی کند ، و خونی که از او خارج می شود شرعاً خون نفاس نیست .

(مسأله ۵۴۲) توقّف در مسجد و رساندن جایی از بدن به خط قرآن و کارهای دیگری که بر حائض حرام است ، بر نُفَسَاء هم حرام است . و آنچه بر حائض واجب و مستحبّ و مکروه است ، بر نُفَسَاء هم

واجب و مستحبّ و مکروه است .

(مسأله ۵۴۳) طلاق دادن زنی که در حال نفاس است و نزدیکی کردن با او حرام می باشد . و اگر شوهرش با او نزدیکی کند ، احتیاط مستحبّ آن است به دستوری که در احکام حیض گفته شد کفّاره بدهد .

(مسأله ۵۴۴) وقتی زن از خون نفاس پاک شد ، باید غسل کند و عبادت های خود را به جا آورد . و اگر دوباره خون ببیند ، چنانچه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده ، روی هم ده روز یا کمتر از ده روز باشد ، تمام آن نفاس است و اگر روزهایی که پاک بوده روزه گرفته باشد باید قضا نماید .

(مسأله ۵۴۵) اگر زن از خون نفاس پاک شود و احتمال دهد که در باطن خون هست ، باید مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند که اگر پاک است ، برای عبادت های خود غسل کند .

(مسأله ۵۴۶) اگر خون نفاس زن از ده روز بگذرد ، چنانچه در حیض عادت دارد ، به اندازه روزهای عادت او نفاس و بقیه استحاضه است . و اگر عادت ندارد ، تا ده روز نفاس و بقیه استحاضه می باشد ، و احتیاط مستحبّ آن است کسی که عادت دارد از روز بعد از عادت و کسی که عادت ندارد بعد از دوازدهم تا روز هجدهم زایمان ، کارهای استحاضه را به جا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است ترک کند .

(مسأله ۵۴۷) زنی که عادت

حیضش کمتر از ده روز است ، اگر بیش تر از روزهای عادتش خون نفاس ببیند ، باید به اندازه روزهای عادت خود نفاس قرار دهد و بعد از آن بنا بر احتیاط واجب تا دو روز عبادت را ترک نماید و بعد از دو روز تا روز دهم کارهای استحاضه را به جا آورد و کارهایی را که بر نفَساء حرام است ترک نماید و اگر از ده روز بگذرد ، استحاضه است و باید روزهای بعد از عادت تا روز دهم را هم استحاضه قرار دهد و عبادت هایی را که در آن روزها به جا نیاورده قضا نماید . مثلاً زنی که عادت او شش روز بوده اگر بیش تر از شش روز خون ببیند ، باید شش روز را نفاس قرار دهد و بنا بر احتیاط واجب در روز هفتم و هشتم عبادت را ترک کند و در روز نهم و دهم کارهای استحاضه را به جا آورد و کارهایی را که بر نفَساء حرام است ترک نماید و اگر بیش تر از ده روز خون دید ، از روز بعد از عادت او استحاضه می باشد .

(مسأله ۵۴۸) زنی که در حیض عادت دارد ، اگر بعد از زائیدن ، تا یک ماه یا بیش تر از یک ماه پی در پی خون ببیند ، به اندازه روزهای عادت او نفاس است و ده روز از خونی که بعد از نفاس می بیند اگر چه در روزهای عادت ماهانه اش باشد ، استحاضه است ، مثلاً زنی که عادت حیض او از بیستم هر ماه تا بیست و

هفتم آن است ، اگر روز دهم ماه زایید و تا یک ماه یا بیشتر پی در پی خون دید ، تا روز هفدهم نفاس و از روز هفدهم تا ده روز حتی خونی که در روزهای عادت خود که از بیستم تا بیست و هفتم است می بیند ، استحاضه می باشد و بعد از گذشتن ده روز ، اگر خونی را که می بیند در روزهای عادتش باشد ، حیض است چه نشانه های حیض را داشته باشد یا نداشته باشد و همچنین است اگر در روزهای عادتش نباشد ولی نشانه های حیض را داشته باشد ، اما اگر خونی که بعد از گذشتن ده روز از نفاس می بیند ، در روزهای عادت حیض او نباشد و نشانه های حیض را هم نداشته باشد استحاضه است .

(مسأله ۵۴۹) زنی که در حیض عادت ندارد ، اگر بعد از زایمان تا یک ماه یا بیش تر از یک ماه خون ببیند ، ده روز اول آن نفاس و ده روز دوم آن استحاضه است . و خونی که بعد از آن می بیند ، اگر نشانه حیض را داشته باشد حیض و گرنه آن هم استحاضه می باشد .

غسل مسّ مَیّت

(مسأله ۵۵۰) اگر کسی بدن انسان مرده ای را که سرد شده و غسلش نداده اند مسّ کند یعنی جایی از بدن خود را به آن برساند باید غسل مسّ مَیّت نماید چه در خواب مسّ کند چه در بیداری با اختیار کند یا بی اختیار حتی اگر ناخن و استخوان او به ناخن و استخوان مَیّت برسد باید غسل کند ،

ولی اگر حیوان مرده ای را مسّ کند غسل بر او واجب نیست .

(مسأله ۵۵۱) برای مسّ مرده ای که تمام بدن او سرد نشده ، غسل واجب نیست اگر چه جایی را که سرد شده مسّ نماید .

(مسأله ۵۵۲) اگر موی خود را به بدن میّت برساند یا بدن خود را به موی میّت یا موی خود را به موی میّت برساند ، احتیاط واجب آن است که غسل کند .

(مسأله ۵۵۳) برای مسّ بچّه مرده ، حتّی بچّه سقط شده ای که چهار ماه او تمام شده غسل مسّ میّت واجب است . بلکه بنا بر احتیاط واجب برای مسّ بچّه سقط شده ای که از چهار ماه کمتر دارد باید غسل کرد ، بنابراین اگر بچّه چهار ماهه ای مرده به دنیا بیاید ، مادر او باید غسل مسّ میّت کند ، بلکه اگر از چهار ماه کمتر هم داشته باشد ، بنا بر احتیاط واجب باید مادر او غسل کند .

(مسأله ۵۵۴) بچّه ای که بعد از مردن مادر به دنیا می آید ، وقتی بالغ شد واجب است غسل مسّ میّت کند .

(مسأله ۵۵۵) اگر انسان میّتی را که سه غسل او کاملاً تمام شده مسّ نماید ، غسل بر او واجب نمی شود ولی اگر پیش از آن که غسل سوّم تمام شود جایی از بدن او را مسّ کند اگر چه غسل سوّم آن جا تمام شده باشد ، باید غسل مسّ میّت نماید .

(مسأله ۵۵۶) اگر دیوانه یا بچّه نابالغی میّت را مسّ کند ،

بعد از آن که آن دیوانه عاقل یا بیچه بالغ شد باید غسل مسّ میّت نماید .

(مسأله ۵۵۷) اگر از بدن زنده یا مرده ای که غسلش نداده اند ، قسمتی که دارای استخوان است جدا شود و پیش از آن که قسمت جدا شده را غسل دهند ، انسان آن را مسّ نماید ، باید غسل مسّ میّت کند ، ولی اگر قسمتی که جدا شده ، استخوان نداشته باشد ، برای مسّ آن غسل واجب نیست .

(مسأله ۵۵۸) برای مسّ استخوانی که گوشت ندارد و آن را غسل نداده اند ، چه از مرده جدا شده باشد چه از زنده ، بنا بر احتیاط واجب باید غسل کرد . و همچنین است برای مسّ دندانانی که از مرده جدا شده در صورتی که آن مرده را غسل نداده باشند ولی برای مسّ دندانانی که از زنده جدا شده و گوشت ندارد ، یا گوشت آن خیلی کم است غسل واجب نیست .

(مسأله ۵۵۹) غسل مسّ میّت را باید مثل غسل جنابت انجام دهند ولی کسی که غسل مسّ میّت کرده ، اگر بخواهد نماز بخواند باید وضو بگیرد .

(مسأله ۵۶۰) اگر چند میّت را مسّ کند یا یک میّت را چند بار مسّ نماید ، یک غسل کافی است .

(مسأله ۵۶۱) برای کسی که بعد از مسّ میّت غسل نکرده است ، توقّف در مسجد و جماع و خواندن سوره هایی که سجده واجب دارد مانعی ندارد ولی برای نماز و مانند آن بنا بر احتیاط واجب باید غسل کند و وضو

هم بگیرد .

احکام محتضر

(مسأله ۵۶۲) مسلمانی را که محتضر است یعنی در حال جان دادن می باشد ، مرد باشد یا زن ، بزرگ باشد یا کوچک ، باید به پشت بخوابانند ، به طوری که کف پاهایش به طرف قبله باشد و اگر خواباندن او کاملاً به این طور ممکن نیست ، تا اندازه ای که ممکن است باید به این دستور عمل کنند و چنانچه خواباندن او به هیچ قسم ممکن نباشد ، باید او را رو به قبله بنشانند و اگر آن هم نشود ، باید او را به پهلوئی راست یا به پهلوئی چپ رو به قبله بخوابانند .

(مسأله ۵۶۳) احتیاط واجب آن است که تا وقتی غسل میت تمام نشده ، او را رو به قبله بخوابانند ولی بعد از آن که غسلش تمام شد ، بهتر است او را مثل حالتی که بر او نماز می خوانند بخوابانند .

(مسأله ۵۶۴) رو به قبله کردن محتضر بر هر مسلمانی واجب است و اجازه گرفتن از ولی او لازم نیست .

(مسأله ۵۶۵) مستحب است شهادتین و اقرار به دوازده امام (علیهم السلام) و سایر عقاید حقّه را ، به کسی که در حال جان دادن است ، طوری تلقین کنند که بفهمد و نیز مستحب است چیزهایی را که گفته شد ، تا وقت مرگ تکرار کنند .

(مسأله ۵۶۶) مستحب است این دعاها را طوری به محتضر تلقین کنند که بفهمد :

(اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعَاصِيكَ وَأَقْبَلْ مِنِّي الْيُسْرَ مِنْ طَاعَتِكَ يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيُسْرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ إِقْبَلْ

مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الْعُفُورَ اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي فَإِنَّكَ رَحِيمٌ)

(مسأله ۵۶۷) مستحب است کسی را که سخت جان می دهد اگر ناراحت نمی شود ، به جایی که نماز می خواند ببرند .

(مسأله ۵۶۸) مستحب است برای راحت شدن محتضر بر بالین او ، سوره مبارکه و الصافات یس و اخزاب و آیه الکرسی و آیه پنجاه و چهارم از سوره اعراف و سه آیه آخر سوره بقره بلکه هر چه از قرآن ممکن است بخوانند .

(مسأله ۵۶۹) تنها گذاشتن محتضر و گذاشتن چیزی روی شکم او و بودن جنب و حائض نزد او و همچنین حرف زدن زیاد و گریه کردن و تنها گذاشتن زن ها نزد او مکروه است .

احکام بعد از مرگ

(مسأله ۵۷۰) بعد از مرگ مستحب است ، چشم ها و لب ها و چانه میت را ببندند و دست و پای او را دراز کنند و پارچه ای روی او بیندازند و اگر شب مرده است ، در جایی که مرده چراغ روشن کنند و برای تشییع جنازه او مؤمنین را خبر کنند و در دفن او عجله نمایند ولی اگر یقین به مردن او ندارند ، باید صبر کنند تا معلوم شود . و نیز اگر میت حامله باشد و بیچه در شکم او زنده باشد ، باید به قدری دفن را عقب بیندازند ، که پهلوی چپ او را بشکافند و طفل را بیرون آورند و پهلوی او را بدوزند .

احکام غسل و کفن و نماز و دفن میت

(مسأله ۵۷۱) غسل و کفن و نماز و دفن مسلمان اگر چه دوازده امامی نباشد ، بر هر مکلفی واجب است و اگر بعضی انجام دهند ، از دیگران ساقط می شود و چنانچه هیچ کس انجام ندهد همه معصیت کرده اند .

(مسأله ۵۷۲) اگر کسی مشغول کارهای میت شود بر دیگران واجب نیست اقدام نمایند ولی اگر او عمل را نیمه کاره بگذارد ، باید دیگران تمام کنند .

(مسأله ۵۷۳) اگر انسان یقین کند که دیگری مشغول کارهای میت شده واجب نیست به کارهای میت اقدام کند ولی اگر شک یا گمان دارد ، باید اقدام نماید .

(مسأله ۵۷۴) اگر کسی بداند غسل یا کفن یا نماز یا دفن میت را باطل انجام داده اند ، باید دوباره انجام دهد ، ولی اگر گمان دارد که باطل بوده ، یا شک

دارد که درست بوده یا نه ، لازم نیست اقدام نماید .

(مسأله ۵۷۵) برای غسل و کفن و نماز و دفن میت ، باید از ولیّ او اجازه بگیرند .

(مسأله ۵۷۶) ولیّ زن شوهر اوست و بعد از او ، مردهایی که از میت ارث می برند مقدّم بر زن های ایشانند .

(مسأله ۵۷۷) اگر کسی بگوید من وصیّ یا ولیّ میتّم ، یا ولیّ میتّ به من اجازه داده که غسل و کفن و دفن میتّ را انجام دهم ، چنانچه به حرف او اطمینان دارند و دیگری هم نمی گوید من ولیّ یا وصیّ میتّم یا ولیّ میتّ به من اجازه داده است ، انجام کارهای میتّ با اوست و اگر به حرف او اطمینان ندارند ، یا دیگری می گوید من ولیّ یا وصیّ میتّم یا ولیّ میتّ به من اجازه داده است ، در صورتی که دو نفر عادل به گفته اوّلیّ شهادت دهند ، باید حرف او را قبول کرد .

(مسأله ۵۷۸) اگر میتّ برای غسل و دفن و نماز خود غیر از ولیّ کس دیگری را معین کند ، احتیاط واجب آن است که ولیّ و آن کس هر دو اجازه بدهند ، و لازم نیست کسی که میتّ ، او را برای انجام این کارها معین کرده ، این وصیتّ را قبول کند ، ولی اگر قبول کرد ، باید به آن عمل نماید .

احکام غسل میتّ

(مسأله ۵۷۹) واجب است میتّ را سه غسل بدهند :

(اوّل) به آبی که با سدر مخلوط باشد .

(دوّم) به

آبی که با کافور مخلوط باشد .

(سوّم) با آب خالص .

(مسأله ۵۸۰) سدر و کافور باید به اندازه ای زیاد نباشد که آب را مضاف کند و به اندازه ای هم کم نباشد ، که نگویند سدر و کافور با آب مخلوط شده است .

(مسأله ۵۸۱) اگر سدر و کافور به اندازه ای که لازم است پیدا نشود ، بنا بر احتیاط واجب باید مقداری که به آن دسترسی دارند در آب بریزند .

(مسأله ۵۸۲) کسی که برای حجّ یا عمره احرام بسته است اگر پیش از تمام کردن طوافِ حجّ یا عمره بمیرد ، نباید او را با آب کافور غسل دهند و به جای آن باید با آب خالص غسلش بدهند .

(مسأله ۵۸۳) کسی که میت را غسل می دهد ، باید مسلمان دوازده امامی و بالغ و عاقل باشد و مسائل غسل را هم بداند .

(مسأله ۵۸۴) کسی که میت را غسل می دهد ، باید قصد قربت داشته باشد به این معنی که غسل را برای انجام فرمان خداوند عالم به جا آورد و در اوّل غسلِ دوّم و سوّم هم نیت غسل را تجدید نماید .

(مسأله ۵۸۵) غسل بچه مسلمان اگر چه از زنا باشد ، واجب است و غسل و کفن و دفن کافر و اولاد او ، جایز نیست ، و کسی که از بچگی دیوانه بوده و به حال دیوانگی بالغ شده ، چنانچه پدر و مادر او یا یکی از آنان مسلمان باشند ، باید او را غسل داد و اگر هیچ

کدام آنان مسلمان نباشند ، غسل دادن او جایز نیست .

(مسأله ۵۸۶) بچه سقط شده را اگر چهار ماه یا بیش تر دارد باید غسل بدهند و اگر چهار ماه ندارد ، باید در پارچه ای بپیچند و بدون غسل دفن کنند .

(مسأله ۵۸۷) حرام است مرد ، زن را و زن ، مرد را غسل بدهد ولی زن می تواند شوهر خود را غسل دهد و شوهر هم می تواند زن خود را غسل دهد ، اگر چه احتیاط مستحب آن است که زن ، شوهر خود و شوهر زن خود را غسل ندهد .

(مسأله ۵۸۸) مرد می تواند دختر بچه ای را که سن او از سه سال بیش تر نیست ، غسل دهد . زن هم می تواند . زن هم می تواند پسر بچه ای را که سه سال بیشتر ندارد ، غسل دهد .

(مسأله ۵۸۹) اگر برای غسل دادن میتی که مرد است مرد پیدا نشود ، زنانی که با او نسبت دارند و محرمند ، مثل مادر و خواهر و عمّه و خاله ، یا به واسطه شیر خوردن با او محرم شده اند می توانند از زیر لباس یا چیزی که بدن او را بپوشاند ، غسلش بدهند . و نیز اگر برای غسل میت زن ، زن دیگری نباشد ، مردهایی که با او نسبت دارند و محرمند ، یا به واسطه شیر خوردن با او محرمند می توانند از زیر لباس او را غسل دهند .

(مسأله ۵۹۰) اگر میت و کسی که او را غسل می

دهد هر دو مرد یا هر دو زن باشند ، بهتر آن است که غیر از عورت ، جاهای دیگر میّت برهنه باشد .

(مسأله ۵۹۱) نگاه کردن به عورت میّت حرام است و کسی که او را غسل می دهد اگر نگاه کند معصیت کرده ، ولی غسل باطل نمی شود .

(مسأله ۵۹۲) اگر جایی از بدن میّت نجس باشد ، باید پیش از آن که آن جا را غسل بدهند ، آب بکشند ، و احتیاط مستحبّ آن است که تمام بدن میّت ، پیش از شروع به غسل پاک باشد .

(مسأله ۵۹۳) غسل میّت مثل غسل جنابت است . و احتیاط واجب آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است ، میّت را غسل ارتماسی ندهند و در غسل ترتیبی هم اگر ممکن است هر یک از سه قسمت بدن را در آب فرو نبرند ، بلکه آب را روی آن بریزند .

(مسأله ۵۹۴) کسی را که در حال حیض یا در حال جنابت مرده ، لازم نیست غسل حیض یا غسل جنابت بدهند ، بلکه همان غسل میّت برای او کافی است .

(مسأله ۵۹۵) مزد گرفتن برای غسل دادن میّت حرام است و اگر کسی برای گرفتن مزد ، میّت را غسل دهد ، آن غسل باطل است ولی مزد گرفتن برای کارهای مقدّماتی غسل حرام نیست .

(مسأله ۵۹۶) اگر آب پیدا نشود یا استعمال آن مانعی داشته باشد باید عوض هر غسل ، میّت را یک تیمّم بدهند و احتیاط واجب آن است که یک تیمّم دیگر هم عوض

هر سه غسل بدهند و اگر کسی که تیمم می دهد در تیمم سوم قصد ما فی الذمه نماید یعنی نیت کند که این تیمم را برای آن که به تکلیف عمل شده باشد ، انجام می دهد ، تیمم چهارم لازم نیست .

(مسأله ۵۹۷) کسی که میت را تیمم می دهد ، باید دست خود را به زمین بزند و به صورت و پشت دست های میت بکشد و اگر ممکن باشد ، احتیاط مستحب آن است که با دست میت هم او را تیمم بدهد .

احکام کفن میت

(مسأله ۵۹۸) میت مسلمان را باید با سه پارچه که آنها را لنگ و پیراهن و سرتاسری می گویند کفن نمایند .

(مسأله ۵۹۹) لنگ باید از ناف تا زانو ، اطراف بدن را بپوشاند و بهتر آن است که از سینه تا روی پا برسد . و پیراهن باید ، از سر شانه تا نصف ساق پا ، تمام بدن را بپوشاند و بهتر آن است که تا روی پا برسد . و درازی سرتاسری باید به قدری باشد که بستن دو سر آن ممکن باشد و پهنای آن باید به اندازه ای باشد که یک طرف آن روی طرف دیگر بیاید . (مسأله ۶۰۰) مقداری از لنگ که از ناف تا زانو را می پوشاند و مقداری از پیراهن که از شانه تا نصف ساق را می پوشاند ، مقدار واجب کفن است و آنچه بیش تر از این مقدار در مسأله قبل گفته شد مقدار مستحب کفن می باشد .

(مسأله ۶۰۱) اگر ورثه بالغ باشند

و اجازه دهند که بیش تر از مقدار واجب کفن را که در مسأله قبل گفته شد از سهم آنان بردارند ، اشکال ندارد . و احتیاط واجب آن است که بیش تر از مقدار واجب کفن را از سهم و ارثی که بالغ نشده بر ندارند .

(مسأله ۶۰۲) اگر کسی وصیت کرده باشد که مقدار مستحب کفن را که در دو مسأله قبل گفته شد . از ثلث مال او بردارند ، یا وصیت کرده باشد ثلث مال را به مصرف خود او برسانند ولی مصرف آن را معین نکرده باشد ، یا فقط مصرف مقداری از آن را معین کرده باشد ، می توانند مقدار مستحب کفن را از ثلث مال او بردارند .

(مسأله ۶۰۳) اگر میت وصیت نکرده باشد که کفن او را از ثلث مال او بردارند و بخواهند از اصل مال بردارند احتیاط واجب آن است که مقدار واجب کفن را به ارزانترین قیمتی که ممکن است تهیه نمایند ولی اگر کسانی از ورثه که بالغ هستند اجازه بدهند که از سهم آنان بردارند ، مقداری را که اجازه داده اند ، از سهم آنان می شود برداشت .

(مسأله ۶۰۴) کفن زن بر شوهر است ، اگر چه زن از خود مال داشته باشد و همچنین اگر زن را به شرحی که در کتاب طلاق گفته می شود ، طلاق رجعی بدهند و پیش از تمام شدن عدّه بمیرد ، شوهرش باید کفن او را بدهد . و چنانچه شوهر بالغ نباشد یا دیوانه باشد ولی شوهر باید از مال او کفن زن را

بدهد .

(مسأله ۶۰۵) کفن میت بر خویشان او واجب نیست ، اگر چه مخارج او در حال زندگی بر آنان واجب باشد .

(مسأله ۶۰۶) احتیاط واجب آن است که هر یک از سه پارچه کفن به قدری نازک نباشد ، که بدن میت از زیر آن پیدا باشد .

(مسأله ۶۰۷) کفن کردن با پوست مردار و چیز غصبی ، اگر چیز دیگری هم پیدا نشود ، جایز نیست . و چنانچه کفن میت غصبی باشد و صاحب آن راضی نباشد ، باید از تنش بیرون آورند ، اگر چه او را دفن کرده باشند .

(مسأله ۶۰۸) کفن کردن میت با چیز نجس و با پارچه ابریشمی خالص یا پارچه ای که با طلا بافته شده جایز نیست ، ولی در حال ناچاری اشکال ندارد .

(مسأله ۶۰۹) کفن کردن با پارچه ای که از پشم یا موی حیوان حرام گوشت تهیه شده ، در حال اختیار جایز نیست و احتیاط واجب آن است که با پوست حیوان حلال گوشتی هم که به دستور شرع کشته شده ، میت را کفن نکنند ولی اگر کفن از مو و پشم حیوان حلال گوشت باشد اشکال ندارد ، اگر چه احتیاط مستحب آن است که با این دو هم کفن نمایند .

(مسأله ۶۱۰) اگر کفن میت به نجاست خود او یا به نجاست دیگری نجس شود ، چنانچه کفن ضایع نمی شود ، باید مقدار نجس را بشویند یا بپزند ، اگر چه بعد از گذاشتن در قبر باشد و اگر شستن یا بریدن آن ممکن نیست

، در صورتی که عوض کردن آن ممکن باشد ، باید عوض نمایند .

(مسأله ۶۱۱) کسی که برای حج یا عمره احرام بسته اگر بمیرد ، باید مثل دیگران کفن شود و پوشاندن سر و صورتش اشکال ندارد .

(مسأله ۶۱۲) مستحب است انسان در حال سلامتی ، کفن و سدر و کافور خود را تهیه کند .

احکام حنوط

(مسأله ۶۱۳) بعد از غسل واجب است میت را حنوط کنند ، یعنی به پیشانی و کف دست ها و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاهای او کافور بمالند . و مستحب است به سر بینی میت هم کافور بمالند و باید کافور ، ساییده و تازه باشد و اگر به واسطه کهنه بودن ، عطر او از بین رفته باشد کافی نیست .

(مسأله ۶۱۴) احتیاط واجب آن است که اول کافور را به پیشانی میت بمالند ، ولی در جاهای دیگر ترتیب لازم نیست .

(مسأله ۶۱۵) بهتر آن است که میت را پیش از کفن کردن ، حنوط نمایند ، اگر چه در بین کفن کردن و بعد از آن هم مانعی ندارد .

(مسأله ۶۱۶) کسی که برای حج یا عمره احرام بسته است ، اگر پیش از تمام کردن طواف بمیرد ، حنوط کردن او جایز نیست .

(مسأله ۶۱۷) زنی که شوهرش مرده و هنوز عدّه اش تمام نشده اگر چه حرام است خود را خوشبو کند ، ولی چنانچه بمیرد حنوط او واجب است .

(مسأله ۶۱۸) احتیاط واجب آن است که میت را با مُشک و عنبر

و عود و عطرهاى ديگر خوشبو نکنند و اينها را با کافور مخلوط نمايند .

(مسأله ۶۱۹) مستحبّ است ، قدرى تربت حضرت سيّدالشهداء (عليه السلام) را با کافور مخلوط کنند ، ولى بايد از آن کافور به جاهايى که بى احترامى مى شود نرسانند و نيز بايد تربت به قدرى زياد نباشد که وقتى با کافور مخلوط شد آن را کافور نگويند .

(مسأله ۶۲۰) اگر کافور پيدا نشود ، يا فقط به اندازه غسل باشد ، حنوط لازم نيست ، و چنانچه از غسل زياد بيايد ولى به همه هفت عضو نرسد ، بايد اول پيشانى و اگر زياد آمد به جاهاي ديگر بمالند .

(مسأله ۶۲۱) مستحبّ است دو چوب تر و تازه در قبر همراه ميّت بگذارند .

احکام نماز ميّت

(مسأله ۶۲۲) نماز خواندن بر ميّت مسلمان ، اگر چه بچه باشد واجب است ، ولى بايد پدر و مادر آن بچه يا يکى از آنان مسلمان باشند و شش سال بچه تمام شده باشد .

(مسأله ۶۲۳) نماز خواندن بر بچه اى که شش سال او تمام نشده ، مستحبّ است . ولى نماز خواندن بر بچه اى که مرده به دنيا آمده مستحبّ نيست .

(مسأله ۶۲۴) نماز بايد بعد از غسل و حنوط و کفن کردن ميّت خوانده شود ، و اگر پيش از اينها ، يا در بين اينها بخوانند اگر چه از روى فراموشى يا ندانستن مسأله باشد کافى نيست .

(مسأله ۶۲۵) کسى که مى خواهد نماز ميّت بخواند لازم نيست با وضو يا غسل يا تيمّم باشد و

بدن و لباسش پاک باشد و اگر لباس او غصبی هم باشد اشکال ندارد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که تمام چیزهایی را که در نمازهای دیگر لازم است رعایت کند.

(مسأله ۶۲۶) کسی که به میّت نماز می خواند باید رو به قبله باشد و نیز واجب است میّت را مقابل او به پشت بخوابانند، به طوری که سر او به طرف راست نماز گزار و پای او به طرف چپ نماز گزار باشد.

(مسأله ۶۲۷) مکان نماز گزار باید غصبی نباشد و نیز باید از جای میّت پست تر یا بلندتر نباشد ولی پستی و بلندی مختصر اشکال ندارد.

(مسأله ۶۲۸) نماز گزار باید از میّت دور نباشد، ولی کسی که نماز میّت را به جماعت می خواند، اگر از میّت دور باشد، چنانچه صف ها به یکدیگر متصل باشد اشکال ندارد.

(مسأله ۶۲۹) نماز گزار باید مقابل میّت بایستد، ولی اگر نماز به جماعت خوانده شود و صف جماعت از دو طرف میّت بگذرد، نماز کسانی که مقابل میّت نیستند اشکال ندارد.

(مسأله ۶۳۰) بین میّت و نماز گزار، باید پرده و دیوار یا چیزی مانند اینها نباشد ولی اگر میّت در تابوت و مانند آن باشد اشکال ندارد.

(مسأله ۶۳۱) در وقت نماز خواندن باید عورت میّت پوشیده باشد و اگر کفن کردن او ممکن نیست، باید عورت او را اگر چه با تخته باشد یا با آجر و مانند اینها باشد بپوشانند.

(مسأله ۶۳۲) نماز میّت را باید ایستاده و با قصد

قربت بخواند و در موقع نیت میت را معین کند ، مثلاً نیت کند نماز می خوانم بر این میت قربه إلی الله .

(مسأله ۶۳۳) اگر کسی نباشد که بتواند نماز میت را ایستاده بخواند ، می شود نشسته بر او نماز خواند .

(مسأله ۶۳۴) اگر میت وصیت کرده باشد که شخص معینی بر او نماز بخواند ، احتیاط واجب آن است که آن شخص از ولی اجازه بگیرد و بر ولی هم واجب است که اجازه بدهد .

(مسأله ۶۳۵) مکروه است بر میت چند مرتبه نماز بخوانند ، ولی اگر میت اهل علم و تقوا باشد مکروه نیست .

(مسأله ۶۳۶) اگر میت را عمداً یا از روی فراموشی یا به جهت عذری بدون نماز دفن کنند ، یا بعد از دفن معلوم شود ، نمازی که بر او خوانده شده باطل بوده است ، تا وقتی جسد او از هم نپاشیده واجب است با شرط هایی که برای نماز میت گفته شد به قبرش نماز بخوانند .

دستور نماز میت

(مسأله ۶۳۷) نماز میت پنج تکبیر دارد و اگر نماز گزار پنج تکبیر به این ترتیب بگوید کافی است : بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگوید :

(أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ)

و بعد از تکبیر دوم بگوید :

(اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ)

و بعد از تکبیر سوم بگوید :

(اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ)

و بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگوید :

(اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ)

و اگر زن است بگوید :

(اَللَّهُمَّ)

اغْفِرْ لِهَذِهِ الْمَيِّتِ)

و بعد تکبیر پنجم را بگوید و بهتر است بعد از تکبیر اول بگوید :

(أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا بَيْنَ يَدَيْ السَّاعَةِ)

و بعد از تکبیر دوم بگوید :

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ صَلِّ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ جَمِيعِ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ)

و بعد از تکبیر سوم بگوید :

(اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ تَابِعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ بِالْخَيْرِ اتِ إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

و بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگوید :

(اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أُمَّتِكَ نَزَلَ بِكَ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَ إِنْ كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ وَ اغْفِرْ لَهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَ أَخْلَفْ عَلَى أَهْلِهِ فِي الْغَابِرِينَ وَ ارْحَمْهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ)

ولی اگر میت زن است بعد از تکبیر چهارم بگوید :

(اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكَ وَ ابْنَةُ عَبْدِكَ وَ ابْنَةُ أُمَّتِكَ نَزَلَتْ بِكَ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهَا إِلَّا خَيْرًا وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنَّا)

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فِي إِحْسَانِهَا وَ إِنْ

كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْهَا وَاعْفُ عَنْهَا اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَاخْلُفْ عَلَى أَهْلِهَا فِي الْغَابِرِينَ وَارْحَمْهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ)

(مسأله ۶۳۸) باید تکبیرها و دعاها را طوری پشت سر هم بخواند که نماز از صورت خود خارج نشود .

(مسأله ۶۳۹) کسی که نماز میت را به جماعت می خواند باید تکبیرها و دعاهای آن را هم بخواند .

مستحبات نماز میت

(مسأله ۶۴۰) چند چیز در نماز میت مستحب است :

(اول) کسی که نماز میت می خواند با وضو یا غسل یا تیمم باشد و احتیاط مستحب آن است ، در صورتی تیمم کند که وضو و غسل ممکن نباشد ، یا بترسد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند به نماز میت نرسد .

(دوم) اگر میت مرد است ، امام جماعت یا کسی که فرادی به او نماز می خواند ، مقابل وسط قامت او بایستد و اگر میت زن است مقابل سینه اش بایستد .

(سوم) پا برهنه نماز بخواند .

(چهارم) در هر تکبیر دست ها را بلند کند .

(پنجم) فاصله او با میت به قدری کم باشد ، که اگر باد لباسش را حرکت دهد به جنازه برسد .

(ششم) نماز میت را به جماعت بخواند .

(هفتم) امام جماعت تکبیر و دعاها را بلند بخواند و کسانی که با او نماز می خوانند آهسته بخوانند .

(هشتم) در جماعت اگر چه مأوموم یک نفر باشد ، عقب امام بایستد .

(نهم) نماز گزار به میت و مؤمنین زیاد دعا کند

(دهم) پیش از نماز سه مرتبه بگوید : الصَّلوه .

(یازدهم) زن حائض اگر نماز میت را به جماعت می خواند ، در صفی تنها بایستد .

(دوازدهم) نماز را در جایی بخواند ، که مردم برای نماز میت بیش تر به آنجا می روند .

(مسأله ۶۴۱) خواندن نماز میت در مساجد مکروه است ، ولی در مسجدالحرام مکروه نیست .

احکام دفن

(مسأله ۶۴۲) واجب است میت را طوری در زمین دفن کنند که بوی او بیرون نیاید و درندگان هم نتوانند بدنش را بیرون آورند و اگر ترس آن باشد که جانور بدن او را بیرون آورد ، باید قبر را با آجر و مانند آن محکم کنند .

(مسأله ۶۴۳) اگر دفن میت در زمین ممکن نباشد ، می توانند به جای دفن ، او را در بنا یا تابوت بگذارند .

(مسأله ۶۴۴) میت را باید در قبر به پهلوی راست طوری بخوابانند که جلوی بدن او رو به قبله باشد .

(مسأله ۶۴۵) اگر کسی در کشتی بمیرد ، چنانچه جسد او فاسد نمی شود و بودن او در کشتی مانعی ندارد ، باید صبر کنند تا به خشکی برسند و او را در زمین دفن کنند و گرنه ، باید در کشتی غسلش بدهند و حنوط و کفن کنند و پس از خواندن نماز میت چیز سنگینی به پایش ببندند و به دریا بیندازند ، یا او را در خمره بگذارند و درش را ببندند و به دریا بیندازند و اگر ممکن است باید او را در جایی بیندازند که فوراً طعمه

حیوانات نشود .

(مسأله ۶۴۶) اگر بترسند که دشمن قبر میت را بشکافد و بدن او را بیرون آورد و گوش یا بینی یا اعضای دیگر او را برد ، چنانچه ممکن باشد باید به طوری که در مسأله پیش گفته شد او را به دریا بیندازند .

(مسأله ۶۴۷) مخارج انداختن در دریا و مخارج محکم کردن قبر میت را در صورتی که لازم باشد ، باید از اصل مال میت بردارند .

(مسأله ۶۴۸) اگر زن کافره بمیرد و بچه در شکم او مرده باشد ، یا هنوز روح به بدن او داخل نشده باشد ، چنانچه پدر بچه مسلمان باشد ، باید زن را در قبر به پهلوئی چپ پشت به قبله بخوابانند که روی بچه به طرف قبله باشد .

(مسأله ۶۴۹) دفن مسلمان ، در قبرستان کفار و دفن کافر در قبرستان مسلمانان جایز نیست .

(مسأله ۶۵۰) دفن مسلمان در جایی که بی احترامی به او باشد ، مانند جایی که خاکروبه و کثافت می ریزند ، جایز نیست .

(مسأله ۶۵۱) دفن میت در جای غصبی و در زمینی که مثل مسجد برای غیر دفن کردن وقف شده ، جایز نیست .

(مسأله ۶۵۲) دفن میت در قبر مرده دیگر جایز نیست ، مگر آن که قبر ، کهنه شده و میت اوّلی از بین رفته باشد .

(مسأله ۶۵۳) چیزی که از میت جدا می شود ، اگر چه مو و ناخن و دندانش باشد ، باید با او دفن شود . و دفن ناخن و دنداننی که در حال

زندگی از انسان جدا می شود مستحب است .

(مسأله ۶۵۴) اگر کسی در چاه بمیرد و بیرون آوردنش ممکن نباشد باید در چاه را ببندند و همان چاه را قبر او قرار دهند .

(مسأله ۶۵۵) اگر بچه در رحم مادر بمیرد و ماندنش در رحم برای مادر خطر داشته باشد ، باید به آسانترین راه او را بیرون آورند و چنانچه ناچار شوند که او را قطعه قطعه کنند اشکال ندارد ولی باید به وسیله شوهرش اگر اهل فن باشد ، یا زنی که اهل فن است او را بیرون بیاورند و اگر ممکن نیست ، مرد محرمی که اهل فن باشد و اگر آن هم ممکن نشود ، مرد نامحرمی که اهل فن باشد بچه را بیرون بیاورد و در صورتی که آن هم پیدا نشود کسی که اهل فن نباشد می تواند بچه را بیرون آورد .

(مسأله ۶۵۶) هر گاه مادر بمیرد و بچه در شکمش زنده باشد اگر چه امید زنده ماندن طفل را نداشته باشند ، باید به وسیله کسانی که در مسأله پیش گفته شد ، پهلوی چپ او را بشکافند و بچه را بیرون آورند و دوباره بدوزند .

مستحبات دفن

(مسأله ۶۵۷) مستحب است قبر را به اندازه قد انسان متوسط گود کنند و میت را در نزدیک ترین قبرستان دفن نمایند ، مگر این که قبرستان دورتر از جهتی بهتر باشد ، مثل آن که مردمان خوب در آن جا دفن شده باشند ، یا مردم برای فاتحه اهل قبور بیش تر به آن جا بروند ، و نیز مستحب است

جنازه را در چند ذرعی قبر، زمین بگذارند و تا سه مرتبه کم کم نزدیک ببرند و در هر مرتبه زمین بگذارند و بردارند و در نوبت چهارم وارد قبر کنند و اگر میت مرد است در دفعه سوم طوری زمین بگذارند که سر او طرف پایین قبر باشد و در دفعه چهارم از طرف سر وارد قبر نمایند و اگر زن است در دفعه سوم طرف قبله قبر بگذارند و به پهنا وارد قبر کنند و در موقع وارد کردن، پارچه ای روی قبر بگیرند و نیز مستحب است جنازه را به آرامی از تابوت بگیرند و وارد قبر کنند و دعاهایی که دستور داده شده، پیش از دفن و موقع دفن بخوانند و بعد از آن که میت را در لحد گذاشتند، گره های کفن را باز کنند و صورت میت را روی خاک بگذارند و بالشی از خاک زیر سر او بسازند و پشت میت خشت خام یا کلوخی بگذارند که میت به پشت برنگردد و پیش از آن که لحد را بپوشانند، دست راست را به شانه راست میت بزنند و دست چپ را به قوت بر شانه چپ میت بگذارند و دهان را نزدیک گوش او ببرند و به شدت حرکتش دهند و سه مرتبه بگویند:

(اِسْمَعِ اِفْهَمُ يَا فُلَانُ بَنَ فُلَانُ)

و به جای فلان بن فلان اسم میت و پدرش را بگویند مثلاً اگر اسم او محمد و اسم پدرش علی است سه مرتبه بگویند:

(اِسْمَعِ اِفْهَمُ يَا مُحَمَّدَ بَنَ عَلِيٍّ) پس از آن بگویند:

(هَلْ اَنْتَ عَلَيَّ الْعَهْدِ)

الَّذِي فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادِهِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه و آله) عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ خَاتَمُ الْمُرْسَلِينَ وَ أَنْ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ إِمَامًا افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ أَنْ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ الْقَائِمَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَئِمَّةَ الْمُؤْمِنِينَ وَ حُجَّجَ اللَّهُ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَ أَئِمَّتِكَ أَئِمَّةَ هُدًى بِكَ أِبْرَارُ يَا فُلَانُ بْنَ فُلَانٍ)

اسم میت و پدرش را بگوید و بعد بگوید :

(إِذَا أَتَاكَ الْمَلَكَانِ الْمُقْرَبَانِ رَسُولَيْنِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ سَيِّئَاكَ عَنْ رَبِّكَ وَ عَنْ نَبِيِّكَ وَ عَنْ دِينِكَ وَ عَنْ كِتَابِكَ وَ عَنْ قَبْلِيكَ وَ عَنْ أَئِمَّتِكَ فَلَا تَخَفْ وَ لَا تَحْزَنْ وَ قُلْ فِي جَوَابِهِمَا اللَّهُ رَبِّي وَ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه و آله) نَبِيِّي وَ الْإِسْلَامُ دِينِي وَ الْقُرْآنُ كِتَابِي وَ الْكَعْبَةُ قِبْلَتِي وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ إِمَامِي وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبَى إِمَامِي وَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الشَّهِيدُ بِكَرْبَلَا- إِمَامِي وَ عَلِيُّ زَيْنُ الْعَابِدِينَ إِمَامِي وَ مُحَمَّدٌ الْبَاقِرُ إِمَامِي وَ جَعْفَرُ الصَّادِقُ إِمَامِي وَ مُوسَى الْكَاطِمُ إِمَامِي وَ عَلِيُّ الرِّضَا إِمَامِي وَ مُحَمَّدُ الْجَوَادُ إِمَامِي وَ عَلِيُّ الْهَادِي إِمَامِي وَ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ إِمَامِي وَ الْحُجَّةُ الْمُنتَظَرُ إِمَامِي هَؤُلَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَئِمَّتِي وَ سَادَتِي وَ قَادَتِي وَ شُفَعَائِي بِهِمْ أَتَوَلَّى وَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَّءُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

ثُمَّ اعْلَمْ يَا فُلَانُ بِنَ فُلَانٍ (

و به جای فلان بن فلان اسم میت و پدرش را بگویند و بعد بگویند :

(إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نِعَمَ الرَّبِّ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه و آله) نِعَمَ الرَّسُولِ وَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ أَوْلَادَهُ الْمَعْصُومِينَ
الْأَيِّمَةَ الْإِثْنَى عَشَرَ نِعَمَ الْأَيِّمَةِ وَ أَنَّ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه و آله) حَقٌّ وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ سُؤَالَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ
وَ الْبُعْثَ حَقٌّ وَ النَّشُورَ حَقٌّ وَ الصِّيرَاطَ حَقٌّ وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ وَ تَطَايُرَ الْكُتُبِ حَقٌّ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ
فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ)

پس بگویند :

(أَفْهَمْتَ يَا فُلَانُ) و به جای فلان اسم میت را بگویند ، پس از آن بگویند :

(تَبَّتْكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ وَ هَدَاكَ اللَّهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَوْلِيَائِكَ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ)

پس بگویند :

(اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضِ عَنْ جَنَّتِيْهِ وَ اَصْعِدْ بَرُوْجِهِ اِلَيْكَ وَ لَقِّهِ مِنْكَ بُرْهَانًا اَللّٰهُمَّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ)

(مسأله ۶۵۸) مستحب است کسی که میت را در قبر می گذارد ، با طهارت و سر برهنه و پا برهنه باشد و از طرف پای میت از
قبر بیرون بیاید و غیر از خویشان میت کسانی که حاضرند ، با پشت دست خاک بر قبر بریزند و بگویند :

(اِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ) اگر میت زن است کسی که با او محرم می باشد او را در قبر بگذارد و اگر محرمی نباشد خویشانش

او

را در قبر بگذارند .

(مسأله ۶۵۹) مستحب است قبر را مربع یا مربع مستطیل بسازند و به اندازه چهار انگشت از زمین بلند کنند و نشانه ای روی آن بگذارند که اشتباه نشود و روی قبر آب بپاشند و بعد از پاشیدن آب کسانی که حاضرند ، دست ها را بر قبر بگذارند و انگشت ها را باز کرده ، در خاک فرو برند و هفت مرتبه سوره مبارکه (اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ) را بخوانند و برای میت طلب آمرزش کنند و این دعا را بخوانند :

(اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضِ عَنْ جَبِّيهِ وَ اَصْبِعِدْ اِلَيْكَ رُوْحَهُ وَ لَقِّهِ مِنْكَ رِضْوَانًا وَ اَسْكِنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تُغْنِيهِ بِهِ عَنْ رَحْمِهِ مَنْ سِوَاكَ)

(مسأله ۶۶۰) پس از رفتن کسانی که تشییع جنازه کرده اند ، مستحب است ولی میت یا کسی که از طرف ولی اجازه دارد ، دعاهایی را که دستور داده شده ، به میت تلقین کند .

(مسأله ۶۶۱) بعد از دفن ، مستحب است صاحبان عزا را سر سلامتی دهند ولی اگر مدتی گذشته است که به واسطه سر سلامتی دادن ، مصیبت یادشان می آید ، ترک آن بهتر است و نیز مستحب است تا سه روز برای اهل خانه میت غذا بفرستند و غذا خوردن نزد آنان و در منزلشان مکروه است .

(مسأله ۶۶۲) مستحب است انسان در مرگ خویشان مخصوصاً در مرگ فرزند صبر کند و هر وقت میت را یاد می کند . (اِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ) بگوید و برای میت قرآن بخواند و سر قبر پدر

و مادر از خداوند حاجت بخواهد و قبر را محکم بسازد که زود خراب نشود .

(مسأله ۶۶۳) جایز نیست ، انسان در مرگ کسی صورت و بدن را بخراشد و به خود لطمه بزند .

(مسأله ۶۶۴) پاره کردن یقه در مرگ غیر پدر و برادر جایز نیست و احتیاط واجب آن است که در مصیبت آنان هم یقه پاره نکند .

(مسأله ۶۶۵) اگر زن در عزای میت صورت خود را بخراشد ، یا موی خود را بکند ، باید یک بنده آزاد کند ، یا ده فقیر را اطعام دهد ، و یا آنها را بپوشاند و همچنین است اگر مرد در مرگ زن یا فرزند یقه یا لباس خود را پاره کند .

(مسأله ۶۶۶) احتیاط واجب آن است که در گریه بر میت صدا را خیلی بلند نکنند .

نماز وحشت

(مسأله ۶۶۷) مستحب است در شب اول قبر ، دو رکعت نماز وحشت برای میت بخوانند و دستور آن این است که : در رکعت اول بعد از حمد یک مرتبه آیهالکرسی و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه سوره مبارکه **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** بخوانند و بعد از سلام نماز بگویند :

(**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْ ثَوَابَهَا إِلَى قَبْرِ فُلَانٍ**) و به جای کلمه فلان ، اسم میت را بگویند .

(مسأله ۶۶۸) نماز وحشت را در هر موقع از شب اول قبر می شود خواند ، ولی بهتر است در اول شب بعد از نماز عشاء خوانده شود .

(مسأله ۶۶۹) اگر بخواهند میت را به

شهر دوری ببرند ، یا به جهت دیگر دفن او به تأخیر بیفتد ، باید نماز وحشت را تا شب اول قبر او تأخیر بیندازند .

نبش قبر

(مسأله ۶۷۰) نبش قبر مسلمان ، یعنی شکافتن قبر او اگر چه طفل یا دیوانه باشد حرام است . ولی اگر بدنش از بین رفته و خاک شده باشد اشکال ندارد و اگر بدن خاک شده و صورت و شکل استخوان باقی است به طوری که به مختصر حرکتی از هم پاشیده و خاک می شود بنا بر احتیاط واجب در این صورت هم نبش قبر حرام می باشد .

(مسأله ۶۷۱) نبش قبر امام زاده ها و شهداء و علما و صلحا اگر چه سال ها بر آن بگذرد حرام است .

(مسأله ۶۷۲) شکافتن قبر در چند مورد حرام نیست :

(اول) آن که میت در زمین غصبی دفن شده باشد و مالک زمین راضی نشود که در آن جا بماند .

(دوم) آن که کفن یا چیز دیگری که با میت دفن شده غصبی باشد و صاحب آن راضی نشود که در قبر بماند و همچنین است اگر چیزی از مال خود میت که به ورثه او رسیده با او دفن شده باشد و ورثه راضی نشوند که آن چیز در قبر بماند ، ولی اگر وصیت کرده باشد که دعا یا قرآن یا انگشتری را با او دفن کنند ، برای بیرون آوردن اینها نمی توانند قبر را بشکافند .

(سوم) آن که میت بی غسل یا بی کفن دفن شده باشد ، یا بفهمند غسلش باطل بوده

یا به غیر دستور شرع کفن شده یا در قبر او را رو به قبله نگذاشته اند .

(چهارم) آن که برای ثابت شدن حقی بخوانند بدن میت را ببینند .

(پنجم) آن که میت را در جایی که بی احترامی به اوست مثل قبرستان کفار یا جایی که کثافت و خاکروبه می ریزند دفن کرده باشند .

(ششم) آن که برای یک مطلب شرعی که اهمّیت آن از شکافتن قبر بیش تر است قبر را بشکافند ، مثلاً بخوانند بچه زنده را از شکم زن حامله ای که دفنش کرده اند بیرون آورند .

(هفتم) آن که بترسند درنده ای بدن میت را پاره کند ، یا سیل او را ببرد ، یا دشمن بیرون آورد .

(هشتم) آن که قسمتی از بدن میت را که با او دفن نشده بخوانند دفن کنند ، ولی احتیاط واجب آن است که آن قسمت از بدن را طوری در قبر بگذارند که بدن میت دیده نشود .

(نهم) آن که بخوانند میت را به مشاهد مشرفه نقل نمایند به خصوص اگر وصیت کرده باشد .

غسل های مستحب

(مسأله ۶۷۳) غسل های مستحب در شرع مقدّس اسلام بسیار است و از آن جمله است :

۱- غسل جمعه ؛ و وقت آن از اذان صبح است تا ظهر و بهتر است نزدیک ظهر به جا آورده شود و اگر تا ظهر انجام ندهد بهتر است که بدون نیت ادا و قضا تا عصر جمعه به جا آورد . و اگر در روز جمعه غسل نکند مستحب است از صبح شنبه تا غروب

قضای آن را به جا آورد . و کسی که می ترسد در روز جمعه آب پیدا نکند می تواند روز پنجشنبه یا شب جمعه غسل را انجام دهد و مستحب است انسان در موقع غسل جمعه بگوید :

(أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ)

۲- غسل شب اول ماه رمضان و تمام شب های طاق مثل شب سوّم و پنجم و هفتم ولی از شب بیست و یکم مستحب است همه شب غسل کند و برای شب اول و پانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوّم و بیست و پنجم و بیست و هفتم و بیست و نهم بیش تر و بیش تر سفارش شده است . و وقت غسل شب های ماه رمضان تمام شب است و بهتر است مقارن غروب به جا آورده شود ولی از شب بیست و یکم تا آخر ماه بهتر است غسل را بین نماز مغرب و عشاء به جا آورد . و نیز مستحب است در شب بیست و سوّم غیر از غسل اول شب ، یک غسل هم در آخر شب انجام دهد .

۳- غسل روز عید فطر و عید قربان و وقت آن از اذان صبح است تا غروب و بهتر است آن را پیش از نماز عید به جا آورد .

۴- غسل شب عید فطر و وقت آن از اول مغرب است تا اذان صبح و بهتر است در اول شب به جا آورده

شود .

۵- غسل روز هشتم و نهم ذیحجه و در روز نهم بهتر است آن را نزدیک ظهر به جا آورد.

۶- غسل روز اول و پانزدهم و بیست و هفتم و آخر ماه رجب .

۷- غسل روز عید غدیر و بهتر است پیش از ظهر آن را انجام دهند .

۸- غسل روز بیست و چهارم ذیحجه .

۹- غسل روز عید نوروز و پانزدهم شعبان و نهم و هفدهم ربیع الاول و روز بیست و پنجم ذی قعدة .

۱۰- غسل دادن بچه ای که تازه به دنیا آمده .

۱۱- غسل زنی که برای غیر شوهرش بوی خوش استعمال کرده است .

۱۲- غسل کسی که در حال مستی خوابیده .

۱۳- غسل کسی که جایی از بدنش را به بدن میتی که غسل داده اند رسانده است .

۱۴- غسل کسی که در موقع گرفتن خورشید و ماه نماز آیات را عمداً نخوانده ، در صورتی که تمام ماه و خورشید گرفته باشد .

۱۵- غسل کسی که برای تماشای دار آویخته رفته و آن را دیده باشد ولی اگر اتفاقاً یا از روی ناچاری نگاهش بیفتد یا مثلاً برای شهادت دادن رفته باشد غسل مستحب نیست .

(مسأله ۶۷۴) پیش از داخل شدن در حرم مکه ، شهر مکه ، مسجد الحرام خانه کعبه ، حرم مدینه ، شهر مدینه ، مسجد پیغمبر و حرم امامان (علیهم السلام) مستحب است انسان غسل کند و اگر در یک روز چند مرتبه مشرف شود ، یک غسل کافی است و کسی که می خواهد در یک روز داخل حرم مکه و مسجد الحرام و خانه کعبه شود ، اگر به

نیت همه یک غسل کند کافی است و نیز اگر در یک روز بخواهد داخل حرم مدینه و شهر مدینه و مسجد پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شود، یک غسل برای همه کفایت می کند و برای زیارت پیغمبر و امامان از دور یا نزدیک و برای حاجت خواستن از خداوند عالم و همچنین برای توبه و نشاط به جهت عبادت و برای سفر رفتن خصوصاً سفر زیارت حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) مستحب است انسان غسل کند و اگر یکی از غسل هایی را که در این مسأله گفته شد به جا آورد و بعد کاری کند که وضو را باطل می نماید مثلاً بخواهد غسل او باطل می شود و مستحب است دوباره غسل را به جا آورد.

(مسأله ۶۷۵) انسان نمی تواند با غسل مستحبی، کاری که مانند نماز وضو لازم دارد انجام دهد .

(مسأله ۶۷۶) اگر چند غسل بر کسی مستحب باشد و به نیت همه یک غسل به جا آورد کافی است .

تیمم

در هفت مورد به جای وضو و غسل باید تیمم کرد :

(اول) آن که تهیه آب به قدر وضو یا غسل ممکن نباشد .

(مسأله ۶۷۷) اگر انسان در آبادی باشد ، باید برای تهیه آب وضو و غسل ، به قدری جستجو کند که از پیدا شدن آن ناامید شود و اگر در بیابان باشد ، چنانچه زمین آن پست و بلند است ، باید در هر یک از چهار طرف به اندازه پرتاب یک تیر قدیمی که با کمان پرتاب می کردند در جستجوی آب بروند

و اگر زمین آن پست و بلند نیست ، باید در هر طرف به اندازه پرتاب دو تیر جستجو نماید .

(مسأله ۶۷۸) اگر بعضی از چهار طرف هموار و بعضی دیگر پست و بلند باشد ، باید در طرفی که هموار است به اندازه پرتاب دو تیر و در طرفی که هموار نیست ، به اندازه یک تیر جستجو کند .

(مسأله ۶۷۹) در هر طرفی که یقین دارد آب نیست در آن طرف جستجو لازم نیست اگر یقین دارد ، در محلی دورتر از مقداری که باید جستجو کند آب هست ، باید برای تهیه آب برود و اگر گمان دارد آب هست ، رفتن به آن محل لازم نیست ولی اگر گمان او قوی باشد ، بنا بر احتیاط واجب باید برای تهیه آب به آن محل برود .

(مسأله ۶۸۰) لازم نیست خود انسان در جستجوی آب برود ، بلکه می تواند کسی را که به گفته او اطمینان دارد بفرستد و در این صورت اگر یک نفر از طرف چند نفر برود کافی است .

(مسأله ۶۸۱) اگر احتمال دهد که داخل بار سفر خود ، یا در منزل یا در قافله آب هست ، باید به قدری جستجو نماید که به بودن آب یقین کند ، یا از پیدا کردن آن ناامید شود .

(مسأله ۶۸۲) اگر پیش از وقت نماز جستجو نماید و آب پیدا نکند و تا وقت نماز همان جا بماند ، چنانچه احتمال دهد که آب پیدا می کند ، احتیاط واجب آن است که دوباره در جستجوی آب برود .

)

مسأله ۶۸۳) اگر بعد از داخل شدن وقتِ نماز جستجو کند و آب پیدا نکند و تا وقت نماز دیگر در همان جا بماند ، چنانچه احتمال دهد که آب پیدا می شود احتیاط واجب آن است که دوباره در جستجوی آب برود .

(مسأله ۶۸۴) اگر وقت نماز تنگ باشد ، یا از دزد و درنده بترسد ، یا جستجوی آب به قدری سخت باشد که نتواند تحمّل کند ، جستجو لازم نیست .

(مسأله ۶۸۵) اگر در جستجوی آب نرود تا وقت نماز تنگ شود معصیت کرده ولی نمازش با تیمّم صحیح است .

(مسأله ۶۸۶) کسی که یقین دارد آب پیدا نمی کند ، چنانچه دنبال آب نرود و با تیمّم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که اگر جستجو می کرد آب پیدا می شد ، نمازش باطل است .

(مسأله ۶۸۷) اگر بعد از جستجو آب پیدا نکند و با تیمّم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد ، در جایی که جستجو کرده آب بوده نمازش صحیح است .

(مسأله ۶۸۸) کسی که یقین دارد وقتِ نماز تنگ است ، اگر بدون جستجو با تیمّم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که برای جستجو وقت داشته ، احتیاط واجب آن است که دوباره نمازش را بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید .

(مسأله ۶۸۹) اگر بعد از داخل شدن وقتِ نماز ، وضو داشته باشد و بداند که اگر وضوی خود را باطل کند تهیّه آب برای او ممکن نیست ، یا نمی تواند وضو بگیرد چنانچه بتواند وضوی

خود را نگهدارد ، نباید آن را باطل نماید .

(مسأله ۶۹۰) اگر پیش از وقت نماز ، وضو داشته باشد و بداند که اگر وضوی خود را باطل کند . تهیّه آب برای او ممکن نیست ، چنانچه بتواند وضوی خود را نگهدارد ، احتیاط واجب آن است که آن را باطل نکند .

(مسأله ۶۹۱) کسی که فقط به مقدار وضو یا به مقدار غسل آب دارد و می داند که اگر آن را بریزد آب پیدا نمی کند ، چنانچه وقت نماز داخل شده باشد ، ریختن آن حرام است ، و احتیاط واجب آن است که پیش از وقت نماز هم آن را نریزد .

(مسأله ۶۹۲) کسی که می داند آب پیدا نمی کند ، اگر بعد از داخل شدن وقت نماز وضوی خود را باطل کند ، یا آبی که دارد بریزد معصیت کرده ، ولی نمازش با تیمّم صحیح است ، اگر چه احتیاط مستحبّ آن است که قضای آن نماز را بخواند .

دوم از موارد تیمّم

(مسأله ۶۹۳) اگر به واسطه پیری ، یا ترس از دزد و جانور و مانند اینها یا نداشتن وسیله ای که آب از چاه بکشد ، دسترسی به آب نداشته باشد ، باید تیمّم کند . و همچنین است اگر تهیّه کردن آب یا استعمال آن به قدری مشقّت داشته باشد که مردم تحمّل آن را نکنند .

(مسأله ۶۹۴) اگر برای کشیدن آب از چاه ، دلو و ریسمان و مانند اینها لازم دارد و مجبور است بخرد ، یا کرایه نماید ، اگر چه قیمت آن

چند برابر معمول باشد، باید تهیّه کند و همچنین است اگر آب را به چندین برابر قیمتش بفروشند ولی اگر تهیّه آنها به قدری پول می خواهد که نسبت به حال او آن مقدار ضرر دارد، واجب نیست تهیّه نماید.

(مسأله ۶۹۵) اگر ناچار شود که برای تهیّه آب قرض کند، باید قرض نماید ولی کسی که می داند یا گمان دارد که نمی تواند قرض خود را بدهد واجب نیست قرض کند.

(مسأله ۶۹۶) اگر کندن چاه مشقّت ندارد، باید برای تهیّه آب چاه بکند.

(مسأله ۶۹۷) اگر کسی مقداری آب بی منت به او ببخشد باید قبول کند.

سوّم از موارد تیمّم

(مسأله ۶۹۸) اگر از استعمال آب بر جان خود بترسد، یا بترسد که به واسطه استعمال آن مرض یا عیبی در او پیدا شود، یا مرضش طول بکشد، یا شدّت کند، یا به سختی معالجه شود، باید تیمّم کند ولی اگر آب گرم برای او ضرر ندارد، باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند.

(مسأله ۶۹۹) لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد، بلکه اگر احتمال ضرر بدهد، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد و از آن احتمال، ترس برای او پیدا شود، باید تیمّم کند.

(مسأله ۷۰۰) کسی که مبتلا به درد چشم است و آب برای او ضرر دارد باید تیمّم نماید.

(مسأله ۷۰۱) اگر به واسطه یقین یا ترس ضرر، تیمّم کند و پیش از

نماز بفهمد که آب برایش ضرر ندارد، تیمم او باطل است. و اگر بعد از نماز بفهمد، بنا بر احتیاط واجب باید دوباره نماز را با وضو یا غسل بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

(مسأله ۷۰۲) کسی که می داند آب برایش ضرر ندارد، چنانچه غسل کند یا وضو بگیرد و بعد بفهمد که آب برای او ضرر داشته، وضو و غسل او صحیح است ولی احتیاط مستحب آن است که اعاده کند.

چهارم از موارد تیمم

(مسأله ۷۰۳) هرگاه بترسد که اگر آب را به مصرف وضو، یا غسل برساند، خود او و یا عیال و اولاد او، یا رفیقش و کسانی که با او مربوطند مانند نوکر و کلفت از تشنگی بمیرند، یا مریض شوند، یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن مشقت دارد، باید به جای وضو و غسل تیمم نماید و نیز اگر بترسد حیوانی که مال خود اوست از تشنگی تلف شود، باید آب را به آن بدهد و تیمم نماید، و همچنین است اگر کسی که حفظ جان او واجب است به طوری تشنه باشد که اگر انسان آب را به او ندهد تلف شود.

(مسأله ۷۰۴) اگر غیر از آب پاکی که برای وضو یا غسل دارد آب نجسی هم به مقدار آشامیدن خود و کسانی که با او مربوطند داشته باشد باید آب پاک را برای آشامیدن بگذارد و با تیمم نماز بخواند ولی چنانچه آب را برای حیوانش بخواهد، باید آب نجس را به آن بدهد و با

آب پاک وضو و غسل را انجام دهد .

پنجم از موارد تیمم

(مسأله ۷۰۵) کسی که بدن یا لباسش نجس است و کمی آب دارد که اگر با آن وضو بگیرد و یا غسل کند ، برای آب کشیدن بدن یا لباس او نمی ماند ، باید بدن یا لباس را آب بکشد و با تیمم نماز بخواند ، ولی اگر چیزی نداشته باشد که بر آن تیمم کند ، باید آب را به مصرف وضو یا غسل برساند و با بدن یا لباس نجس نماز بخواند .

ششم از موارد تیمم

(مسأله ۷۰۶) اگر غیر از آب یا ظرفی که استعمال آن حرام است آب یا ظرف دیگری ندارد ، مثلاً آب یا ظرفش غصبی است و غیر از آن ، آب و ظرف دیگری ندارد ، باید به جای وضو و غسل تیمم کند .

هفتم از موارد تیمم

(مسأله ۷۰۷) هر گاه وقت به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود باید تیمم کند .

(مسأله ۷۰۸) اگر کسی عمداً نماز را به قدری تأخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد ، معصیت کرده ولی نماز او با تیمم صحیح است ، اگر چه احتیاط مستحب آن است که قضای آن نماز را بخواند .

(مسأله ۷۰۹) کسی که شک دارد که اگر وضو بگیرد ، یا غسل کند وقت برای نماز او می ماند یا نه ، باید وضو یا غسل را به جا آورد .

(مسأله ۷۱۰) کسی که به واسطه تنگی وقت تیمم کرده ، چنانچه بعد از نماز آبی که داشته از دستش برود ، اگر چه تیمم خود را نشکسته باشد در صورتی که وظیفه اش تیمم باشد ، باید دوباره تیمم نماید .

(مسأله ۷۱۱) کسی که آب دارد ، اگر به واسطه تنگی وقت با تیمم مشغول نماز شود و در بین نماز آبی که داشته از دستش برود چنانچه وظیفه اش تیمم باشد احتیاط واجب آن است که برای نمازهای بعد دوباره تیمم کند .

(مسأله ۷۱۲) اگر انسان به قدری وقت دارد که

می تواند وضو بگیرد ، یا غسل کند و نماز را بدون کارهای مستحبی آن مثل اقامه و قنوت بخواند ، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون کارهای مستحبی آن به جا آورد ، بلکه اگر به اندازه سوره هم وقت ندارد ، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون سوره بخواند .

چیزهایی که تیمم با آنها صحیح است

(مسأله ۷۱۳) تیمم به خاک و ریگ و کلوخ و سنگ صحیح است ، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر خاک ممکن باشد به چیز دیگر تیمم نکند و اگر خاک نباشد ، با ریگ و اگر ریگ نباشد ، با کلوخ و چنانچه کلوخ هم نباشد ، با سنگ تیمم نماید .

(مسأله ۷۱۴) تیمم بر سنگ گچ و سنگ آهک و آهک و گچ پخته صحیح است ولی تیمم بر سنگ معدن مثل سنگ فیروزه و سنگ عقیق باطل است .

(مسأله ۷۱۵) اگر خاک و ریگ و کلوخ و سنگ پیدا نشود ، باید به گرد و غباری که در فرش و لباس و مانند اینهاست تیمم نماید و چنانچه گرد پیدا نشود ، باید به گل تیمم کند و اگر گل هم پیدا نشود احتیاط مستحب آن است که نماز را بدون تیمم بخواند و واجب است بعداً قضای آن را به جا آورد .

(مسأله ۷۱۶) اگر بتواند با تکان دادن فرش و مانند آن خاک تهیه کند ، تیمم به گرد باطل است و اگر بتواند گل را خشک کند و از آن خاک تهیه نماید ، تیمم به گل باطل می باشد

(مسأله ۷۱۷) کسی که آب ندارد اگر برف یا یخ داشته باشد ، چنانچه ممکن است ، باید آن را آب کند و با آن وضو بگیرد یا غسل نماید ، و اگر ممکن نیست و چیزی هم که تیمم به آن صحیح است ندارد ، احتیاط واجب آن است که با برف یا یخ ، اعضاء وضو یا غسل را نمناک کند ، و اگر این هم ممکن نیست به یخ یا برف تیمم نماید ، ولی در دو صورت اخیر نمازی را که خوانده باید قضا کند .

(مسأله ۷۱۸) اگر با خاک و ریگ ، چیزی مانند کاه که تیمم به آن باطل است ، مخلوط شود ، نمی تواند به آن تیمم کند ولی اگر آن چیز به قدری کم باشد که در خاک یا ریگ از بین رفته حساب شود تیمم به آن خاک و ریگ صحیح است .

(مسأله ۷۱۹) اگر چیزی ندارد که بر آن تیمم کند چنانچه ممکن است ، باید به خریدن و مانند آن تهیه نماید .

(مسأله ۷۲۰) تیمم به دیوار گلی صحیح است و احتیاط مستحب آن است که با بودن زمین یا خاک خشک ، به زمین ، یا خاک نمناک تیمم نکند .

(مسأله ۷۲۱) چیزی که بر آن تیمم می کند باید پاک باشد و اگر چیز پاکی که تیمم به آن صحیح است ندارد ، نماز بر او واجب نیست ولی باید قضای آن را به جا آورد .

(مسأله ۷۲۲) اگر یقین کند که تیمم به چیزی صحیح است و به آن

تیمم نماید ، بعد بفهمد تیمم به آن باطل بوده ، نمازهایی را که با آن تیمم خوانده باید دوباره بخواند.

(مسأله ۷۲۳) چیزی که بر آن تیمم می کند و مکان آن چیز باید غصبی نباشد پس اگر بر خاک غصبی تیمم کند ، یا خاکی را که مال خود اوست بی اجازه در ملک دیگری بگذارد و بر آن تیمم کند تیمم او باطل می باشد .

(مسأله ۷۲۴) تیمم در فضای غصبی باطل است ، پس اگر در ملک خود ، دست ها را به زمین بزنند و بی اجازه داخل ملک دیگری شود و دست ها را به پیشانی بکشد ، تیمم او باطل می باشد .

(مسأله ۷۲۵) تیمم به چیز غصبی ، یا در فضای غصبی یا بر چیزی که در ملک غصبی است ، در صورتی باطل است که انسان بداند غصب است و عمداً تیمم کند و چنانچه نداند ، یا فراموش کرده باشد ، تیمم او صحیح است . ولی اگر چیزی را خودش غصب کند و فراموش کند که غصب کرده و بر آن تیمم کند ، یا ملکی را غصب نماید و فراموش کند که غصب کرده و چیزی را که بر آن تیمم می کند در آن ملک بگذارد ، یا در فضای آن ملک تیمم نماید ، تیمم او باطل است .

(مسأله ۷۲۶) کسی که در جای غصبی حبس است ، اگر آب و خاک او غصبی است ، باید با تیمم نماز بخواند .

(مسأله ۷۲۷) مستحب است چیزی که بر آن تیمم می کند ،

گردی داشته باشد که به دست بماند و بعد از زدن دست بر آن مستحب است دست را بتکاند که گرد آن بریزد .

(مسأله ۷۲۸) تیمم به زمین گود و خاک جاده و زمین شوره زار که نمک روی آن را نگرفته مکروه است و اگر نمک روی آن را گرفته باشد باطل است .

دستور تیمم بدل از وضو

(مسأله ۷۲۹) در تیمم بدل از وضو چهار چیز واجب است :

(اوّل) نیت .

(دوّم) زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم به آن صحیح است .

(سوّم) کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن ، از جایی که موی سر می روید ، تا ابروها و بالای بینی و احتیاطاً باید دست ها روی ابروها هم ، کشیده شود .

(چهارم) کشیدن تمام کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن تمام کف دست راست به تمام پشت دست چپ .

دستور تیمم بدل از غسل

(مسأله ۷۳۰) در تیمم بدل از غسل ، بعد از آن که نیت کرد و به دستوری که در مسأله پیش گفته شد ، دست ها را به زمین زد و به پیشانی کشید ، باید یک مرتبه دیگر دست ها را به زمین بزند و به پشت دست ها بکشد و احتیاط مستحب آن است که تیمم را چه بدل از وضو باشد ، چه بدل از غسل به این ترتیب به جا آورد : یک مرتبه دست ها را به زمین بزند و به پیشانی و پشت دست ها بکشد و یک مرتبه دیگر به زمین بزند و پشت دست ها را مسح نماید .

احکام تیمم

(مسأله ۷۳۱) اگر مختصری از پیشانی و پشت دست ها را هم مسح نکند تیمم باطل است ، چه عمداً مسح نکند ، یا مسأله را نداند ، یا فراموش کرده باشد . ولی دقت زیاد هم لازم نیست و همین قدر که بگویند تمام پیشانی و پشت دست مسح شده کافی است .

(مسأله ۷۳۲) برای آن که یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده باید مقداری بالاتر از میچ را هم مسح نماید ، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست .

(مسأله ۷۳۳) پیشانی و پشت دست ها را باید از بالا به پایین مسح نماید و کارهای آن را پشت سر هم به جا آورد و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد ، که نگویند تیمم می کند باطل است .

(مسأله ۷۳۴) در موقع نیت باید معین کند که تیمم او بدل از غسل است

، یا بدل از وضو و اگر بدل از غسل باشد ، باید آن غسل را معین نماید و چنانچه اشتبهاً به جای بدل از وضو ، بدل از غسل یا به جای بدل از غسل ، بدل از وضو نیت کند ، یا مثلاً در تیمم بدل از غسل جنابت ، نیت تیمم بدل از غسل مس میت نماید ، تیمم او باطل است .

(مسأله ۷۳۵) در تیمم باید پیشانی و کف دست ها و پشت دست ها پاک باشد ، و اگر کف دست نجس باشد و نتواند آن را آب بکشد ، احتیاط مستحب آن است که دو تیمم کند : یکی با کف دست و یکی با پشت دست یعنی پشت دست را به چیزی که تیمم به آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دست ها بکشد ، ولی تیمم با همان کف دست نجس کافی است .

(مسأله ۷۳۶) انسان باید برای تیمم انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر در پیشانی یا پشت دست ها یا در کف دست ها مانعی باشد مثلاً چیزی به آنها چسبیده باشد ، باید بر طرف نماید .

(مسأله ۷۳۷) اگر پیشانی یا پشت دست ها زخم است و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نمی تواند باز کند ، باید دست را روی آن بکشد و نیز اگر کف دست زخم باشد و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نتواند باز کند ، باید دست را با همان پارچه به چیزی که تیمم به آن صحیح است بزند و

به پیشانی و پشت دست ها بکشد .

(مسأله ۷۳۸) اگر پیشانی و پشت دست ها مو داشته باشد ، اشکال ندارد . ولی اگر موی سر روی پیشانی آمده باشد ، باید آن را عقب بزند .

(مسأله ۷۳۹) اگر احتمال دهد که در پیشانی و کف دست ها یا پشت دست ها مانعی هست ، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد ، باید جستجو نماید ، تا یقین یا گمان کند که مانعی نیست .

(مسأله ۷۴۰) اگر وظیفه او تیمم است و نمی تواند تیمم کند باید نایب بگیرد . و کسی که نایب می شود ، باید او را با دست خود او تیمم دهد و اگر ممکن نباشد باید نایب ، دست خود را به چیزی که تیمم به آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دست های او بکشد .

(مسأله ۷۴۱) اگر در بین تیمم شک کند که قسمتی از آن را فراموش کرده یا نه ، باید آن قسمت را با آن چه بعد از آن است به جا آورد .

(مسأله ۷۴۲) اگر بعد از مسح دست چپ شک کند که درست تیمم کرده یا نه ، تیمم او صحیح است .

(مسأله ۷۴۳) کسی که وظیفه اش تیمم است نمی تواند پیش از وقت نماز برای نماز تیمم کند ، ولی اگر برای کار واجب دیگر یا مستحبی تیمم کند و تا وقت نماز عذر او باقی باشد ، می تواند با همان تیمم نماز بخواند .

(مسأله ۷۴۴) کسی که وظیفه اش

تیمم است ، اگر بداند تا آخر وقت عذر او باقی می ماند ، در وسعت وقت می تواند با تیمم نماز بخواند ، ولی اگر بداند که تا آخر وقت عذر او بر طرف می شود ، باید صبر کند و با وضو یا غسل نماز بخواند و نیز اگر امید دارد که عذرش بر طرف شود ، باید صبر کند و با وضو یا غسل نماز بخواند ، یا در تنگی وقت با تیمم نماز را به جا آورد .

(مسأله ۷۴۵) کسی که نمی تواند وضو بگیرد ، یا غسل کند ، اگر احتمال ندهد که عذرش به زودی بر طرف شود ، می تواند نمازهای قضای خود را با تیمم بخواند ، ولی اگر احتمال دهد عذر او به زودی بر طرف می شود ، خواندن نماز قضا برای او اشکال دارد .

(مسأله ۷۴۶) کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند ، جایز است نمازهای مستحبی را که مثل نافله های شبانه روز وقت معین دارد با تیمم بخواند ، ولی اگر احتمال دهد که تا آخر وقت آنها عذر او بر طرف می شود ، نباید آنها را در اول وقتشان به جا آورد .

(مسأله ۷۴۷) کسی که احتیاطاً باید غسل جبیره ای و تیمم نماید مثلاً جراحی در پشت او است ، اگر بعد از غسل و تیمم نماز بخواند و بعد از نماز حدث اصغری از او سرزند ، مثلاً بول کند ، برای نمازهای بعد باید بدل از غسل احتیاطاً تیمم کند و وضو هم بگیرد .

(مسأله ۷۴۸)

(اگر به واسطه نداشتن آب یا عذر دیگری تیمم کند ، بعد از بر طرف شدن عذر ، تیمم او باطل می شود .

(مسأله ۷۴۹) چیزهایی که وضو را باطل می کند ، تیمم بدل از وضو را هم باطل می کند و چیزهایی که غسل را باطل می نماید ، تیمم بدل از غسل را هم باطل می کند .

(مسأله ۷۵۰) شخص جنب که معذور از غسل است هرگاه تیمم کند مادامی که عذر او بر طرف نشده احتیاج به تجدید تیمم ندارد مگر این که دوباره جنب شود .

(مسأله ۷۵۱) کسی که نمی تواند غسل کند ، اگر چند غسل بر او واجب باشد می تواند برای همه آنها یک تیمم بدل از غسل به جا آورد ولی احتیاط مستحب آن است که بعد از آن بدل هر یک از آنها هم ، یک تیمم بنماید .

(مسأله ۷۵۲) کسی که نمی تواند غسل کند ، اگر بخواهد عملی را که برای آن غسل واجب است انجام دهد ، باید بدل از غسل تیمم نماید و اگر نتواند وضو بگیرد و بخواهد عملی را که برای آن وضو واجب است انجام دهد ، باید بدل از وضو تیمم نماید .

(مسأله ۷۵۳) اگر بدل از غسل جنابت تیمم کند لازم نیست برای نماز وضو بگیرد . ولی اگر بدل از غسل های دیگر تیمم کند ، باید وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد ، باید تیمم دیگری هم بدل از وضو بنماید .

(مسأله ۷۵۴) اگر بدل از غسل جنابت تیمم کند و

بعد کاری که وضو را باطل می کند برای او پیش آید ، چنانچه برای نمازهای بعد نتواند غسل کند باید وضو بگیرد و بنا بر احتیاط مستحبّ بدل از غسل تیمّم نماید و اگر نمی تواند وضو بگیرد یک تیمّم بدل از وضوکافی است .

(مسأله ۷۵۵) کسی که باید برای انجام عملی مثلاً برای خواندن نماز ، بدل از وضو و بدل از غسل تیمّم کند ، احتیاط واجب آن است که تیمّم سوّمی هم به قصد این که بتواند آن عمل را انجام دهد بنماید . ولی اگر در تیمّم اوّل ، نیت بدل از وضو یا نیت بدل از غسل نماید و تیمّم دوّم را به قصد این که وظیفه خود را انجام داده باشد به جا آورد تیمّم سوّم لازم نیست .

(مسأله ۷۵۶) کسی که وظیفه اش تیمّم است اگر برای کاری تیمّم کند ، تا تیمّم و عذر او باقی است ، کارهایی را که باید با وضو یا غسل انجام داد ، می تواند به جا آورد . ولی اگر عذرش تنگی وقت بوده ، یا با داشتن آب برای نماز میت یا خوابیدن ، تیمّم کرده فقط کاری را که برای آن تیمّم نموده می تواند انجام دهد .

(مسأله ۷۵۷) در چند مورد مستحبّ است نمازهایی را که انسان با تیمّم خوانده دوباره بخواند :

(اوّل) آن که از استعمال آب ترس داشته و عمداً خود را جنب کرده و با تیمّم نماز خوانده است .

(دوّم) آن که می دانسته یا گمان داشته که آب پیدا نمی کند و عمداً

خود را جنب کرده و با تیمم نماز خوانده است .

(سوم) آن که تا آخر وقت ، عمداً در جستجوی آب نرود و با تیمم نماز بخواند و بعد بفهمد که اگر جستجو می کرد ، آب پیدا می شد .

(چهارم) آن که عمداً نماز را تأخیر انداخته و در آخر وقت با تیمم نماز خوانده است .

(پنجم) آن که می دانسته یا گمان داشته که آب پیدا نمی شود و آبی را که داشته ریخته است .

(ششم) آن که از ترس مزاحمت جمعیت و نرسیدن به نماز جماعت ، نماز جمعه را با تیمم خوانده است .

احکام نماز

اشاره

نماز مهمترین اعمال دینی است که اگر قبول درگاه خداوند عالم شود ، عبادت های دیگر هم قبول می شود و اگر پذیرفته نشود اعمال دیگر هم قبول نمی شود . و همان طور که اگر انسان شبانه روزی پنج نوبت در نهر آبی شستشو کند ، چرک در بدنش نمی ماند ، نمازهای پنج گانه هم انسان را از گناهان پاک می کند . و سزاوار است که انسان نماز را در اول وقت بخواند و کسی که نماز را پست و سبک شمارد ، مانند کسی است که نماز نمی خواند . پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود ، کسی که به نماز اهمیت ندهد و آن را سبک شمارد ، سزاوار عذاب آخرت است . روزی حضرت در مسجد تشریف داشتند ، مردی وارد و مشغول نماز شد و رکوع و سجودش را کاملاً به جا نیاورد ، حضرت فرمودند اگر این مرد

در حالی که نمازش این طور است از دنیا برود ، به دین من از دنیا نرفته است . پس انسان باید مواظب باشد که به عجله و شتابزدگی نماز نخواند و در حال نماز به یاد خدا و با خضوع و خشوع و وقار باشد و متوجه باشد که با چه کسی سخن می گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند عالم بسیار پست و ناچیز ببیند و اگر انسان در موقع نماز کاملاً به این مطلب توجه کند ، از خود بی خبر می شود ، چنان که در حال نماز تیر را از پای مبارک امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیرون کشیدند و آن حضرت متوجه نشدند . و نیز باید نمازگزار توبه و استغفار نماید و گناहانی که مانع قبول شدن نماز است ، مانند حسد ، کبر ، غیبت ، خوردن حرام ، آشامیدن مسکرات و ندادن خمس و زکوت بلکه هر معصیتی را ترک کند . و همچنین سزاوار است کارهایی که ثواب نماز را کم می کند به جا نیاورد ، مثلاً در حال خواب آلودگی و خودداری از بول به نماز نایستد و در موقع نماز به آسمان نگاه نکند و نیز کارهایی که ثواب نماز را زیاد می کند به جا آورد ، مثلاً انگشتی عقیق به دست کند و لباس پاکیزه بپوشد و شانه و مسواک کند و خود را خوشبو نماید .

نمازهای واجب

نمازهای واجب شش است :

(اول) نماز یومیّه .

(دوّم) نماز آیات .

(سوّم) نماز میّت .

(چهارم) نماز طواف واجب خانه کعبه .

(پنجم) نماز

قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است .

(ششم) نمازی که به واسطه اجاره و نذر و قسم و عهد واجب می شود .

نمازهای واجب یومیّه

نمازهای واجب یومیّه پنج است : ظهر و عصر ، هر کدام چهار رکعت . مغرب سه رکعت . عشاء ، چهار رکعت . صبح دو رکعت .

(مسأله ۷۵۸) در سفر باید نمازهای چهار رکعتی را با شرایطی که گفته می شود دو رکعت خواند .

وقت نماز ظهر و عصر

(مسأله ۷۵۹) اگر چوب یا چیزی مانند آن را ، راست در زمین هموار فرو برند ، صبح که خورشید بیرون می آید ، سایه آن به طرف مغرب می افتد و هر چه آفتاب بالا- می آید این سایه کم می شود و در شهرهای ما در اوّل ظهر شرعی به آخرین درجه کمی می رسد و ظهر که گذشت ، سایه آن به طرف مشرق بر می گردد و هر چه خورشید رو به مغرب می رود ، سایه زیادتر می شود . بنابراین وقتی سایه به آخرین درجه کمی رسید و دو مرتبه رو به زیاد شدن گذاشت ، معلوم می شود ظهر شرعی شده است ولی در بعضی شهرها مثل مکه که گاهی موقع ظهر سایه به کلی از بین می رود ، بعد از آن که سایه دوباره پیدا شد ، معلوم می شود ظهر شده است .

(مسأله ۷۶۰) چوب یا چیز دیگری را ، که برای معین کردن ظهر به زمین فرو می برند شاخص گویند .

(مسأله ۷۶۱) نماز ظهر و عصر ، هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند :

وقت مخصوص نماز ظهر از اوّل ظهر است تا وقتی که از ظهر به اندازه خواندن نماز ظهر بگذرد که اگر کسی سهواً تمام نماز عصر

را در این وقت بخواند ، نمازش باطل است .

وقت مخصوص نماز عصر موقعی است که به اندازه خواندن نماز عصر ، وقت به مغرب مانده باشد ، که اگر کسی تا این موقع نماز ظهر را نخواند ، نماز ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند .

و ما بین وقت مخصوص نماز ظهر و وقت مخصوص نماز عصر ، وقت مشترک نماز ظهر و نماز عصر است ، که اگر کسی در این وقت اشتبهاً تمام نماز عصر را پیش از نماز ظهر بخواند نمازش صحیح است و باید نماز ظهر را بعد از آن به جا آورد .

(مسأله ۷۶۲) اگر پیش از خواندن نماز ظهر ، سهواً مشغول نماز عصر شود و در بین نماز بفهمد اشتباه کرده است ، چنانچه در وقت مشترک باشد ، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند یعنی نیت کند که آن چه تا حال خوانده ام و آن چه را مشغولم و آن چه بعد می خوانم همه نماز ظهر باشد و بعد از آن که نماز را تمام کرد ، نماز عصر را بخواند . و اگر در وقت مخصوص به ظهر باشد ، بنا بر احتیاط واجب ، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند ، بعد هر دو نماز را به ترتیب به جا آورد .

نماز جمعه

(مسأله ۷۶۳) در زمان حضور امام زمان (علیه السلام) واجب است انسان در روز جمعه به جای نماز ظهر دو رکعت نماز جمعه بخواند ، ولی در این زمان نماز جمعه واجب تخییری است

یعنی مکلف مخیر است در روز جمعه که نماز جمعه را بخواند یا نماز ظهر را به جا آورد اگر چنانچه کسی نماز جمعه را با شرایطی که برای آن ذکر شده بخواند کفایت از ظهر می کند ولی احتیاط مستحب آن است که نماز ظهر را هم بخواند .

(مسأله ۷۶۴) وقت نماز جمعه از اوّل ظهر است تا وقتی که سایه شاخص به اندازه خود شاخص شود .

وقت نماز مغرب و عشاء

(مسأله ۷۶۵) مغرب موقعی است که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود ، از بالای سر انسان بگذرد .

(مسأله ۷۶۶) نماز مغرب و عشاء هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند :

وقت مخصوص نماز مغرب از اوّل مغرب است ، تا وقتی که از مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز بگذرد ، که اگر کسی مثلاً مسافر باشد و تمام نماز عشاء را سهواً در این وقت بخواند نمازش باطل است .

و وقت مخصوص نماز عشاء موقعی است که به اندازه خواندن نماز عشاء به نصف شب مانده باشد ، که اگر کسی تا این موقع نماز مغرب را نخواند ، باید اوّل نماز عشاء و بعد از آن نماز مغرب را بخواند .

و بین وقت مخصوص نماز مغرب و وقت مخصوص نماز عشاء وقت مشترک نماز مغرب و عشاء است ، که اگر کسی در این وقت اشتبهاً نماز عشاء را پیش از نماز مغرب بخواند و بعد از نماز ملتفت شود نمازش صحیح است و باید نماز مغرب را بعد از آن به جا آورد .

(مسأله ۷۶۷) وقت مخصوص و

مشترک که معنی آن در مسأله پیش گفته شد ، برای اشخاص فرق می کند ، مثلاً اگر به اندازه خواندن دو رکعت نماز از اوّل ظهر بگذرد ، وقت مخصوص نماز ظهر کسی که مسافر است تمام شده و داخل وقت مشترک می شود و برای کسی که مسافر نیست ، باید به اندازه خواندن چهار رکعت نماز بگذرد .

(مسأله ۷۶۸) اگر پیش از خواندن نماز مغرب ، سهواً مشغول نماز عشاء شود و در بین نماز بفهمد که اشتباه کرده ، چنانچه تمام آنچه را خوانده یا مقداری از آن را در وقت مشترک خوانده و به رکوع رکعت چهارم نرفته است ، باید نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و بعد نماز عشاء را بخواند و اگر به رکوع رکعت چهارم رفته باید نماز را تمام کند . بعد نماز مغرب را بخواند . امّا اگر تمام آنچه را خوانده در وقت مخصوص نماز مغرب خوانده باشد و پیش از رکوع رکعت چهارم یادش بیاید ، احتیاط واجب آن است که نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و دوباره نماز مغرب و بعد از آن عشاء را بخواند .

(مسأله ۷۶۹) آخر وقت نماز عشاء نصف شب است . و شب را باید از اوّل غروب تا اذان صبح حساب کرد ، نه تا اوّل آفتاب .
(۱) .

(مسأله ۷۷۰) اگر از روی معصیت ، یا به واسطه عذری نماز مغرب و یا نماز عشاء را تا نصف شب نخواند بنابر احتیاط واجب ، باید تا قبل از

اذان صبح ، بدون این که نیت ادا و قضا کند به جا آورد .

۱. بنابراین تقریباً یازده ساعت و یک ربع بعد از ظهر شرعی ، آخر وقت نماز مغرب و عشا است .

وقت نماز صبح

(مسأله ۷۷۱) نزدیک اذان صبح از طرف مشرق ، سفیده ای رو به بالا حرکت می کند که آن را فجر اوّل گویند ، موقعی که آن سفیده پهن شد فجر دوّم و اوّل وقت نماز صبح است . آخر وقت نماز صبح موقعی است که آفتاب بیرون می آید .

احکام وقت نماز

(مسأله ۷۷۲) موقعی انسان می تواند مشغول نماز شود ، که یقین کند وقت داخل شده است ، یا دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند .

(مسأله ۷۷۳) اگر به واسطه ابر یا غبار یا نابینایی و یا بودن در زندان نتواند در اوّل وقت نماز به داخل شدن وقت یقین کند چنانچه گمان داشته باشد که وقت داخل شده ، می تواند مشغول نماز شود ولی احتیاط مستحبّ آن است که نماز را تأخیر بیندازد تا یقین کند ، وقت داخل شده است .

(مسأله ۷۷۴) اگر دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند یا انسان یقین کند که وقت نماز شده و مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد که هنوز وقت داخل نشده ، نماز او باطل است و همچنین است اگر بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را پیش از وقت خوانده . ولی اگر در بین نماز بفهمد وقت داخل شده یا بعد از نماز بفهمد ، که در بین نماز وقت داخل شده ، نماز او صحیح است .

(مسأله ۷۷۵) اگر انسان ملتفت نباشد که باید با یقین به داخل شدن وقت ، مشغول نماز شود ، چنانچه بعد از نماز بفهمد که

تمام نماز را در وقت خوانده ، نماز او صحیح است و اگر بفهمد تمام نماز را پیش از وقت خوانده ، یا نفهمد که در وقت خوانده یا پیش از وقت نمازش باطل است ، بلکه اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز وقت داخل شده است . احتیاط واجب آن است که دوباره آن نماز را بخواند.

(مسأله ۷۷۶) اگر یقین کند وقت داخل شده و مشغول نماز شود و در بین نماز شک کند که وقت داخل شده یا نه ، نماز او باطل است . ولی اگر در بین نماز یقین داشته باشد که وقت شده ، و شک کند که آنچه از نماز خوانده در وقت بوده یا نه نمازش صحیح است .

(مسأله ۷۷۷) اگر وقت نماز به قدری تنگ است ، که به واسطه به جا آوردن بعضی از کارهای مستحب نماز ، مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود ، باید آن مستحب را به جا نیاورد مثلاً اگر به واسطه خواندن قنوت ، مقداری از نماز بعد از وقت خوانده می شود ، باید قنوت نخواند .

(مسأله ۷۷۸) کسی که به اندازه خواندن یک رکعت نماز وقت دارد باید نماز را به نیت ادا بخواند ، ولی نباید عمداً نماز را تا این وقت تأخیر بیندازد .

(مسأله ۷۷۹) کسی که مسافر نیست ، اگر تا مغرب به اندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد ، باید نماز ظهر و عصر هر دو را بخواند و اگر کمتر وقت دارد ، باید فقط نماز عصر را بخواند

و بعداً نماز ظهر را قضا کند . و همچنین اگر تا نصف شب به اندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد ، باید نماز مغرب و عشاء را بخواند و اگر کمتر وقت دارد ، باید فقط عشاء را بخواند و بعداً مغرب را قضا نماید .

(مسأله ۷۸۰) کسی که مسافر است اگر تا مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز وقت دارد ، باید نماز ظهر و عصر را بخواند و اگر کمتر وقت دارد ، باید فقط عصر را بخواند و بعداً نماز ظهر را قضا کند . و اگر تا نصف شب به اندازه خواندن چهار رکعت نماز وقت دارد باید نماز مغرب و عشاء را بخواند و اگر کمتر وقت دارد ، باید فقط عشاء را بخواند و بعداً مغرب را قضا نماید و چنانچه بعد از خواندن عشاء معلوم شود که به مقدار یک رکعت یا بیش تر وقت به نصف شب مانده است ، باید فوراً نماز مغرب را به نیت ادا به جا آورد .

(مسأله ۷۸۱) مستحب است انسان نماز را در اوّل وقت آن بخواند و راجع به آن خیلی سفارش شده است و هر چه به اوّل وقت نزدیکتر باشد بهتر است ، مگر آن که تأخیر آن از جهتی بهتر باشد ، مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند .

(مسأله ۷۸۲) هر گاه انسان عذری دارد که اگر بخواند در اوّل وقت ، نماز بخواند ، ناچار است مثلاً با تیمم یا با لباس نجس نماز بخواند ، چنانچه بداند عذر او تا آخر وقت باقی است ، می تواند در اوّل

وقت ، نماز بخواند . ولی اگر احتمال دهد که عذر او از بین می رود ، باید صبر کند تا عذرش بر طرف شود و چنانچه عذر او بر طرف نشد ، در آخر وقت نماز بخواند . و لازم نیست به قدری صبر کند که فقط بتواند کارهای واجب نماز را انجام دهد ، بلکه اگر برای مستحبات نماز مانند اذان و اقامه و قنوت هم وقت دارد ، می تواند تیمم کند و نماز را با آن مستحبات به جا آورد .

(مسأله ۷۸۳) کسی که مسائل نماز و شکایات و سهویات را نمی داند و احتمال می دهد که یکی از اینها در نماز پیش آید ، باید برای یاد گرفتن اینها نماز را از اول وقت تأخیر بیندازد ، ولی اگر اطمینان دارد که نماز را به طور صحیح تمام می کند ، می تواند در اول وقت مشغول نماز شود ، پس اگر در نماز مسأله ای که حکم آن را نمی داند پیش نیاید ، نماز او صحیح است و اگر مسأله ای که حکم آن را نمی داند پیش آید ، جایز است به یکی از دو طرفی که احتمال می دهد ، عمل نماید و نماز را تمام کند . ولی بعد از نماز باید مسأله را پرسد که اگر نمازش باطل بوده ، دوباره بخواند و اگر صحیح هم بوده ، بنا بر احتیاط مستحبّ دوباره بخواند .

(مسأله ۷۸۴) اگر وقت نماز وسعت دارد و طلبکار هم طلب خود را مطالبه می کند ، در صورتی که ممکن است ، باید اول قرض خود را بدهد ،

بعد نماز بخواند . و همچنین است اگر کار واجب دیگری که باید فوراً آن را به جا آورد پیش آمد کند ، مثلاً ببیند مسجد نجس است که باید اول مسجد را تطهیر کند ، بعد نماز بخواند . و چنانچه اول نماز بخواند ، معصیت کرده ولی نماز او صحیح است .

نمازهایی که باید به ترتیب خوانده شود

(مسأله ۷۸۵) انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشاء را بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشاء را پیش از نماز مغرب بخواند باطل است .

(مسأله ۷۸۶) اگر به نیت نماز ظهر مشغول نماز شود و در بین نماز یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده است ، نمی تواند نیت را به نماز عصر برگرداند ، بلکه باید نماز را بشکند و نماز عصر را بخواند و همین طور است در نماز مغرب و عشاء .

(مسأله ۷۸۷) اگر در بین نماز عصر یقین کند که نماز ظهر را نخوانده است و نیت را به نماز ظهر برگرداند ، چنانچه یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده بوده ، بنا بر احتیاط واجب باید نیت را به نماز عصر برگرداند و بعد از تمام کردن نماز ، دوباره نماز عصر را بخواند .

(مسأله ۷۸۸) اگر در بین نماز عصر شک کند که نماز ظهر را خوانده یا نه ، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند . ولی اگر وقت به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز ، مغرب می شود باید به نیت نماز

عصر ، نماز را تمام کند .

(مسأله ۷۸۹) اگر در نماز عشاء ، پیش از رکوع رکعت چهارم شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه ، چنانچه وقت به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز ، نصف شب می شود ، باید به نیت عشاء نماز را تمام کند و اگر بیش تر وقت دارد ، باید نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را سه رکعتی تمام کند ، بعد نماز عشاء را بخواند .

(مسأله ۷۹۰) اگر در نماز عشاء بعد از رسیدن به رکوع رکعت چهارم ، شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه ، باید نماز را تمام کند ، بعد نماز مغرب را بخواند .

(مسأله ۷۹۱) اگر انسان نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند و در بین نماز یادش بیاید ، نمازی را که باید پیش از آن بخواند نخوانده است ، نمی تواند نیت را به آن نماز برگرداند ، مثلاً موقعی که نماز عصر را احتیاطاً می خواند ، اگر یادش بیاید نماز ظهر را نخوانده است ، نمی تواند نیت را به نماز ظهر برگرداند .

(مسأله ۷۹۲) برگرداندن نیت از نماز قضا به نماز ادا و از نماز مستحب به نماز واجب جایز نیست .

(مسأله ۷۹۳) اگر وقت نماز ادا وسعت داشته باشد ، انسان می تواند در بین نماز نیت را به نماز قضا برگرداند ، ولی باید برگرداندن نیت ، به نماز قضا ممکن باشد ، مثلاً اگر مشغول نماز ظهر است ، در صورتی می تواند

نیت را به قضای صبح برگرداند که داخل رکعت سوم نشده باشد .

نمازهای مستحب

(مسأله ۷۹۴) نمازهای مستحبی زیاد است و آنها را نافله گویند و بین نمازهای مستحبی به خواندن نافله های شبانه روز بیش تر سفارش شده و آنها در غیر روز جمعه سی و چهار رکعتند که هشت رکعت آن نافله ظهر و هشت رکعت نافله عصر و چهار رکعت نافله مغرب و دو رکعت نافله عشاء و یازده رکعت نافله شب و دو رکعت نافله صبح می باشد . و چون دو رکعت نافله عشاء را بنا بر احتیاط واجب باید نشسته خواند ، یک رکعت حساب می شود . ولی در روز جمعه به شانزده رکعت نافله ظهر و عصر چهار رکعت اضافه می شود .

(مسأله ۷۹۵) از یازده رکعت نافله شب ، هشت رکعت آن باید به نیت نافله شب و دو رکعت آن به نیت نماز شَفْع و یک رکعت آن ، به نیت نماز وتر خوانده شود . و دستور کامل نافله شب در کتاب های دعا گفته شده است .

(مسأله ۷۹۶) نمازهای نافله را می شود نشسته خواند ولی بهتر است دو رکعت نماز نافله نشسته را یک رکعت حساب کند ، مثلاً کسی که می خواهد نافله ظهر را که هشت رکعت است نشسته بخواند ، بهتر است شانزده رکعت بخواند و اگر می خواهد نماز وتر را نشسته بخواند ، دو نماز یک رکعتی نشسته بخواند .

(مسأله ۷۹۷) نافله ظهر و عصر را در سفر نباید خواند . و نافله نماز عشاء در سفر ساقط نیست اگر کسی به قصد

رجاء بخواند مانعی ندارد .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

